ShivaDoc.com

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی
۱۴

ShivaDoc.com

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب مجموعه در علوم غریبه و جفر

مؤلف

مترجم

شماره ثبت کتاب ۸۹۸۷۲

شمارهٔ قفسه

خطی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی ۱۴۳۷۴

۱۰۶۴۴

بازدید شد ۱۳۸۷

ShivaDoc.com

نوبتست وشش عدد تکسیر که شب جمعه خواهد خوانده ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ باید
که دایم ورد کند واکر تواند هر شب جمعه باین ورد قیام نماید کر زود
اجابت شود دارنده این مربع از خلق مستغنی کردد وفتوح دایم
رسدش وتوانکر کردد ودایم الاوقات مفرح الاحوال بود ومقاصد
او بحصول موصول کردد **النور** هرکه بعدد کبیر بخواند دل او

۱۰۳۹	۱۰۴۳	۱۰۴۶	۱۰۴۲
۱۰۴۵	۱۰۳۳	۱۰۳۸	۱۰۴۴
۱۰۳۴	۱۰۴۸	۱۰۴۱	۱۰۳۷
۱۰۴۲	۱۰۳۶	۱۰۳۵	۱۰۴۱

نورانی کردد هرکه این سه اسم را
البدیع النور القابض هر روز
صد بار بخواند دو تقرب بسلاطین
خاصیت تمام بیند ودر خلاصی
محبوسان وکسانی که حکم بر قتل ایشان کرده باشند بدین اسما
مداومت نمایند نجاة یافته بمرتبه عالی رسند **الهادی** هرکه شب
روی در آسمان کند وانقدر که تواند بکوید حق تعالی راه نمایی
فرستد تا مقاصد او را راه نمونی کند ومراد او برآید هرکه راه راست
خواهد بدین نوع مداومت نماید یا هادی المضلین **البدیع** هرکه
در دشواری افتد این مربع را با خود دارد ودر شبها روی بدر
آسمان کرده بسیار خواند حضرت بدیع او را در هیچ دشواری نکذارد
وکارهای مشکل او آسان شود وطلسمات مشکل وکارهای بسته او

بکشاید

بکشاید **الباقی** هرکه این نام ورد کند از هول قیامت نجاة

یا باقی	والارض	السموات	یا بدیع
یا بدیع	السموات	والارض	یا باقی
والارض	یا باقی	یا بدیع	السموات
السموات	یا بدیع	یا باقی	والارض

یابد وبهشت عنبر
سرشت رسد هرکه
شب جمعه هزار بار تکرار
نماید وصلوات بسیار
فرستد مستجاب الدعوه
کردد وهرکه با خود دارد بطاعت حریص کردد **الوارث** هرکه
روزی صد بار ورد کند هیچ وحشت بر وی راه نیابد واز هیچ چیز
نترسد نه در حیات ونه در ممات واکر در وقت خواب بسیار کوید
ودر آخر بکوید رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین در قبر
او را تنها نکذارند واز ایشان علم لدنی بهره مند شود **الرشید** هرکه
از عاقبت کار ترسد بعد از نماز شام هزار بار ورد کند خدای تعالی
او را براه راست آرد ودر امور دنیا پریشان نکردد **الصمد** هرکه

صد ۲۹۹۶	بر ۳۵۰۰	شر ۲۵۰۳	صب ۳۹۸۹
۳۰۰۲	۲۹۹۰	۲۹۹۵	۳۵۰۱
۲۹۹۱	۳۰۰۵	۲۹۹۸	۲۹۹۴
۲۹۹۹	۲۹۹۳	۲۹۹۲	۳۵۰۴

مداومت نماید حضرت غوث
او را بلیه صبر کرامت کند واکر این
دو اسم در مربع وضع کند وبا خود
دارد صبور کردد واز بلاهای

مهر نیت قریب الاجابه

۱۴۳۷۴
۸۹۱۷۲

ShivaDoc.com

آخر الزمان سالم ماند **لوح اسم دال** شرح مخمس که در اول هر
اسم دال است دارنده این بود از وهم دزد و غرق در دریا و صاعقه
و خطا شدن از اسب و شر دد و موذیان و از جمله بیماریها ایمن
گردد و دعوت این اسم مناسب کسانیست که از سلاطین متوهم باشند
و از خلایق ترسند در خوش حالی زهره بدین منوال در مخمس
درج کند و با خود دارد در جاه و منصب مرتبه عالی رسد و از
خلق مستغنی گردد و اگر ورد کند و دایم خواند از عزل دولت
سالم و سلامت باشد اگر سای ندا خواند بهتر دارنده این لوح را
توابع زهره مطیع و مقید او گردند و از مکر و مکاران و حسد حاسدان
و غمزاران سالم باشد و دایم الاوقات خوش وقت و خندان
بود و فتوح بسیار بیند **لوح اسم عین** شرح شش اسم
که اول او از عین است

دیان	دلیل	دایم	داعی	دافع
داعی	دافع	دیان	دلیل	دایم
دلیل	دایم	داعی	دافع	دیان
دافع	دیان	دلیل	دایم	داعی
دایم	داعی	دافع	دیان	دلیل

در مسدس وضع کند
چنانکه نموده شد و
با خود دارد عزیز و
مکرم و عظیم قدر و
عالی همت و دلیر گردد

و اگر هر روز جمعه ۳۶ نوبت بخواند اگر نتواند ۶ بار بخواند
او را بود دل خاشع و زبان ذاکر و مقبول دلها گردد و در نظر
سلاطین و امرا با حرمت باشد و هرگاه که شروع کند کار او برآید
و اگر کسی از دولت معزول گشته باشد این لوح در نقره نقش
کند در شرف آفتاب یا مشتری بود با خود دارد خواص کلی بیند

این مهر را
عزیز کرده اند
در هر محل
که کشیده اند
واسطه
از مری وجه
دنیای رسید

عزیز	علیم	عظیم	عدل	عفو	
عزیز	عفو	علی	علیم	عظیم	عدل
عفو	عدل	عظیم	علی	علیم	عزیز
علیم	علی	عزیز	عدل	عفو	عظیم
عظیم	علیم	عدل	عفو	عزیز	علی
عدل	عظیم	عفو	عزیز	علی	علیم

و اگر در ساعت سعد کشیده اند دنیایی کلی رسیده اما راست

۷	۲	۹
۸	۶	۴
۳	۱۰	۵

من کتاب سبحة الارواح لشیخ سعد الدین الحموی بسم الله الرحمن الرحیم
آنچه جلاله سور قرآنی است بدین تفصیل است سورة البقرة
الله بالله ۴ الله والله ایضا ۴ الله الخ مجموع دویست و هفتاد
و پنج الله و بالله و لله و والله مجموع ۲۷۵ من حیث الجمع فی سورة
البقرة سورة آل عمران یک اللهم ۱۹۹ جلاله سورة النساء ۲۹
جلاله سورة المائدة ۱۴ جلاله ویک اللهم سورة الانعام
۱۳ جلاله ویک فتنه سورة الاعراف ۵۷ جلاله سورة الانفال
۱۷ جلاله ویک اللهم سورة التوبه ۱۴ جلاله سورة یونس ۶ جلاله
ویک اللهم سورة هود ۳۸ جلاله سورة یوسف ۱۴ جلاله سورة
الرعد ۳۳ جلاله سورة ابرهیم ۳۷ جلاله سورة الحجر ۲ الله
سورة النحل ۱۴ جلاله سورة بنی اسرائیل ۱۰ جلاله سورة الکهف
۶ جلاله سورة مریم ۸ جلاله سورة موسی ۶ جلاله سورة الانبیاء
۶ جلاله سورة الحج ۵ جلاله سورة المؤمنون ۱۳ جلاله سورة النور
۱۷ جلاله سورة الفرقان ۸ جلاله سورة الشعرا ۱۱ جلاله سورة النمل
۶ جلاله سورة القصص ۲۸ جلاله سورة العنکبوت ۴ جلاله
سورة الروم ۳۲ جلاله سورة لقمان ۳ جلاله سورة السجدة یک
جلاله سورة الاحزاب ۹ سورة سبا ۸ جلاله سورة فاطر ۳

سورة یس ۳ جلاله سورة الصافات ۵ جلاله سورة ص
۳ جلاله سورة الزمر ۵۸ جلاله ویک اللهم سورة المؤمن ۵۳
جلاله سورة فصلت ۱ جلاله سورة عسق ۳۲ جلاله سورة
الزخرف ۳ جلاله سورة الدخان ۸ جلاله سورة الاحقاف ۱۶
جلاله سورة محمد ۲۸ جلاله سورة الفتح ۳۸ سورة الحجرات ۲۷
سورة ق یک جلاله سورة الذاریات ۳ جلاله سورة الطور ۳
جلاله سورة النجم ۶ جلاله سورة القمر ندارد و سورة الرحمن والواقعه
ندارد سورة الحدید ۳۲ جلاله سورة المجادله ۴ جلاله سورة الحشر ۳۷
جلاله سورة الممتحنه ۲ جلاله سورة الصف ۶ جلاله سورة الجمعة ۱۱
جلاله سورة المنافقین ۴ سورة التغابن ۲ جلاله سورة الطلاق ۲
جلاله سورة التحریم ۳ جلاله سورة الملک ۳ جلاله سورة القلم
ندارد و الحاقه یک جلاله سورة المعارج یک جلاله سورة نوح ۱۷
جلاله سورة الجن ۱۰ جلاله سورة المزمل ۱۰ جلاله سورة
المدثر ۳ جلاله سورة القیمه ندارد سورة الدهر ۱۰ جلاله سورة
المرسلات ندارد و العصرات سورة و النازعات
یک جلاله سورة عبس ندارد و سورة کورت و سورة انفطرت
و سورة المطففین ندارد سورة انشقت یک جلاله سورة البروج ۳

ShivaDoc.com

جلاله سورة الطارق ندارد سورة الاعلی یک جلاله سورة الغاشیة
یک جلاله سورة الفجر و سورة البلد ندارد سورة والشمس ۲ جلاله
سورة واللیل والضحی والم نشرح ندارد سورة والتین یک جلاله
سورة اقرأ یک جلاله سورة القدر ندارد سورة لم یکن ۳ جلاله
سورة اذا زلزلت تا سوره والعصر ندارد سورة الهمزه یک جلاله
سورة الفیل تا سورة الکافرون ندارد سورة النصر ۲ جلاله
سوره المسد ندارد سورة الاخلاص ۲ جلاله سورة الحمد
یک جلاله و جمیع جلالهای سورها بلا بسم الله است که جلالهای
آن حساب نکرده است والسلام فصل فی خواص الاعداد ثلثی
بکشد قطرش بسه قسم کند و خطها بکشد چنانچه هر سر خط
در نقطه آن مثلث قطع شود و باید که گوشه پایین این مثلث
بر بالا بود و گوشهٔ بر دست راست و گوشهٔ بر دست چپ قسمت
کند چنانکه گفتم و جمله نه خانه باشد پس از ضلع دست راست
خانه میانه عدد الف بنهد و ضلع زیرین خانه میانه بی بنهد
و زیر عدد الف عدد جیم بنهد و در ضلع دست چپ در خانه
میانه عدد دال بنهد و در خانه گوشه دست چپ در پهلوی
عدد بی عددها بنهد و در خانه گوشه مقابل عدد بی عدد واو

بنهد

بنهد عدد زی بنهد چنانکه الف از دست راست خانه بود و دال
از دست چپ و واو بالا بود و بی زیرین بود و در خانه گوشه
دست راست پهلوی بی حی بنویسد یعنی هشت و در خانه
زیر عدد دال عدد طا بنهد چنانکه طا بالا بود و بی از دست راست
و هی از دست چپ و این جیم در جیم مثلث تمام کند بغایت نیکو
چیزی مجربست در باب عداوت و تفریق و تسلیط حق تعالی
و تقدس ما را و جمله مسلمانان را از شر این صورت در حفظ و
امان خود نگاه دارد آمین فصل اگر حروف اسماء ملایکه جمله نورانی
باشد در آخر آن ایل اضافه کنند و اگر ظلمانی باشد یا بعض بعض
بود در آخر آن واو نون اضافه کنند گردن باشد و اگر حرفی
اسماء اعوان همه ظلمانی باشد در آخر آن ایقسم و یش اضافه
کنند و اگر نورانی یا بعض بود در آخر آن یوش اضافه کنند
و در جمله مواضع این دقیقه نگاه دارد و هر ملکی از ملائکه
که اسم ایشان از تکسیر بود و حروف اسم آن نورانی باشد
آن ملک رحمت و لطف بود و اگر حروف اسم آن ظلمانی بود
آن ملک عداوت و قهر بود ۵ در بیان دانستن وضع جفر بدانکه
جفر در لغت پوست بزغاله است و در اصطلاح علماء اهل حق دانستن

استخراج امور و احوال عالم و آدم است از جزویات دهر
بتدریج زمان و طاقت انسان و وضع در لغت نهادن بود و
در اصطلاح علماء اهل جفر عبارتست از ثبت ابجد هوز حطی کلمن
سعفص قرشت ثخذ ضظغ که ۲۸ حرفست که برای هر حرفی ۲۸
صفحه است و هر صفحه ۲۸ سطر است و هر سطری ۲۸ خانه و هر خانه
چهار حرف بر وجهی که چهار ابجد حاصل شود و مجموع صفحات
جفر هفتصد و هشتاد و چهار باشد پس بدانکه اقلیم گویند و
یک حرف از حروف ابجد خواهند که مجموع ۲۸ اقلیم باشد و شهر
گویند و صفحه خواهند از صفحات یک اقلیم و محله گویند و یک
سطر خواهند از سطور یک صفحه و خانه گویند و یک خانه خواهند
از خانهای یک سطر و در خانه اولین جفر چهار الف باشد و در
خانه آخرین چهار غین و در ثبت کردن حروفات احتیاط تمام
باید کردن که غلط ثبت نشود و هر حرفی که نقطه داشته باشد بیاید
نهاد و بحضور دل

ااااا	ااب	ااج	ااد	ااه	ااو	ااز
ااح	ااط	ااي	ااک	اال	اام	اان
ااس	ااع	ااف	ااص	ااق	ااو	ااش
ااات	ااث	ااخ	ااذ	ااض	ااظ	ااغ

و توجه تام در این امر
شروع کند در خلوت
تا تفرقه خاطر نشود
و قاعده جفر جامع اینست

واگر اسمی از اسماء الله تعالی در جفر جامع بنویسد هرگاه که اسم
سه حرفی بود از اسم یک حرف اول را در اول چهار حرف ابجد
نام اول بنویسد بترتیب و اگر اسم چهار حرفیست دو حرف در
اول خانه بنشته تمام کند و اگر حرف اسم پنج و شش باشد
سه حرف در اول خانه بنویسد و هر اسمی که مراد باشد مثل
اسم شخص طالب علی سه حرفیست محمد چهار حرفیست محمود پنج
حرفی مثال از هر سه نموده شود اسم علی ع اا اب ع اج ع
اد اسم محمد م ح اا م ح اب م ح اج م ح اد اسم محمود م ح
م اا م ح م اب م ح م اج م ح م اد و اگر خواهی آیه از آیهاء
قرآن در جفر جامع بنویسی می باید که آیه که عدد ۲۸ حرفی باشد
که هر حرف را از اول خانه تا آخر سطر ۲۸ خانه در اول هر خانه
اضافه کرده تمام بکند مثال آیه کریمه فانه خیر حافظا و هو ارحم
الراحمین ۲۸ حرفیست باین وجه بنویسد ف اا اب ا
ح ن ا د ه ا ه خ ا و ی ا ن ر ا ل ح ح ا ظ ا ا ی ف ا ا
ک ظ ا ا ل ا ا م و ا ا ن ه ا ا س ر ا ع ا ا و ی ر ا ل ص ح ا ا
ق م ا ر ا ا ش ر ا ا ت ر ا ا ث ا ا ل خ ح ا ا ذ م ا ا ض ی
ا ا ظ ن ا ا غ اینست سطر اول ۲۸ خانه جفر جامع شریف بعد

ShivaDoc.com

از این خانه دوم که خواهد بنویسد حرف دوم آیه کریمه که حرف الف
است در اول خانه دوم اضافه کرده بنویسد باین طریق که بطول
و عرض آیه کریمه نوشته باشد بترتیب و قس علی هذا هر نوادی
و هر مطلبی و هر مقصدی که خواهی مناسب مطلب هر آیه که هر حرف
باشد با هر اسمی مناسب که مضمون مطلب باشد بوجه مشروع بنویسد
فلیتامل تمام و توجه کلی بکند تا غلط نباشد چرا که اگر یک حرف
غلط افتد یا مکرر یا منقص باشد عبث زحمت کشیده باشد
بمنه الله تعالی و ایاکم من نومة الغافلین والله اعلم در بیان
دانستن احوال و بیرون آوردن مقصود کلی و جزوی
از وضع جفر جامع بر نهج طریق مرتضوی علیه السلام مقدمه
آنچه در استخراج احوال مهم است قاعده اینست که چون وضع
یک صفحه یا دو صفحه خواهند که احوال مجهول را معلوم کنند
حروفات ملفوظی و مکتوبی و مسروری از آن صفحات بر
وجه بیرون آورند و جدا جدا وضع کنند بدانکه ملفوظی را
سه حرفی خوانند و آن ۲۲ حرفست اینست الف جیم دال ذال
سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام و مکتوبی را
نیز سه حرفی گویند و آن سه حرفست واو و آخر اینان

همان

همان حرفست مثل میم نون واو و مسروری را دو حرفی گویند
و آن ۲۲ حرفند و اینها اینست با تا ثا حا خا دال ذال را طا ظا فا ها یا بدانکه
حرف اول را در اصطلاح علمای جفر زبر گویند و باقی را بینات
در حرف ملفوظی دو حرف بیناتست و در مکتوبی نیز دو حرف
بیناتست ولی حرف آخرش مانند حرف زبر است و در مسروری
یک حرف بیناتست و بینات مسروری را اعتبار نیست قاعده
بدانکه چون حروفات را استخراج کردند و هر قسم را جدا جدا
وضع کردند چون خواهند که ترتیب کنند از حروفات
هر سه قسم چهار چهار کنند و حرف چهارم را بگیرند تا
هر سه قسم تمام شود و اگر یک قسم ماند اعتبار نکند که او را
اعتبار نیست اول از قسم ملفوظی بگیرند و دوم از قسم مکتوبی
بگیرند و سیم از قسم مسروری بگیرند و ترکیب کنند و جایی
ثبت کنند و اعراب کنند و بخوانند و اعراب چنان سازند که
بدانیم ذکر کرده شود و مجهول جزو معلوم کنند و این قاعده
مکتوبی خوانند و اعراب حروفات را باین وجه بطریقه مرتضوی
علیه السلام بکند بدانکه حروف تهجی هفت حرف مفتوحه
است و آن اینست ا ی ل م ن ع و هفت حرف مکسور

و آن اینست ه ر ش ذ ص ظ و هفت حرف مضموم است ح
ز ک س ف ت خ و هفت حرف مجزوم است ث د خ ه
غ ض ق بدانکه از ابتدای صفحه تا موضع اسم احوال ماضی
باشد و موضع اسم حال و تا آخر صفحه مستقبل خوانند میباید که
نیکو بحروف ترکیبات نظر کند بجمعیت و حضور باطن تا غیبا
آن عالم غیب چهره کشایند و چه فرمایند و چه پرده کشایند
هر چیزی که گویند بهوش عقل و ادراک دریابند و فیض
دریابند و در خلا و ملا پاک و صاف باشند و بسط خیر
و شر آنچه از عالم غیب روی نماید پوشیده و پنهان ندارند
و صادق باشند والله اعلم بسم الله الرحمن الرحیم بدانکه
استادان چنین مقرر فرموده اند که روز شمس را در روز
یکشنبه بخوانند و ورد زهره روز جمعه و روز عطارد روز
چهارشنبه و ورد قمر روز دوشنبه بخوانند تا مدعا حاصل
شود باذن الله تعالی یا نور جهت تسخیر زهره اول ماه
شعبان ابتدا کنند تا اول ماه رمضان هر روز پنج هزار
بار بخواند و شرایط نگاه دارد که در آخر دعوت شخصی
خوب روی پیش وی حاضر شود و سلام کند و سلام

بکنار

بکنار نهد و بنوازد و بپرسد که مرا در تو چیست گوید که مراد من
شما است که در هر کار مدد من کنی و نظر سعادت سوی من
اندازی او قبول کند و مهری بوی دهد که هر گاه که این اسم
بخوانی من حاضر شوم بعد از آن دایم بعیش باشند و هر
ارباب طرب مطیع و مسخر تو شوند و اسم اعظم یا عالی تسخیر
مشتری مدت ۲۵ روز هر روز شش هزار نوبت بخواند
روز هشتم پیری خندان لطیف صورت با جامهای سبز
یا سبز در آید و سلام کند و حکایتها کند از هر باب و پرسد که
مقصود تو چیست گوید مراد من آنست که تو محب من باشی و
مرا سعادت بخشی و معلومات نمایی تا مدد من دهند جواب
گوید که ترا قبول کردم و بدان عهد کند و از چشم تو غایب
شود و اسم اعظم یا محمود جهت تسخیر زحل است مدت پنج ماه
هر ماه صد هزار نوبت بخواند و شرایط بجای آورد ناگاه زحل
روی نماید و حاضر شود عظیم تند بود و او را چند دست بود
بهر دستی چیزی گرفته باشد باید که احترام کند و ادب نگاه دارد
و قطعا پیش او گستاخی نکند و او تند نشسته باشد ساعتی بعد
از آن در سخن آید و گوید چه غرض و مقصود داری گوید غرض

ShivaDoc.com

من حضور شما است که مرا یاری دهی و کارهای من تمام کنی و مرا
فرصت دهی بدخل او را قبول کند و دست بر کس باو ندهد بستاند
و بدرای ابتدا بحرمت تمام تا او باز گردد و اسم اعظم یا عظیم
تسخیر مریخ است مدت نیم روز هر روز بیم نوبت بخواند
و شرایط غذا و بخور در هم تسخیرها بجا آرد ناگاه غافلی صاحب
پیدا شود در روز چهلم تا پنج ساعت این غافل آید بعده
مردی سرخ رنگ با هیبت تمام و تند خوی در شت هیکل
با دو سبیل عظیم و تیغ هندی در دست گرفته از در در آید
و سلام کند و بنشیند و آن تیغ را بر ران خود نهد و چشم
بر زمین کند و لب را بی جنباند بعد از آن گوید غرض
تو چیست جواب گوید که مقصود من محبت شما است که مسخر من
شوی و موافق من باشی او قبول کند و خاتمی بوی دهد مانند
عقیق پاره و خطی بر آن نوشته و اسم را بدو آموزد یا رحیم
جهت تسخیر هر که خواهد از انس و جن و وحش و طیر چهل
روز هر روز پنج هزار و یا نصد بار بخواند و شرایط بخور
بجای آورد چون تمام شود هیچکس نخواهد که از نظر او دور شود
و همه خلایق مطیع و مسخر او شوند و محبت و مطیع و منقاد او
باشد

باشد یا تمام تسخیر ارواح سلاطین چهل روز هر روز هفت
هزار بار بخواند چون تمام شود ارواح سلاطین باو تعلق گیرد
سلطان بوقت از حال او باخبر گردد و طالب او شود و یکدم از پیش
خودش جدا نکند یا عزیز جهت تسخیر قمر دعوت کند و ورد صغیر
آنست که بیست و پنج روز حیوانی نخورد و هر روز این اسم را
سه هزار بار بخواند و باد بر خود صد بعد از آن این اسم را بر
انگشتری نقره نقش کند هر که دست تنگ و دل تنگ نشود همه
خلق بنور معنی در پیشانی او بینند و صاحب دعوت قبول خلایق
و خلایق گردد و ورد دیگر آنست که چهارده روز دعوت کند و هر
روز و شب ده هزار بار بخواند و اکثر شب زنده دار و روی
بقمر کند و اسم میخواند و هر نوبت در آخر اسم میگوید یا قمر اجب
داعی الله چون دعوت تمام شود شب آخر قمر از آسمان در
نیمه شب فرود آید و نزدیک او را در کنار گیرد و با وی سخن
گوید و پرسد که ترا چه غرض است گوید این قمر تو بفرمان حق
تعالی مددرسانند بحر و بری و در مجموع عالم زیر و زبر
گردانی مدد از تو میخواهم قمر گوید تو بذوق مشغول باش و
بیا ساکه من با توام و پیش توام چون قمر مسخر شود همه

بیماریها و نقرهای عالم در خانه او جمع شود یا مدد جهت تسخیر عطارد
مدت یکماه دعوت کند هر شبانروزی ده هزار نوبت بخواند
ناگاه پیری پیش او حاضر شود کتابی در دست او باشد پیش
او بنشیند و کتاب را مطالعه کند باید که بداند که آن عطارد است
پیر از او پرسد که ترا غرض چیست جواب گوید که در حال من
نظر کن و از من مرحمت دریغ نداری عطارد گوید که قبول
کردم کردم احوال دایم مددکار تو باشم و آنچه تو خواهی چنان
کنم بعد از آن مهری بدو دهد و بر آن خطی سبز نوشته
باشد و آن عهدنامه عطارد است چون عطارد مسخر شود
علوم غریبه بر او کشف شود و از مغیبات و مخفیات خبر دهد
و بمرتبه وزارت برسد یا سبحان جهت تسخیر حکام و سلاطین
۳۹ روز مداومت نماید هر روز پنجهزار نوبت بخواند بعد
از آن خاتمی بسازد از نقره و اسم را بر آن نقش کند و در انگشت
کند هر گاه که بر ابر حکام رود بر آن خاتم نظر کند جمله مطیع و مسخر
شوند یا زاکی جهت تسخیر آفتاب مدت پنجاه روز متواتر
علی الدوام بر خواندن این اسم مشغول باشد و اکثر اوقات
برابر آفتاب خواند و در آخر بگوید یا شمس اجب داعی الله

و این سخن را بلند گوید اما اسم را نرم گوید ناگاه بیند که آفتاب
از آسمان فرود می آید و نزدیک وی میشود بر مثال گاوی
یا شیری باشد و از سر بام بغرفه آن موضع فرود آید و گوید
غرض تو چیست باید که خندان روی و سبک روح خواه
او بدهی و مراد خویش بطالبی او قبول کند و هر طلاهای زردی
زمین را بر او عرض کند باید که بر خیزد و هر دو دست بر سینه
نهد و تواضع کند و رخصت بدهد یا منان تسخیر رجال
الله نود روز هر روز هفت هزار بار بخواند بعد از تمام
شدن دعوت شخصی پیش او حاضر شود از رجال الغیب
و او را علم کیمیا تعلیم کند که بفرمان حق تعالی جل جلاله
و عم نواله سنگ را زر کند یا دیان تسخیر تجار و مسافران
بر و بحر مدت هفتاد روز هر روز پنج هزار بار در
صباح بخواند ناگاه طایفه مسافران بدر خانه آیند و نزدی
چند بیاورند و بگویند فلان کس را میخواهیم که امانتی
از و داریم چون او را بر بینند عذر بسیار خواهند او هیچ
نگوید ایشان در صحبت او با کسی گویند که این بزرگ ما را
از عقاب خلاص کرد از برکت او نجات یافتیم خواص در اسم

ShivaDoc.com

که شیخ بهاء الدین خاکی رحمه الله از جفر کبیر بیرون آورده اند جهت
هر مهمی و حاجتی در هر عملی که این اسما را بنویسند آن کار باتمام
رسد یعنی روحانیات اسما امداد کنند و آن مهم را باتمام رسانند
اسما اینست ظفر غنی ثوابت تعز مذل طش حض
صدق لاشک خمیج من وضع فی شرف الشمس امن من البلیات
والافات والعاهات والوسواس والخوف خاصیت سوره والنجم
هر که هر صباح سوره والنجم قامن آیات ربه الکبری بخواند ذهن را
قوی کند و دل را نیز بر آن گواه
و نسیان ببرد و حفظ قرآن و

ف	ی	ظ	ح
ظ	ح	ف	ی
ح	ظ	ی	ف
ی	ف	ح	ظ

علم و حکمت حاصل شود و هراس ببرد و اگر بنویسید بمشک
و زعفران و گلاب در ظرف آبگینه و بنبات بشوید و بخورد
هفت روز تواتر بعد از آن بامداد بمراد برسد و فایده بسیار
بیند هر که هر شب این سوره را بخواند تواتر کرده امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب ع بیفرماید که اگر خواهد که کسی را از عشق خود
بیفراز گرداند این چهار رد چهار را بمشک و زعفران بنام خود و مادر
خود و بنام آنکس و مادر آنکس بر ورق آهن بنویسد و در خانه

معلق

معلق بیاویزد یا با خود دارد و الرویغ لا کرد دانست شرح سوره
الحشر دعوت این سوره شریف
بر دو نوع است یکنوع که در این
نظم مذکور است آنست که روز
جمعه ابتدا بدعوت کند تا
چهل و یک روز هر روز

سلام	قولا	مزید	رحیم
رحیم	مزید	قولا	سلام
قولا	سلام	رحیم	مزید
مزید	رحیم	سلام	قولا

چهل و یکبار بخواند و اصل آنست که با کسی سخن نگوید در سحرگاه
خواند مطلقا در این چهل و یک روز ترک دعوت نکند که اگر ترک
کند باز از سر باید شروع کرد در محل شروع از ابتداء خواندن
چهل و یکبار بر پیغمبر صلوات فرستد که البته مدعی کیر شود که
اگر بعد از اتمام دعوت بر کوه خواند از جا برخیزد باید که در شش
جا بایستد و بگوید یا حی یا قیوم و در روزی که دعوت تمام
کند چیزی از شیرینی در دو نان آخر کو سفندی بکشد و
طعامی بپزد و چهل و یک نان با مقداری حلوا ترتیب کند
و بجماعت اهل طاعت دستی برساند که البته آثار عجیب ظاهر گردد
موضع اول که بایستد آنجا است که و لو لا کتب الله و موضع دویم
ما افاء الله و موضع سیم للفقراء المهاجرین موضع چهارم والذین

تبوء الدار موضع پنجم لاتم اشد رهبة موضع ششم لا یستوی
اصحاب الجنة تمت تعلق بیست و هشت منازل قمر بحروف
۲۸ کانه منازل آتش شرطین بطین جبهه زبره صرفه
نعایم بلده منازل بادی هقعه هنعه زراع غفره زبانا
اکلیل اخبیه منازل آبی نثره طرفه قلب شوله مقدم
موخر رشا منازل خاکی سماک غوا دبران قرنا ذابح
سعود بلع چون حروف آتشی هفت بود و بروج آتشی
سه هر یک از بروج دو حرف و ثلث حرفی آفتاد منازل حمل را
اهط و اسد را طف و قوس را فشد و جوزا بوی میزان
بنص دلو سرطان عقرب حوت ثور سنله جدی
حض جنل کسق فنظ دحل لم رخغ
دیگر حروف صوامت ابجدی و آن از یکی تا سیزده باشد
و مجموع عدد او نود و یکی میشود و این عدد را در اسماء
صامته یعنی غیر مفرد عمل قراءت نمایند زبان حاسدان
و غمازان در حق او بسته گردد و صورت اینست ا د ه و
ح ط ک ل م ن س ع ص ر عدد حروف ناطقه و آن
عبارت از حروف منقوطه است و این حروف بجهت نطق
صامت بکار آید اگر خواهی که کودک غیر محل کو باشد یا لکنت

از زبان آخر بر و جدین حروف توان ساختن و حروف
ناطقه اینست ب ج ذ ی ن ف ق ش ت ث
خ ذ ض ظ غ دیگر در اسمای اسرار ملک جبار در مخزن
محی الدین سعید جعفری ترجمه این کلمات برین وجه دیدم ابتنج
بار حلای دانا خذ ذر زن انار فرزند ستش نزاد و نمرد
ضطفع پاینده و باقی غفق بر همه غالب کلمن حی توانا و
هلای خالق اشیا حسن بصری نقل از حضرت امیر کل امیر کرد
که آنحضرت خواص اسما و آیات را بمن بدین عدد تعلق نمود
چون سالکان بدین عدد تلاوت و قراءت نمایند حصول
مقاصد و وصول مطالب رسند چون اسمی از اسما بدین
عدد و آیاتی از آیات تلاوت نمایند اول نظر نمایند که در کدام
جزو و صفحه و خانه است آن جزو و صفحه و سطر و خانه شمع
خود سازند بی شک مراد برآید و حروف او بعدد اجزای
جزو و او اینست الف بی جیم دال هی واو زی
حی طی یا کاف لام میم نون سین عین فی
صاد قاف را شین تا خا ذال ضاد ظا
عین دیگر اعداد فواضل الدور شریف الدین مغربی

ShivaDoc.com

در غره آورده که قوت حرفی از دوازده بیش نباشد بحسب
بروج حروف قوت یافته و بعضی از حکما بران رفته اند که حروف
از حرکت سیارات در بروج تولد کنند آنچه باقی ماند قوت
آن حروف باشد شمس المعانی قاموس جرجانی در معالم
الاسماء که یکی از تصانیف آن حضرت نقل کرده که از خزانه
کسری در اعداد اسما بوضع ابوزجهر حکیم دیدم اسمی اند
اسما بدان عدد قراءت نکردند که مقصود فی الفور بحصول
آمدی و آن عدد فواضل الدور بودی و عدد او اینست ا ب
ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف
ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ دیگر عن الله
عباس از حضرت امیر المؤمنین ع سؤال کرد که قواعد عدد اسما
که قراءت نمایند و مقصود باشد بحد احاطت آن کدام عدد است
گفت ای ابن عم آن عدد یکی از مخزونات علم الهی است و کسی را
بران اطلاع نیست آنچه از خاتم الانبیاء بمن رسیده است بتو
بنمایم هر اسمی که خواهی تلاوت کنی نخست در حروف مرکبه
اندیشه کن تا چه حرف است و آن حرف را ببین از یکی تا شانزده
عدد و ترتیب ما فوق را بر تحت افزاید ببین تا بچه عدد رسد

قرا

قرا

قرابت کن و از نامحرمان بپوشید که اسرار الهی است و آن
عدد اینست ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س
ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و
ه لا ی مجد الدین حسین افطغی آورده که نظیره ابجد
در جفر کبیر و صغیر جاریست و هر حروف که مذکور شد جفری از
وی بدل میشود بعون الملک الوهاب و روش اینست
ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع
غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی و چون اسم حروف
در مداخل آید نظیره خود را طلبد و چون نظیره او را یکی
اسمی طلبد که بعدد حروف نظیر او باشد و چون اسم را در عدد
بخوانی مراد یابی ذخیره آنچه امام جعفر صادق ع در
جفر خاصه آورده است تکسیر حروف مبسوطه بکلام
غافیطوس ث یا از یار رشف یا طاهیثا یا غافث یا افیطوث
یا اصتقابیا فتن و اگر اسم کسم کوکن کشم داک و این علامات
از دمذکور است در منصوب این هفت حروف موخر را
اسم اعظم ساخته و در مغلوب هفت حرف مقدم را اگر
هفت باشد و الا هر چه بیاید اگر چه یک حرف بود ابو ع

۱۱۱۱ ۸ ۸ ۱۱۱۱ ط ۹ ۷ ۱۱ ۹۹ ۶ ۲۲ ۶

اسم اعظم شمس

روایت میکند از صوفی شنیدم که خدا را بهایی اند گفتم یا هو
بگو که قمر مذکر است گفت آنکه خود را از برای مذکر وضع کرد واو
بالف کرده اینجا مراد ذاتست بقدرت تام همچنانچه از آلت انثی
منزه است از آلت ذکر نیز مبرا است و ها اسم اعظم من افتاده
هرگز بهو بدل نکنم در انکار پیر چون عارف خواهد که بداند
که اسماء الله الاعظم چه اسم باو تعلق دارد اسم خود را بدل
نموده و بطن قرار داده و تنظیر گرفته بشرایط عمل نموده اسم
اعظم که در بسیط حروف واقع شود باو تعلق دارد و چون
مداومت نماید و تسخیر اسم باو تمام شود کار او
بمنزل نیکو رسد و هر چه اراده نماید مامور او گردد ذخیره
سید ابو البرکات در صحایف الدعوات ترجمه اهطیفشش را
چنین آورده اهطیفشش نور فوق نور و اوج فوق اوج القصو
بو بیتنفس روح و راح و ریحان فوق جنان جز کسقنط
جنات عدن تجری من تحتها الانهار دحلمر خخ و شجره
تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن و صبغ للاکلین ذخیره
امام محمد حنفیه در مداخل التهام آورده که اصل در استخراج
اصول ثلثه است یعنی کنیت و لقب و اسم و شیخ السالکین شیخ

علی بن

علی بن سعد الدین در نجاح الالواح آورده که اصل در استخراج
اسما اصول خمسه است طالع و صاحب طالع و کنیت و لقب و
اسم و بعضی دیگر حروف و بسعت داخل کرده اند اما طالع اگر
مولودی معلوم باشد عمل بدان کنند و اگر معلوم نباشد نظر کنند
که از چه طبقه مردم اند عوام الناس را سرطان طالع نهند و
اهل کتاب را جوزا یا سنبله و اهل عشق و لهو و طرب را
ثور و میزان و اهل اشراف و بزرگان را اسد و اهل سلاح
سلاح و صیادین را حمل یا عقرب و اهل علم را قوس یا حوت
و اهل قلاع و جبال و زراعان جدی یا دلو و اگر این جمله
که ذکر شد معلوم کسی نشود نظر کنند که آنکس بچه چیز شرب
دارد آن کنیت و لقب و اسم بهر چه مشهور باشد نام او را بابجد
صغیر حساب کنند و ۱۲ ۱۲ طرح کنند آنچه بماند ابتدا از بروج
حمل بشمارد و بهر جا که منتهی شود طالع آنکس را بدان برج
قرار دهد چون طالع معلوم شد صاحب طالع نیز معلوم گردد
و شیخ سعد الدین حموی آورده که اصل در استخراج اسما اصول
ثلثه است و طالع و صاحب طالع فرع است اما اگر طالع و صاحبش
معلوم نباشد بثلثه اول اکتفا نموده عمل کنند و اگر کنیت نیز

ShivaDoc.com

معلوم نباشد کنیتی که مناسب طالع باشد بوجهی از وجوه ابوه
یا بنت یا بحسب فعل یا صنعت بجای خود وضع کنند چون
ابو عبد الله یا عبد الله یا ابو الحداد یا ابو الاسکاف و اگر لقب
نیز معلوم نباشد لقب عام بجای او بیاورند یعنی ذکر الدین
مرد را و انثی الدین زن اما کنیت آن بجای اب و ام وضع
کنند هر یک ازین اسما هفت بطن عمل کنند مثلا بحسب بسط
حرفی اسم و بحسب بسط عددی اسم و بسط تکسیر عددی
اسم که هفت بطن باشد عمل کنند و اسماء علیحده استخراج نمایند
اما بجهت سبب مهام ضروریه و تکمل و تعجیل امور عاجله
و آجله است اسمائیست که از بطن اول مستخرج گردد ذخیره
صاحب مصابیح الالواح ابو الحسن الصباح آورده که طالع جناب
بطلیموس آورده از مسقط نطفه انشا نهاده و بمذهب غیر
از محل ولادت و بمذهب عام بغیر ازین دوازده حرف
اسم یا نسب نیست بکوکب چنانچه شرح این داده شد اما
کنیت هر اسمی بود که مصدر باب و ام باشد چون ابو الفضل
و ام ایمن و لقب هر اسمی بود که دلالت بر مدح کند یا ذم چون
شمس الدین و نجم الدین و نجس الدین و خیر الدین و هر چه

دلالت

دلالت بر مدح و ذم نکند مصدر بام و اب نباشد آنرا اسم گویند
چون اسحق و اسمعیل و فرقه دیگر از ذخیره ابو الفرج بن کاشف
الفرج بشانزده بطن عدد نهاده اند مثلا بطن اول اسما خواسته
که از عدد جمل کبیر اصول ثلثه بدر آید بطن دویم اسما خواسته
که از عدد کبیر حروف اصول ثلثه تا حاصل آید بطن سیم اسما
خواسته که از عدد حروف و عدد بینات حروف اصول
ثلثه بدر آید بطن چهارم اسما خواسته که از عدد تکسیر حروف
و تکسیر بینات حروف ثلثه بدر آید بطن پنجم اسما خواسته
که از بسط حروف عددی اسماء اصول بدر آید بطن ششم
اسما خواسته که از تکسیر حروف و بسط عددی اصول ثلثه بدر
آید بطن هفتم اسما خواسته که از بسط حروف عددی
بینات اصول ثلثه بدر آید بطن هشتم اسما خواسته که از بسط
تکسیر حروف عددی و تکسیر بیناتش بدر آید بطن نهم
همان بطن اول بود با عدد حروف و اصول نقاطش بطن
دهم بطن دویم بود با عدد حروف و نقاطش بطن یازدهم
همان بطن سیم بود با عدد حروف و نقاطش بطن دوازدهم
همان بطن چهارم بود با عدد حروف و نقاطش بطن سیزدهم

همان بطن پنجم بود با عدد حروف و نقاطش بطن چهاردهم همان
بطن ششم بود با عدد حروف و نقاطش بطن پانزدهم همان بطن
هفتم بود با عدد حروف و نقاطش بطن شانزدهم همان بطن
هشتم بود با عدد حروف و نقاطش هر که این بطون را باتمام
استخراج نماید و دعوت آن بپایان رساند یکی از اولیا گردد که
هیچ چیز بدو پوشیده نماند و اگر این اسما شانزده بطن بشرف
قرائت باتمام رساند حیوة ابدی یابد و هرگز نمیرد یعنی با روحانیان
برابر شود و ما بجهت ارشاد مبتدی اسما بغیر از کنیت و لقب
خود استخراج کنیم و بالله التوفیق بسم الله الرحمن الرحیم
ابو محمد کمال الدین حسین کنیت بمدخل کبیر و بسط
مجموعی ۲۹ بمدخل وسیط کبیری ۱۲۸ بمدخل صغیر ۲ حرفش
ا ق ط ک ا ی ب لقب بمدخل کبیر ۱۰۱ و بمدخل وسیط مجموعی
۴۲ و بمدخل وسیط کبیری ۲۴ و بمدخل صغیر ۶ حرفش
و ف ق ب م د ک و نام بمدخل کبیری ۳۸ و بمدخل
وسیط مجموعی ۲۰ و بمدخل وسیط کبیری ۲۰ و بمدخل صغیر
۲ حرفش ح ک ق ک ب ا ی فاتحه بمدخل کبیر ابو محمد
کمال الدین و بمدخل وسیط مجموعی ۳۵ ۲۸۷ و بمدخل اوسیط
کبیر

کبیر یعنی بحساب ابجد صغیر مجموع حروف فاتحه را عدد
بر سر هم گرفتیم این بود آلا و بمدخل صغیر ۸ حرفش ز ف ر ج
ن و ک ح وسیط بمداخل کبیری ۲۲۹ و بمدخل وسیط ابو محمد
حسین مجموعی بابجد صغیر ۴۹ و بمدخل وسیط کبیری ۱۰۱ و ۱۲۸
بمدخل صغیر ۴ حرفش ط ک ر ط ب ک د خاتمه بمدخل کبیر
۵۴۳ و بمدخل وسیط مجموعی ۴۴ و بمدخل وسیط کبیری
۲ و بمدخل صغیر ۸ حرفش ج م ث ص و ک ح نتیجه اول
بمدخل کبیر ۵۱۱ و بمدخل وسیط مجموعی ۱۵۲ و بمدخل وسیط
کبیری ۴۸ و بمدخل صغیر ۳ حرفش و ی ث ب ف ح م ج
نتیجه ثانیه بمدخل کبیر ۱۱۰ و بمدخل وسیط مجموعی ۹۲ و بمدخل
وسیط کبیری ۵۳ و بمدخل صغیر ۱۰ حرفش ا خ ز ص ب ف
ن نتیجه ثالثه بمدخل کبیر ۱۴۳ و بمدخل وسیط مجموعی ۹۳ و بمدخل
وسیط کبیری ۴۸ و بمدخل صغیر ۳ حرفش ج م ظ ج ص ح م
ح مجموع اصول بمدخل کبیر ۴۱۵ و بمدخل وسیط مجموعی ۷۳
و بمدخل صغیر ۲ حرفش ه ی ت ج غ ر ل این استخراج
اسما کنیم از حروف مداخل سبعه مذکوره و وسیط مجموعی عمل
ازین عمل است که حروف را بابجد صغیر عدد گیرند و ساقط

ShivaDoc.com

روند و تتمه نویسند مثل محمد که ۲۹ نوشتیم ایم لب و ع ح مرد
ذخیره سید الواعظین میر سید حسینی استخراج اسما بطریق
موازنه از حروف مستخلصه مداخل نهاده و آن چنانست که حروف
مداخل را هر دوری از وی علامت جزو و صفحه گردانیده و حروف
سطر و خانه علامت حروف مستخلصه نهاده و از حروف
اسما استخراج کرده بطریقی که حروف مستخلصه را نظیر گرفته
و حروف نظیره را یکبار تکسیر منصوب کرده و موافق آن
اسم استخراج کرده و ما نیز بنای استخراج بطریق ادبی
نهیم استخراج اسما از مداخل حروف کیت اق ط ک ای ب
ج م ق ز اح دو حرف را در جزو و صفحه طلب کردیم و حروف
سطر و خانه را جمع کردیم این حروف شد اق رض ط ک
س خ ای غ خ ب ج س ظ م ق ظ ن ذ ی س ق حروف
مستخلصه این خانها جمع کردیم این بود رض س خ غ خ س
ظ ظ ف س ق این حروف را نظیره گرفتیم این شد ول ای
ن ی ام م ح اه و این حروف را یکبار تکسیر منصوب کنیم هو
الحامی و مثال بیرون آید هر یکی موافق بعدد ابو محمد پس مداخل
لقب را که کمال الدین است حروف مداخلش جمع کردیم و ف ق

وک

غیر ثابت

وک ه ی و ال با حروف این مداخل حروف وسیط مجموعی داخل
کردیم باعتبار حروف صفحه و حروف سطر و خانه که مستخلصه او
بود جمع کردیم این شد و ف ض ض ق د س س ک ه ض ف
ی و ض خ ال ظ ض حروف مستخلصه را در یک سطر جمع کردیم
این بود ض ض س س ض ف ض ذ ظ س این حروف را
نظیره گرفتیم این شد د ل ا اح ل ک م ا و این حروف را یکبار
تکسیر منصوب کنی الملک الاجل بیرون آید موافق کمال الدین
حسین مداخل اسم ح ک ق ک ای ب حروف متوالد از بن
دی ن ی اه اح ک ض س ق ک ح را ای ض ز ب د خ ض
ی ن ظ س ی ا ق ج ه ا د س حروف خانه و سطر او را جمع
آوردیم این بود ض س خ ض رخ ض ظ س ق ج ز ا و این
حروف را نظیره گرفتیم این شد ا ای و ل و ی د م ه ف و ا
و این را یکبار دیگر تکسیر منصوب کردیم الوافی هو المولی
بیرون آید موافق اسم یکی الوافی یکی هو المولی حروف فاتحه را
جمع کردیم ز ف ر ج ن و ک ح مداخل کبیر این جمع کردیم این
شد ن و ک ج د ع ش پس این حروف را بر بیوت جفر
بحروف جزو و صفحه طلب حروف سطر و خانه کردیم این بود ز ف

لا یحسب

ق ظ ر خ ف ن و ر ع ک ج س ب د غ ع خ س م حروف
مستخلصه این را جمع کردیم این بود ق ظ خ و ر ج س ب غ
خ ع این حروف را نظیره گرفتیم این بود ه م ی ر و ف ا ع
ن این حروف را یکبار تکسیر منصوب کنی بهی منیع بیرون
آید موافق فاتحه و ف و ف نیز بیرون آید پس حروف مداخل
و اسطر را جمع کردیم این بود ط ک ر ط م ب ک د و با این حروف
مداخل کبیر و وسیط جمع کردیم این شد ط ک ر ط م ب ک د د
ش ل پس این حروف را در بیوت جفر بحروف جزو و صفحه
و سطر و خانه جمع کردیم این شد ط ک ح غ م ب س ه ک
د و ز د ش خ ط حروف مستخلصه این بیوت جمع کردیم این شد
ح غ ط غ س ه و ز خ س خ ظ این حروف را نظیره گرفتیم این بود
ت ن ن م ا ق ر ش ی ای م این حروف را یکبار تکسیر کردیم
این اسما بظهور رسید متین و امین و شارق پس حروف
مداخله خانه را جمع کنیم و آن اینست ج م ث د م و ک ح پس
این حروف مداخل را بحروف جزو و صفحه و سطر و خانه جمع
کنیم این نوع شود ج م ا ت ث د م ا م و ص ط ک ح
غ ط پس مستخلصه این بیوت را جمع کنیم این نوع شود ات

ه اص ط غ ط و چون این حروف را نظیره گرفتیم س ح ق
س د م ب م شود یکبار تکسیر کنیم اسماء الهی بحصول رسد بدین وجه
منیع و مقدس مطابق خاتمه پس حروف نتیجه اولی را جمع کنیم
بدین وجه و ی ث ب ق ح م ج پس این حروف باعتبار
جزو و صفحه حروف و سطر و خانه حروف جمع کنیم این باشد
و ی خ ظ ث ب ج ب ق ح خ و م ج د ه پس حروف
مستخلصه این بیوت را در تکسیر جمع کنیم و تکسیر منصوب کنیم
این اسمین بظهور رسد خ ظ ب ج ت خ و د ه ی د ف
ع د ی و ق قیوم رفیع پس نتیجه اولی را جمع کنیم بدین وجه
د ی ث ب ق ح م ج و این حروف را باعتبار جزو و صفحه
و سطر و خانه حروف طلب کردیم در بیوت و ی ث ب
ق ح م ج خ ظ ج ب خ و ر ه پس حروف مستخلصه این
بیوت را جمع کردیم این شد خ ظ ج ب خ و ر ه پس این حروف را
نظیره گرفتیم این شد ی م ف ع ی ر و ق پس یکبار تکسیر
کردیم قیوم و رفیع بیرون آمد موافق نتیجه اولی پس حروف
مداخل نتیجه ثانیه را جمع کردیم این بود ا خ ر ب ن ز ا
این حروف مداخل کبیر و وسیط مجموعش جمع کردیم این شد

ShivaDoc.com

اخ ز ض ب ن ن ذ ل ان ذ ب ض بدستور سابق این حروف را
بجزو و صفحه و سطر و خانه جمع کنیم این چنین باشد اح س
و ز ض اع ن ن س ه ذ و ز ل اخ ت ن ذ ذ ز ب ض
حروف مستخلصه جمع کنیم این حروف باشد س و اع س ه
و ز خ ت ذ ز ب ض حروف نظیره را طلب داریم این حروف
آید ا ر س ب ا ف و ش ی ح ک س این حروف یکبار تکسیر
کنیم شاکر و حسیب بیرون آید موافق نتیجه ثانیه و شارق
نیز موافق همین عدد پس حروف مداخل نتیجه ثالثه را جمع
کنیم ب ن ن و ج ر ج ث ج م ص خ م ح و این حروف را باعتبار
جزو و صفحه و سطر و خانه او را طلب داریم این باشد ج
م ح ه خ ج س ص ص ح ظ ث م ج خ ذ حروف
مستخلصه او را جمع کنیم این نوع باشد ج ه س ص ض ظ ث خ
ذ این حروف را نظیره طلب داریم این حروف آید و ش ا م
ح ی ش این حروف را یکبار تکسیر کنیم شفیق و حامی بیرون
آید موافق نتیجه ثالثه ذخیره و زبدة الانبیا مسیح الدین یوسف
معلی در عروه الوثقی آورده که اسما و اسامیه اسمائیست
که بحسب عدد حروف و ترکیب کلمات مطابق یکدیگر باشند

چون

چون دیان یوم الدین که اسماء اساسیه او خلاق جواهر است
و اسماء عزایم اسمائیست که ماده حرفش بترتیب طبایع باشد
یعنی حرفی از آتش و حرفی از باد و حرفی از خاک در وی
باشد چون مؤثر و مفکر و موضع و مبرع و اسماء قوی عناصر
که ماده حرفش از آتش و باد و آب و خاک باشد لیکن ترکیبش
رجحی باشد که ضرورت یکدیگر را نفرو نشاند چون مزید و
مجید و مزیل و مقبل و اسماء متقابله چون رافع السموات
و حافظ الارضین یعنی هر اسمی متقابل یکدیگر آیند از روی
فوق و تحت و شرق و غرب و جنوب و شمال و غیر اینها هر چه
مقابل هم باشند چون سلطان بدار دنیا و مالک الدار العقبی
و شیخ محیی الدین اعرابی فرموده که هر اسمی از این اسما جهت
امری مقرر داشته اند که چون داعی بدان عدد برای
آن مراد دعوت نماید فیضی از بحار فیاض جود بر وی
فایض گردد و در مهمی که شروع نماید علی احسن الحال
و ایمن الفال مهیا و میسر و محصل ساخته و پرداخته آید
بمنه و جوده والله اعلم بالصواب

شانزده لوح از قول شیخ بهاء الدین محمد علیه الرحمة

واما حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نود و نه
نام را بطریق دیگر وضع فرموده اند و اضلاع و اقطار بر یعانش و نقش
هر ضلعی ۹۴۳۲ و مجموع اضلاع ۳۷۷۲۸ جهت دفع دشمن
و افات بر صفحه نقره نگشد و بر بازو بندند و در طلب حاجات
در دست گرفته نزد هر کس که روند و جهت طوفان و بیماری
بر صفحه مس نقش کنند خاصه بوقت شرف آفتاب باقی باقی
در خانه مسعود هم اعراض برآید و در دفع دزد این شکل بد
خانه نهند که نیکو بود و خواندن آن نیکوتر بود و مربع اینست

هو الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر	العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور الحامد	المصور القهار الوهاب الرزاق	القاهر العلیم القابض الباسط الخافض الرافع
الخافض الحسیب المجیب الواسع الحکیم المقسط الصمد	المذل الاخر المعید المبدئ	المحیی المعید الواحد الاول المبدئ المعید الباعث	المظهر المقدم الحق القوی المبدئ المحیی المعید الواحد الاحد
المغنی القادر الوکیل القیوم المعز الرافع	الشکور الکریم الودود الباعث	الحفیظ المقتدر الرزاق الباقی اللطیف	الخبیر الوارث البر المقدم الباطن المحصی
المغنی الرشید الصبور	الضار النافع الحکم الحکیم العدل	المیت الظاهر الجامع التواب	الکبیر المتعال المالک الملک ذو الجلال والاکرام

سبحان الله الرحمن الرحیم حمد و ثنای جناب متعالی حضرت احدیت
حق و مالک الملوک مطلق تعالی ثناؤه و عظم کبریاؤه و تقدس
اسماؤه و صلوة زاکیات و تحف تحیات طاهرات نثار مرقد
طیب و مضجع مقدس هادی سبل و مقتدای رسل شمس فلک
اصطفی محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و بر آل
و اهل بیت اخیار و اطهار او باد اما بعد این رساله ایست مشتمل
بر حقایق اسرار این کلمات که از ملک مقرب جلیل یعنی جبرئیل
امین علیه السلام صادر شده نادعلیا مظهر العجایب تجده
عونا لک فی النوایب کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی
یا علی یا علی بالتماس یکی از حکما بنی امیه از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام مرقوم رقم تحریر گشته و این رساله عربی
بود در زمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بپارسی
ترجمه کرده اند و من الله التوفیق فصل در بیان بعضی از
خواص این رساله شریفه بدانکه اجتماع از انواع حروف
امتزاج و ائتلاف او ترکیب بعضی از آن با بعضی و تکرار
بعضی بر طریق علم خواص حروف مقتضی خواص بسیار است
چنانچه از حروف خاصه است و آن ۹ است ن ادع دی اتم

ShivaDoc.com

و امام محمد باقر ع فرموده که خاصه چهار است ن ع م ظ و حروف
خاصة الخاصه آ ج ر ا ع ح ی ا ب ت و از امام علی موسی الرضا
علیه السلام نقلست که حروف خاصة الخاصة ۲ است ر ج و خلاصه
خاصة الخاصة ۱۳ حرفست ج د ه ع و ن ا ک ف ی ا و از
امام حسین ع مرویست که حروف خلاصة خاصة الخاصة ۸
حرفست ل ن و ا ی ب ک ل و امام علی النقی ع فرموده که
صفار خلاصة الخاصة ۴ حرفست ع ب و حروف صفار عالیه
ع است ه م ع م و از امام موسی کاظم ع منقولست که
حروف عالیه ۲ ه ع و حروف اعلا که ممتزج الطبایع است ع
س ی ن ج ل ت و از امام زین العابدین ع نقلست که حروف
اعلا که ممتزج الطبایع است ۲ حرفست س ک و مرسله دو حرفست
ب د و امام حسین ع فرموده مرسله حرفست و حروف اسباب
ایجاد که وسایط اند میان حق و خلق ۴ حرفست لا ی ت ک
و جمله ائمه معصومین علیهم السلام متفقند که حروف اسباب ایجاد
که وسایط اند میان حق و خلق همین ۴ حرفست که مذکور
شد و حروف مخفی ۱۵ ا ذ ز ح ج ث ق ض ص و حضرت
امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام فرموده است که حروف مخفی

ده است و آن اشاره بده امام اند از حضرت امام حسین ع تا قایم
آل محمد علیهم السلام و ض اسم قایم است و تاریخ ظهور او ظ است
و ض در هیچ زبانی نیامده است الا در عربی و در کلمات زاکیات
خواص چهار است از ائمه معصومین بروایات ثقات ثابت
گشته و از انجمله ده خاصیت ذکر خواهد شد اول اگر کسی در
میان جمعی دشمن گرفتار باشد چنانچه در کشتن او متفق
باشند پارهٔ خاک بردارد و هفت بار بران خواند و بجانب
و بجانب دشمن اندازد و بیاد بردهد بامر خدای تعالی هیچ ضرری
بوی نرسد و بسلامت خلاص شود ۲ اگر کسی را سحر کرده باشند
این کلمات را هفتاد بار بر آب خواند و بآن غسل کند و از آن آب
بخورد آن سحر باطل شود ۳ اگر کسی را زهر داده باشند یا مار
گزیده باشد این کلمات را بمشک و زعفران بر کاسه چینی نویسند
و بآب بشویند و دوازده بار این کلمات را بران خوانند و
آن آب را بخورد وی دهند بامر الهی زهر کار گر نشود ۴
اگر کسی بیمار باشد و اطبا از علاج او عاجز شوند هفتاد
بار این کلمات را بر آب باران خواند و بوی دهند تا بخورد
البته شفا یابد ۵ اگر مهم دشواری در پیش آید یا بعضی

گرفتار شود هزار بار بخواند بفرج مبدل شود و معاملت او
ساخته شود بخیر ۶ اگر پادشاهی یا سپاهی غضب کرده
باشد و انکس ترسد هفت بار بخواند چون بر ایشان پادشاه
رسد سه نوبت بخواند خشم بلطف مبدل شود ۷ اگر کسی را
برسولی بجایی فرستد سه نوبت در گوش او بخواند مقبول
القول گردد و بهر مهمی که رود ساخته گردد ۸ اگر کسی اول
روز جمعه چهل و هفت بار بخواند با هر کس سخن بگوید محب
شود ۹ اگر کسی بتهمتی گرفتار شود هر صباح چهل بار بخواند
تهمت از وی برخیزد و خلایق نیکی او گویند دیگر این بیت
و هشت حرف را ائمه بچهار قسم کرده اند یک قسم مفتوح منصوب
ا ر ی ل م ن ع و یک قسم مجرور رطب است
ه و ش ث ذ ص ط و یک قسم مرفوع یابس است ج ز
ک س ف ت ح و یک قسم بارد مجزوم است ب د خ
ظ غ ض ق و این چهار قسم حروف را ائمه بر هفت کوکب قسمت
کرده اند اینست زحل مشتری مریخ
ث ه ب و د ک ی ک
شمس زهره عطارد قمر و این چهار قسم
ل س ش ظ م ف ذ غ ن ت ص ض ع ح ط ق
قسم اول در احوال انبیا و اوصیا و حکما که ابتداء آدم علیه السلام

تا آخر

تا آخر دور نوح ع ی ت ن مدت ایشان ب ع ث قسم دویم
در احوال ملوک فرس و شرح احوال ایشان ع ج ت ن مدت
ایشان ز غ ف ن قسم سیم در احوال بنی امیه و بنی عباس
و مدت ایشان د ق ک قسم چهارم در احوال سلاطین و ملوک
بنی عباس ه ع ح ت ن مدت ایشان ح ق ک و بعد از آن ف ق
ی ه بدید آمدن ترک باشد ح ق م ز و در رجب ح ق ک
و بدید آمدن زنگیان و کذابون و مدعیان اهل البیت رسول
صلی الله علیه و آله و خوار گشتن و مقهور شدن آن مدعیان هم
در آن سنه و پیدا شدن قحطی و بیماری و فرو شدن مردم
بسیار در هر اطراف و خشک سالی و ظهور فتنه و آشوب و
قتل و خواری مدعیان اهل البیت از رمضان ح ق ک ح تا ح
ق م ز بدید آمدن شیعه از شیعیان اهل البیت و خوشدلی
گروهان اهل البیت تا ح ق س که بدید آید خوابی از خواب بنی
امیه که یاد کنند آن ایام گذشته و خشک سالی و قحطی و بیماری
و فرو شدن مردم بسیار و جنگ و فتنه و آشوب تا ح ق ذ ه
مژده بان در رمضان ح ق ف ه تا بیرون آمدن قایم
قیامت بعد از دو ابکر آب مدعی باشد و آن بر چهار قسم

ShivaDoc.com

که بهفت قسم دیگر ذکرش است تعلق بمزاج و طبایع جمله موجودات
و مخلوقات دارد از خیر و شر و نفع و ضر و ضعف و عجز و درویشی
و توانگری و پادشاهی و گدائی و فقیری و امیری منسوب بایشانست
حضرت امام جعفر صادق ع گفت که راست آرید این حروف نهای
کواکب سبعه را با حروف مقطعات قرآنی در طالع که آن حرف
شما است چون با خود دارید و حروف مقطعات قرآنی چهارده است
و آن اشاره ایست بچهارده معصوم و مهر خاتم ایشان در طالع
آن بوده است و علم اولین و آخرین درین چهارده حرفست
و این چهارده حرف را ائمه علیهم السلام چهارده اسم اعظم
گفته اند و در آن چهارده هزار خاصیت است که ائمه علیهم السلام
فرموده اند از دور آدم ع واقع شده است تا بدور حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم در اینجا درجست و از حضرت
محمد ص تا قیام آل او ظاهر است که خواهد و آن چهارده اسم اعظم
اینست الم المص المر الر کهیعص طه طس طسم یس ص
حم عسق ق ن حضرت امام جعفر صادق ع فرموده که ی
عدد است تا حسین ع مدت ایشان ح ه نسخ ح و عدد بنی
امیه است ص ه مدت ایشان ا ل ه عدد بنی عباس است

المر الر طه ه مدت ایشان عسق مدت ترکانست و ترکیب این
چهارده اسم اعظم چنین است محمد بن عبدالله ق حم ن طسم
م ن طرح شاهت الوجوه علی بن ابی طالب ع ن طه المص ح
شاهت الوجوه حسن ابن علی شاهت الوجوه حسین بن علی
شاهت الوجوه علی بن الحسین شاهت الوجوه محمد بن علی
شاهت الوجوه جعفر بن محمد کهیعص حم ب شاهت الوجوه
موسی بن جعفر المر ق ص ح شاهت الوجوه علی بن موسی
ن طه المص شاهت الوجوه محمد بن علی ق ص شاهت الوجوه
علی بن محمد الر یس حم طه ب شاهت الوجوه حسن بن علی
ن طه المص ح شاهت الوجوه م ح مهدی بن حسن ق ص طه
شاهت الوجوه فاطمه بنت محمد ص الر یس ن طه ا شاهت
الوجوه خدیجه بنت خویلد شاهت الوجوه المر کهیعص یس
ص حم عسق ق طه طسم طس و عدد این چهارده حرف
مقطعات غ خ ف ب ک د ظ اگر کسی این چهارده اسم اعظم که
این هر عجایبها درست اگر در خواندن و نوشتن ملازمت
نماید چندان اسرار الهی و انوار غیبی در دل او فرود آید که وصف
نتوان کرد و در میان جمله خلایق عزیز و مکرم باشد و مثال دی

عدد ابه و الکنت	عدد ابه محمد بهم کرد آله	عدد ابه عیسی الله
۴۱۳۱	۱۴۹۲	۴۴۳۵

چنانست که محمد و هارون ی ل ع ه ۵ ع است الر ق طه المص
شاهت الوجوه ه ح حروف مخفی است و علامت برج هشتمست
که عقربست و خانه مریخست و گرم و خشکست و منسوب بروز
سه شنبه است و از اقلیم سیم است و تعلق بر زمینهای ویران و دشت
و سنگ زیره دارد و ولایتش بر شهرهای شام و روم و سقلاب
و آنچه میان مغرب و شمالند و بر معدنهای آهن و باد شاه دانه
و شنجرف و بر کوههای آهن و مس و بر حبوب و میوها باد ام
و حبة الخضرا و بر درختان که گرم و تلخ باشد و خارناک بود
هارون و محمد نه حرفست ه ا ر و ن م ح م د حرف عالیه آن اد
خلاصة الخاصه است ر حرف خاصه الخاصه است و حرف مرسله
است ن م م حرف خاصه است ح حرف مخفی است هر مهمی که
بنجار یا بنجاه بار یا پانصد بار یا پنجهزار بار بخواند البته بی شک
آن مهم کفایت شود و انواع مرادات باشد از بن حاصل شود
از بغض و بغض و عقد النوم و عقد اللسان و عقد الرجلان اما
باید که اسم خود را با اسم مطلوب مرکب کرده باشد تا مطلوب
حاصل شود و اگر در ساعتی سعد بنویسد و در انگشتری آهن
نقش کند و در انگشت کند الله تعالی جمله مرادات دینی و دنیاوی

وی

وی بر آورده خیر کرداند و اگر مردی بسته باشد بر پاره نان
نویسد و بدهد بخورد کشاده گردد نقلست که حکیمی در سر باغ
مصر ایستاده بود جوانی را بیاوردند تا بکشند نام آن جوان را با نام
پادشاه ترکیب کرد و آن اسم را بر کاغذ نوشت و بدان جوان
داد در حال پادشاه از سر خون او در گذشت ببرکت این عمل بر کو
والله اعلم بالصواب فصل در دانستن اسم ذات باری تعالی جل
جلاله بسم الله الرحمن الرحیم در خواص اسم ذات و اسم ذات اینست
هُوَ اللهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْعَالِمُ الْقَدِیرُ الْمُرِیدُ السَّمِیعُ
الْبَصِیرُ الْمُتَکَلِّمُ پس هر که بدین اسمای عظام بعدد جمل بخواند صفات
بشریت از و محو گردد و فانی گردد و بصفات حق باقی گردد و دم
عیسوی پیدا کند و بسعادت دو جهانی برسد و رزق و روزی
بروی فراخ گردد و اسرار غیب بر و منکشف شود و سخن حق
بشنود و بگوش دل از ملک تا ملکوت را نهانی بشنود و بینا گردد
و دل او بصفات جمال و جلال منور گردد و بهر زبان که خواهد
با مخلوقات آسمان و زمین سخن گوید و بقولی دیگر هزار و
هفتصد و سی و شش نوبت حوا بیک دفعه و خواه بدو دفعه
در یک شبانروز در اول و در آخر صلوات فرستد بر محمد مصطفی

ShivaDoc.com

ودر آخر همه دعوات چنین باید کرد چه در خواندن و چه در نوشتن
فصل اسمای صفات از قول امام محمد سراج الدین بن یعقوب سکاکی
علیه الرحمه و اسمای صفات اینست العلیم العلام الغیوب القادر
المقتدر الحکیم الخبیر الواحد الاحد الفرد الصمد الوتر الاول
الآخر الظاهر الباطن المالک الملک القدوس السلام الحق
القیوم رب المولی المجید الوتر الرفیع الجلیل الوتر الرفیع
الغنی الملی الواحد الدائم المهیمن المحیط الشهید الرقیب
الحکم العدل الرشید العلی العظیم المتکبر المتعال الجلیل ذو
الجلال والاکرام العزیز الجبار المتکبر القوی ذو القوة
المتین الشدید القاهر القهار الوارث پس این اسمای بعدد
جمل بخواند اثری تمام دارد حق تعالی اخلاق اولیا و صدیقان
و اصفیا خوی وی گرداند و موصوف گرداند بصفت ملیکه و از
علوم ظاهری و باطنی از خزانه غیب بهره مند شود و کشف اسرار
غیب و عجایب ملکوت او را حاصل شود و بر آنچه او خواهد قادر
شود و در حاجتی که دارد روا شود در هر چه او را در خاطر آید و
بداند و بر وی کشف شود و کشف ارواحش میسر گردد البته و در خواب
از اسرار توحید ذات احدیت مطلع شود و بر انوار الهی مقر گردد

و ملوک و سلاطین بحکم او باشند و از و یاری خواهند و هیچ مضرتی
و آفتی بوی نرسد و از آلایش نفس حیوانی بسلامت باشد و با فزونی
و اعزاز باشد و در میان خلق و آثار دولت او بهمه کس برسد
و ثبات دولت و عرش حاصل آید و نعمت دو جهانی او را میسر
شود و جمله تسخیر مخلوقات و آحاد بدانند هیچ چیز طاقت تمرد او
نیارد و بر همه چیز غالب شود و بقولی دیگر در شبانروزی هزار
و دویست و یکبار این اسما بخواند یا هزار و یا نصد و پنجاه و یکبار
یا آنکه هفتصد و هفده یا صد و هشتاد و هفت بار یا دویست و پانزده
بار بخواند فصل اسمای اخلاق از قول امام محمد سراج الدین بن یعقوب
سکاکی علیه الرحمه و اسمای اخلاق اینست الرحمن الرحیم اللطیف
الحکیم الرؤف الواسع الودود الصادق الملی الشاکر الرحیم
العفو الغافر التواب القریب المجیب المنیب النصیر السریع
الولی الحافظ الحفیظ الواحد ذو الجلال والاکرام الوهاب
هر کس که این اسما بعدد جمل بخواند و در وقت سحر یا شام یا در همه
شب الله تعالی پاک گرداند از زنگ غفلت و فراموشی از دل او و برد
در حیم و مهربان شود بر خلایق و خلایق نیز بر او مهربان شوند تا
سباع و بهایم و سر روح بدانند و جمال روح ببیند و چیزهای پوشیده

بداند و از چشم مردم غایب شود و اگر خواهد که در مجلسی نشسته باشد
و کسی یاد دارد بمجلس غایب کند در کنارش گیرد و شکلهای عجیب
و غریب او بمردم نماید که چشم از دیدن او خیره بماند و اگر خواهد که
خانه روا کند در شش نباشد بتواند رفت اگرچه از سنگ باشد و خلق
آسمان و زمین همه در وی متدارک باشد و ظاهر و باطن او سلامت باشد
و در مال و عمر او برکت پیدا شود و جمال الله از وی مشاهده توان
کرد و از و منفک نشود و دعاهای او جمیع مستجاب شود و بقولی
دیگر در شبانروزی این اسما را پنجهزار و دویست و هشتاد و
هفت بار یا آنکه هفتصد و سه بار بخواند والله اعلم فصل در اسمای
افعال از قول امام محمد سراج الدین سکاکی علیه الرحمه و اسمای
افعال اینست الفعال البدیع المبدع الخلاق الباری المصور
القاهر المبدئ المعید القاهر المعطی المانع الضار النافع
الثانی المعافی المعز المذل المؤخر المقدم الهادی المبین
الثانی الوکیل الکافی المقسط المنتقم الفاعل المنعم پس هر که
این اسمای بعدد جمل بخواند حق سبحانه و تعالی دل او را پاک
گرداند و از جمله خیالهای فاسد و او را حالی عظیم بدید آید
اسرار غیب بداند و عالم روحانی بر وی منکشف شود و بحقیقت

هر چیز

هر چیز بداند و بر سر آفرینش مطلع شود و حق سبحانه و تعالی دل او را
منور گرداند بنور خود و او را دانا گرداند از اول ظهور موجودات و آخر
ایشان باخبر باشد و ارواح که در عالم ارواح بکجا بوده و بدین عالم چون
آمده و طلب احوال چون باشد بی این همه علوم منکشف شود
در دنیا محتاج کس نشود و نعمت دو جهانی او را حاصل گردد و همه
بلاها از و باز دارد و بر همه اشیا قادر شود خواه در حق خود و خواه
در حق دیگری و هیچ آفت بدو نرسد و در دولت بر وی گشاده
گردد و پسندیده خلایق خلق گردد و جن و انس او را بشناسند
و بقولی دو هزار و چهارصد و هفتاد بار در هر شبانروزی
این اسما را بخواند فصل بدانکه چهار قسم این اسما را که یاد کردیم جمله
صد و سی و پنج اسم است هر که همه را بنویسد و آنرا با بوی خوش با خود
نگاه دارد با صحت و عزت و اکرام و منزلت باشد و در زمان بی
طهارت و جنابت از خود این دعا دور کند و در زمان خواب
نیز جدا کند از خود که بسیار فایده بیند و اگرچنانچه تواند همه اسما را
بعدد دیگر بخواند که هزار و سی و پنج است و اگر نتواند یا نصد و چهل
و یکوقت بخواند و اگر نتواند سیصد و یکبار بخواند که بدولت عظیم
و سعادت قوی رسد که کسی ندیده باشد و دست تصرف در عالم ملک

اسم اثبت یا مطلع اطلع

ShivaDoc.com

وملکوت دیار دو هم رهاید اند و بعد از آن چون دعوتها کرده
باشد بعدد صغیر همه روز این اسماء را بخواند و بعد از آن بر حاجت
که خواهد ده بار بخواند انکه هفت بار یا سه بار بخواند البته حاجت
او روا شود فصل در بیان قواعد باید که قوت اینکس از حلال باشد
و اندک خورد و ترک حیوانی کند و ترک صحبت زنان بکند و جامه
و سجاده پاک باشد و کم گفتن و کم خوردن و بی تکلف و از سخنان
بی کار و از مزاح دور باشد و دایم با وضو و آداب تقوی و طهارت
باشد و در هفته اگر دو بار غسل اسما کند شاید و در مقام خلوت
با حضور دل و اطمینان خاطر و اندرون پاک و صافی استغفار
کند و دو رکعت نماز بگذارد و یکمرتبه دیگر استغفار کند و بعد از آن
صلوات بر رسول ص فرستد و ابتدا اسما کند در یک شبانروز
بعددی که مقرر است که عدد کبیر خواند بخواند تا مجرب باشد و
مدت وی چهل روز است و در آخر هر بار صلوات بر رسول الله ص
بفرستد و در اول نیز والله اعلم اسماء چهل گانه که شب معراج
هدیه شده بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
والصلوة والسلام علی نبیه محمد و آله اجمعین اما بعد چنین
روایت میکنند راویان معتبر از حضرت مهتر و بهتر موجودات

محمد

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله که فرمودند که معتبرترین هدیه
که در شب معراج از حضرت رب العالمین یافتم این چهل اسم بود
که آسمان و زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم از عظمت و بزرگی
این چهل اسم و معجزات انبیاء ع و کرامات اولیا بر برکات و بزرگی
این چهل اسم اعظمست و اورادواذکار ملائکه مقربین است
و توبه آدم ع بابرکات این چهل اسم است که در قبول آمد و
توبه داود ع بر برکات این چهل اسم بود که قبول آمد و سلطنت
و حکومت سلیمان ع از برکات این چهل اسم بود و خلاصی
ابرهیم ع از آتش نمرود از برکات این چهل اسم بود و هر مرده
که عیسی ع زنده کرد از برکت این چهل اسم بود و معجزات حضرت
رسالت پناه صلعم و کرامات اولیا بر برکات این چهل اسم بود
و از سلطان محمود رحمه الله نقل میکنند که گفت فتح خوارزم و
سومنات از برکات این چهل اسم یافتم پس هر آن بنده مؤمنی که
این چهل اسم با خود دارد در امن و امان حق سبحانه و تعالی
باشد و بهر حاجت و نیت که بخواند بیشک بمقصود برسد
و شرح این چهل اسم بیش از آنست که شرح توان گفت اما
هر آن بنده موحد که با خود دارد و خواند عجایبها و از هاء

آن دیدم مشاهده میکند و دیگر هر پنج اسم از این چهل اسم خاصیتی
دارد که شرح آن داده میشود انشاء الله شرح پنج اسم اول اگر جمع
حسودان بخصم بیرون آیند و قصد این کس کنند سه روز
بروزه باشد و غسل کند و جامه پاک در پوشد و بوی خوش
بکار دارد و در خانه خالی برود و هزار بار این چهل اسم را
پنج اسم اول به نیت دفع خصم بخواند البته خصم سرگشته و پراگنده
گردند و تفرقه در میان ایشان افتد و از مقام خویش برافتند
و خراب و خطاب شوند پنج اسم اول اینست اول بسم الله
الرحمن الرحیم سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء
و وارثه ۲ یا الله الاله الرفیع جلاله یا اله ۳ یا الله
المحمود فی کل فعاله ۴ یا رحمن کل شیء و راحمه یا رحمن ۵
یا حی حین لا حی فی دیمومیة ملکه و بقائه یا حی آیات
موافق هر اسم ۱ سبحانه هو الله الواحد القهار ربنا تقبل
۲ والله محیط بالکافرین والله لا یحب الظالمین ۳ والله
علیم بالظالمین ان الله لا یحب الکافرین ۴ والله لا یهدی
القوم الکافرین ۵ ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به و
اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرنا علی

القوم

القوم الکافرین شرح پنج اسم دوم اگر چنانچه شخصی غمی دارد
و شغلی و عملی میسر نمیگردد و پریشان حالست و خواهد که
قراری و استقامتی در حال وی پیدا گردد چهل روز بعدها
این پنج اسم را بخواند که البته آن شغل وی میسر گردد و اگر
کسی خواهد که از علم دین چیزی دریابد و هیچ تحصیل
نکرده باشد این پنج اسم را ورد خود سازد و بخواند که بر دل و زبان
او چشمه علم گشاده شود از حکمت الهی چنانکه خلایق از او بهره مند
شوند و اگر مزید عمر دوست خواهد هزار بار بخواند که البته
بمراد رسد و اگر از برای دشمن خواند نیست گردد پنج اسم
دوم بسم الله الرحمن الرحیم ۱ یا قیوم حفظه فلا
یفوت شیء من علمه و لا یؤوده یا قیوم ۲ یا دائم فلا
فناء و لا زوال لملکه یا دائم ۳ یا صمد من یمیر شبه
و لا شیء کمثله یا صمد ۴ یا واجد الباقی اول کل شیء
و آخره ۵ یا باقی فلا شیء کفوه یدانیه و لا امکان
لوصفه یا باقی آیات موافق بسم الله الرحمن الرحیم ۱
الم الله لا اله الا هو الحی القیوم ۲ و لا تدع مع الله
الها لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم

ShivaDoc.com

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۲ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ ۳ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۵ وَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا
إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ خواص پنج اسم سیوم اگر
کسی خواهد که بتزدیک پادشاهی یا بزرگی حاجتی بردسه
روز روزه رود و هر روز هزار بار این پنج اسم را بخواند
چون پیش ایشان رود بحاجت قبول کنند چنانکه هرچه
او گوید بشنوند و همیشه او را طلب کنند و کاربند او کردند
و اگر کسی در بند باشد و خلاصی طلبد این پنج اسم را بخواند
و یاد بر خود دمد که البته از آن بند خلاص یابد پنج اسم سیم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا كَبِيرُ أَنْتَ الَّذِي لَا تَقْدِرُ
الْعُقُولُ لِوَصْفِ عَظَمَتِهِ يَا كَبِيرُ ۲ يَا بَارِئَ النُّفُوسِ
بِلَا مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ يَا بَارِئُ ۳ يَا ذَاكِيَ الطَّاهِرِ
مِنْ كُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ يَا ذَاكِي ۴ يَا كَافِيَ الْمُوسِعِ لِمَا
خَلَقَ مِنْ عَطَايَا فَضْلِهِ ۵ يَا نَقِيًّا مِنْ كُلِّ جَوْرٍ لَمْ تَرْضَهُ
وَلَمْ تُخَالِطْهُ فِعَالُهُ آيات موافق إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ۲

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ۳ أَلَا إِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ
الْأُمُورُ وَإِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۴ إِنَّ اللّٰهَ لَا
يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۵ لَا إِلٰهَ إِلَّا
هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا خواص پنج
اسم چهارم اگر کسی خواهد که از قرض خلاص یابد و از تنگ
دستی برهد و فراخی و بتگی احوال چون خواهد که گشایش در
کار او پیدا شود برود بسحر او و هزار بار این پنج اسم را
بخواند که البته گشایش و جمعیتی در کار او پیدا شود و اگر
خواهد که کسی با او احسانی کند بی خواست او این پنج اسم را
بخواند و یاد بر خود دمد که آن کس با او احسان کند و اگر
کسی در معصیتی باشد و خواهد که او را از آن معصیت باز
دارد در شب جمعه هزار بار این پنج اسم را بخواند که آن کس
پاک روزی گردد و دیگر سر آن معصیت نرود و اگر کسی
امانتی بدست کسی بدهد و خواهد که گزندی بوی نرسد
این پنج اسم را بنویسد و بر سر آن امانت دهد که هیچ
گزندی بوی نرسد اگر در میان راه بنهد که در امان حق
سبحانه و تعالی باشد و بزرگوارترین چهل اسم این پنج

وَاللّٰهُ أَعْلَمُ پنج اسم چهارم بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا حَنَّانُ
أَنْتَ الَّذِي وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا ۲ يَا مَنَّانُ
ذَا الْإِحْسَانِ قَدْ عَمَّ كُلَّ الْخَلَائِقِ مِنْهُ ۳ يَا دَيَّانُ الْعِبَادِ
كُلُّ يَوْمٍ خَاضِعًا لِرَهْبَتِهِ وَرَغْبَتِهِ ۴ يَا خَالِقَ مَنْ فِي
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكُلٌّ إِلَيْهِ مَعَادُهُ ۵ يَا رَحِيمُ كُلِّ
صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثِهِ وَمَعَاذِهِ آيات موافق
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ
الْحَكِيمِ ۲ حٰمٓ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ
الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ ۳ كٓهٰيٰعٓصٓ حٰمٓ عٓسٓقٓ وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ ۴ صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ
۵ نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
اللّٰهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
خواص پنج اسم پنجم اگر کسی در بند باشد یا در دست ظالمی
گرفتار بود و خلاصی خواهد بستاند پاره از حریر سفید
در صباح روز چهارشنبه و این پنج اسم را بر آن حریر
پارچه بنویسد و با خود دارد که حق تعالی او را از آن ظالم
خلاص کند و ایمن گردد و اگر بر کسی سحری کرده باشند

و در آن سختی باشد و خواهد که از آن خلاص یابد این پنج
اسم را بنویسد بمشک و زعفران بر کاسه چینی و بنات در آن
شربت کرده باز خورد که البته از آن سختی خلاصی یابد
و سحر از وی برود و از آن سحر نجات یابد و پنج اسم پنجم
اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۱ يَا تَامُّ فَلَا تَنْقُصُ الْأَكْسُنُ
كُلُّ كُنْهِ جَلَالِهِ مُلْكُهُ وَعِزُّهُ ۲ يَا مُبْدِعَ الْبَدَائِعِ لَمْ يَبْقَ
فِي إِنْشَائِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ ۳ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ فَلَا
يَفُوتُ شَيْءٌ مِنْ حِفْظِهِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ ۴ يَا حَلِيمُ
ذَا الْأَنَاةِ فَلَا يُعَادِلُهُ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِهِ ۵ يَا مُعِيدُ مَا أَفْنَاهُ
إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ لِدَعْوَتِهِ مِنْ مَخَافَتِهِ آيات موافقه هُوَ
الْحَيُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا
هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا
يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۳ أَلَا هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۴ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۵ إِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ

ShivaDoc.com

غيب السموات والارض والله بصير بما تعملون خواص پنج اسم
ششم اگر در میان دوستی جدائی افتاده باشد اگرچه چندین
فرسنگ باشد روز پنجشنبه هزار بار این پنج اسم بخواند بر
نیت او کند حال و ساعت روی خاطر بیکدیگر کنند و از آن مقام
غضبی نقل کرده در ساعت روانه آن طرف کرده و بیاید و پنج
اسم ششم اینست بسم الله الرحمن الرحیم ۱ یا حمید الفعال ذا المن علی
جمیع خلقه بلطفه ۲ یا عزیز المنیع الغالب علی امره فلا شیء
یعاوله ۳ یا قاهر ذا البطش الشدید انت الذی لا یطاق
۴ یا قریب المتعالی فوق کل شیء علوا ارتفاعه ۵ یا
مذل کل جبار بقهر عزیز سلطانه ایات موافق قل
ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم
ذنوبکم والله غفور رحیم ۲ والقیت علیک محبة منی
ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم
علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها
کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله ۴ واخری تحبونها
نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین ۵ ان الله
یحب التوابین ویحب المتطهرین خواص پنج اسم هفتم

اگرچه چنانچه حاکمی بر کسی ظلمی بیداد کند و خواهد که دفع ظلم
کند این پنج اسم را بر ورق یکشنبه بنویسد و با خود دارد هم در آن
روز بنیاد کرده این پنج اسم را چهل بار بخواند و باید که مقابل
آفتاب ایستاده بخواند و حال خود در دل با آفتاب بگوید
که آفتاب آن ظالم را بسوزاند و هلاک گرداند و پنج اسم هفتم
اینست بسم الله الرحمن الرحیم ۱ یا نور کل شیء وهداه انت
الذی خلق الظلمات بنوره ۲ یا عالی الشامخ فوق کل
شیء علوا ارتفاعه ۳ یا قدوس الطاهر من کل سوء
فلا شیء یعاونه من جمیع خلقه بلطفه ۴ یا مبدئ
البرایا ومعیدها بعد فنائها بقدرته ۵ یا جلیل
المتکبر علی کل شیء فالعدل امره والصدق وعده
ایات موافقه بسم الله الرحمن الرحیم ۱ الله نور السموات
والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی
زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة
مبارکة ۲ هو الذی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا
وقدره منازل لتعلموا عدد السنین والحساب
ما خلق الله ذلک الا بالحق ۳ هو الله الذی لا اله الا

هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله
الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون ۴ فالق
الاصباح وجعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا
ذلک تقدیر العزیز العلیم ۵ هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض
وهو العزیز الحکیم خواص پنج اسم هشتم اگر
خواهد که دشمنی را دوست خود کند این پنج اسم بخواند
و باد بر خود دمد که بیشک آن کس دوست وی گردد دیگر
دشمنی نتواند کردن بفرمان خدای تعالی پنج اسم هشتم
اینست بسم الله الرحمن الرحیم ۱ یا محمود فلا تبلغ
الاوهام کنه ثنائه ومجده ۲ یا کریم العفو ذا
العدل انت الذی ملأ کل شیء عدله ۳ یا عظیم ذا
الثناء الفاخر ذا العز والمجد والکبریاء فلا یذل
عزه ۴ یا مجیب فلا ینطق الالسن بکل الائه وثنائه
۵ یا قریب المجیب المدانی دون کل شیء قربه ایات
موافقه بسم الله الرحمن الرحیم ۱ ان الذین قالوا ربنا الله

ثم استقاموا فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون ۲ فلله الحمد رب
السموات ورب الارض رب العالمین وله الکبریاء فی السموات
والارض وهو العزیز الحکیم ۳ لقد جاءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم ۴ قل اتعلمون الله بدینکم والله
یعلم ما فی السموات وما فی الارض والله بکل شیء علیم
۵ فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب
المتوکلین ان ینصرکم الله فلا غالب لکم وان یخذلکم فمن
ذا الذی ینصرکم من بعده وعلی الله فلیتوکل المؤمنون
خاتمه اسماء اربعین که معروفست یا غیاث عند کل کربة
ومعاذی عند کل شدة ومجیبی عند کل دعوة
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واما نا من عقوبات
الدنیا والاخرة وان تصرف عنی ابصار الظلمة المریدین
بی السوء وان تصرف قلوبهم عن شر ما یضمرون
الی خیر ما الاهمک غیرک اللهم هذا الدعاء ومنک
الاجابة وهذا الجهد وعلیک التکلان ولا حول ولا

ShivaDoc.com

قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد
وآله الطيبين الطاهرين اجمعين ايات موافق دعا اينست
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار
ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين
من انصار ربنا انا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان
امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب
النار وانصرنا وانت خیر الناصرین وانت قلت و
قولک الحق وینصرک الله نصرا عزیزا یا حی یا قیوم
یا الله یا الله یا الله تمت بسم الله الرحمن الرحیم
لاهم نصیر یا سیک المرغوب ٭ فی الدین مظفر
بن یا المطلوب ٭ بلغ من عبدک التسلم الاوفی الاحد
یارب الی رسولک المحبوب ٭ وبعد یقول محدث الاحرار
٭ هو ابن الحسین بن محمد ٭ جواب سوالی
که حضرت آصفی از کلمه التقوی فرمودند در ضمن این
کلمات مندرج است و در طی این عبارات مندرج هو
الله حسبی ونعم الوکیل ونعم النصیر الحسیب الجلیل وصلی
الله علی المصطفی والآل والاصحاب والمرتضی زبده

این رساله و مضمون این مقاله اسم آنکه توحید است حیث
قال الامام المجاهد الحقیقی لا المجازی فخر الدین الرازی طیب
الله ثراه فی کتاب اسرار التنزیل الفصل الثالث فی اسماء کلمة
التوحید الاسم الاول کلمة التوحید این اسم مرین کلمه را از ان
جهتست که دلالت میکند مطلقا بر نفی شرک و فائده قید اطلاق
آنست که چون حضرت عزت جلت عظمته فرمودند والهکم
اله واحد خدای شما خدایست یکانه شاید که در خاطر یکی خطور
کند که اگرچه خدای ما یکیست شاید که خدای غیر ما مغایر خدای
ما باشد حق سبحانه و تعالی از التباس این وهم فرمود ببیان
توحید مطلق و گفت لا اله الا هو یعنی ماهیت اله منتفی است
الا الله و هرگاه که ماهیت منتفی باشد جمیع افراد منتفی
باشد الا فرد مستثنی و پس اکنون بدانکه این کلمه را دو
ثمره است اول آنکه جوهر انسان را آفریده اند در اصل مشرف
و مکرم شایسته سر الهی اعلم و چون اصل در و پاکیست نجاست
بر خلاف اصل باشد و چون نجاست نیست الا شرک بدلیل
انما المشرکون نجس و سبحان الله ان المؤمن لا ینجس
پس موحد طاهر مطلق باشد چه بر وفق اصلست و چون

در طهارت کاملست از خواص حضرت حق باشد لقوله تعالی الخبیثات
للخبیثین والطیبون للطیبات وقول رسول الله صلی الله علیه وآله
وسلم ان الله تعالی طیب لا یقبل الا طیبا ثمره دوم آنکه
شرک سبب خرابی عالم است تکاد السموات یتفطرن منه
وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ان دعوا للرحمن ولدا
و چون شرک سبب خرابی عالم باشد توحید سبب عمارت
آن باشد بتخصیص عمارت دل که محل معرفت و توحیدست
و زبان که محل ذکر لا اله الا الله است چه از توحید عالم
گشت معمور زبان در جان و دل یابند از و نور موحد را
چو شد نور و صفا جمع ٭ کر آمد زیب کردد کی بود دور
اسم دوم کلمة الاخلاص و اخلاص در عرف شریعت و طریقت
پاک کردن نیت است از غیر تقرب بحضرت خدای تعالی
جاء عن الله تعالی انه قال انا اغنی الشرکاء عن
الشرک من عمل عملا اشرک فیه معی غیری ترکته وشرکه
و در هیچ عمل اخلاص چنان متحقق نیست که در توحید چه
توحید عمل خاصه و آن معرفت وحدانیت حق تعالی است
و این معرفت محالست که از برای غرضی دیگر باشد غیر از

طاعت

طاعت و عبادت پس این معرفت مطلوبست لوجه الله نه از
برای غرضی دیگر البته بخلاف سائر طاعات بدنیه که ممکنست
که از برای ریا و سمعه و مدح و ثنا باشد و از اینجا معلوم شد
که حقیقت این کلمه اولی است بانکه مسمی شود بکلمة الاخلاص
چه در تلفظ باین کلمه مشتق کنند علم و خاص اسم سوم کلمة
الاحسان بدلیل قوله تعالی هل جزاء الاحسان الا الاحسان
قال المفسرون هل جزاء الایمان وقال الامام ای هل جزاء
من اتی بقول لا اله الا الله الا ان اجعله فی جملة لا اله الا
الله یعنی نیست جزاء کسی که بیاورد کلمه لا اله الا الله الا
آنکه در آورم او را در جمله لا اله الا الله و باین للذین احسنوا
الحسنی و زیاده مراد از احسنوا قول لا اله الا است باتفاق
ائمه تفسیر چه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود للذین
قالوا لا اله الا الله الحسنی وهی الجنة والزیادة وهی
النظر الی الوجه الکریم اسم چهارم دعوة الحق قال الله تعالی
فی سورة الرعد له دعوة الحق ابن عباس رضی الله عنهما
گفته که آن قول لا اله الا الله است یعنی او راست دعوت حق
نه غیر او را و تحقیق کلام در اثبات این حصر آنست که حق

ShivaDoc.com

نقیض باطلست پس حق موجود باشد و باطل معدوم و چون حق
سبحانه و تعالی حقیست در ذات و صفات و ممتنع النقیضست
در حقیقت معرفت او و معرفت حق باشد و ذکر او ذکر حق و
دعوة باو دعوة حق و هر چه غیر اوست ممکن است و ممکن حقا
لذاته نیست پس معرفت او واجب التحقق نباشد و ذکر او و
دعوت او همچنین و از اینجاست که حضرت رسالت صلی الله
علیه و علی آله و سلم فرمود اصدق کلمة قالها الشاعر کلمة لبید
الا کل شیء ما خلا الله باطل یعنی راستترین سخنی که شاعر
گفته است سخن لبیدست و معنی سخن لبید اینست که آگاه
و دانا باشید که هر چیزی غیر از خدا باطلست و الحق موافق
کلام الهیست حیث قال عز من قائل کل شیء هالک الا
وجهه و همازین مستزیست فرو ریختی باز در جام جود
بعد از شرابی که هوشم ربود از آن جام تا جرعه خورده ام
سرم در سجودست و جان در سرود در آن جام دیدم بعین
الیقین نمودست غیر تو یعنی نبود چه غیر و کجا غیر و
کو نقش غیر سوی الله والله ما فی الوجود اسم پنجم کلمه العدل
قال الله تعالی ان الله یأمر بالعدل و الاحسان عثمان بن

مظعون

مظعون رضی الله عنه گوید که مسلمان نشدم آن روز که مسلمان
شدم الا بواسطه حیا و شرم از محمد علیه الصلوة و السلام چه نبی
عرض میکرد اسلام بر من شرم داشتم از و و مسلمان شدم و لیکن
مسلمانی در دل من قرار نداشت تا روزی آنحضرت علیه الصلوة
و السلام مرا بخواند و بشرف اجابت او مشرف شدم در آن میان
که سخن میگفت با من دیدم که نظر بآسمان کرد صید دو هزار
عقل و جان کرد پس جبرئیل فرود آمد و گفت یا محمد ان الله
یأمر بالعدل و الاحسان العدل شهادة ان لا اله الا الله
و الاحسان القیام بالعبودیة عثمان بن مظعون گوید که
آن روز ایمان در دل من فرود آمد و ابن عباس رضی الله
عنهما گفته عدل شهادة ان لا اله الا الله است و احسان
اخلاص دلست و سبب در تسمیه این کلمه بکلمة العدل آنست
که انسان مجبولست بر ظلم کما قیل الظلم من شیم النفوس فان
تجد ذا عفة فلعله لا یظلم پس مادام که نداند که خدا یکیست
و جز بحضرت او پناه نیست عدل که منافی شیمه اوست از و
نیاید و چون این معنی بداند هر آینه بعدل گراید تا از دخامت
عاقبت ظلم آسوده در ظل حمایت عدل بیاساید اسم ششم

قول طیب قال الله تعالی و هدوا الی الطیب من القول
بیان طیب این کلمه محتاج بشرح و بسط نیست چه نجاست
کفر هفتاد ساله بسبب ذکر این کلمه یک نوبت بیکبار زائل
میشود چو بوی مشک که هر تن را کند ناچیز اسم هفتم
کلمه طیبه قال الله تعالی الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة
طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء و
طائفست که جز او را کلمه طیبه نام کرده و در آن چند وجه
است اول آنکه طیبه است بآن معنی که پاکست از تشبیه و تعطیل
و طریقه متوسط است میان هر دو چنانکه شیر خالص از میان
فرث و دم مبرا از هر دو و مصفی از شائبه هر یک وجه
دوم آنکه صاحب این کلمه طیب الاسم باشد در دنیا و طیب
المسکن در عقبی وجه سوم آنکه طیب است یعنی مقبولست
قبول کند آنرا حق تعالی کما قال الیه یصعد الکلم الطیب
سوال شجره طیبه درخت خرماست سبب چیست در
تشبیه کلمه توحید بآن جواب از چند وجه است اول آنکه
نخل نمی روید در هر بلاد بلکه در بعضی بلدان ثابت میشود
همچنین کلمه توحید جاری نمیشود بر هر زبانها و معرفت

طیب

آن حاصل نمیشود در هر دلها وجه دوم آنکه نخل طول اشجار است
همچنین کلمه توحید بلندترین کلماتست وجه سوم آنکه درخت
خرما رسته است در زمین و شاخ آن در آسمان همچنین اصل
کلمه طیبه که آن معرفت است ثابتست در دل و فروع آن در
آسمانست الیه یصعد الکلم الطیب وجه چهارم آنکه درخت
خرما هر سال دو بار بر میدهد همچنین درخت ایمان و توحید
دو نوبت میوه میدهد یکبار در دنیا و آن حقن مال و دم است
و اهلیت و شهادت و ولایت و امامت و یکنوبت در آخرت
و آن بهشت باقیست و دیدار بیچون و بی چگونه حق تعالی
وجه پنجم آنکه در میان میوه نخله نواتیست که خیر و منفعت
در آن نیست اما بواسطه استخوان خرما نخل را قیمت ناقص
نمیشود همچنین کلمه توحید را از معصیت عاصی قدر و قیمت
نمیکاهد قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور
الرحیم اسم هشتم کلمه ثابته قال الله تعالی یثبت الله الذین
آمنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و در
علت این تسمیه چند وجه است اول آنکه گناه در واش نمیکند

در زمین م

بلکه

ShivaDoc.com

او مؤثرست در ازالت ذنوب چه موحد را اگرچه گناه بزرگ و
بسیار باشد همچنان امید عفو هست ان الله لا یغفر ان یشرک
به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و کافر را اگرچه کفر عظیم
باشد چون رجوع بتوحید کند توحید کفر او مهدوم و معدوم
گرداند قل للذین کفروا ان ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف وجه
دوم آنکه این کلمه ثابت است در آخرت و مرتفع نمیشود از بنده
چه اهل بهشت مشغول اند در جنت بذکر توحید نمی بینی که
میگویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن و قالوا الحمد لله
الذی صدقنا وعده الحمد لله الذی هدینا لهذا وجه سوم
آنکه این کلمه را اصلی محکم است چه اولا گواهی باین کلمه حضرت
عزت را بدلیل شهد الله انه لا اله الا هو پس شهادت
جمیع شاهدان فرع شهادت حق تعالی است و آن شهادت
اصلست پس فرع آن اصل ثابت باشد در دنیا و آخرت اسم
نهم کلمة التقوی قال الله تعالی و الزمهم کلمة التقوی و
درین تسمیه دو وجه است اول آنکه چون پرهیز کرد صاحب
این کلمه از آنک وصف کند حق تعالی را بوصفی که مشرکان کردند
کلمه را کلمة التقوی نام شد چه سر تقوی پرهیز از شرک است

ودرین آیت اشارتیست و بشارتی اما اشارت آنست که حق
سبحانه و تعالی خود را اهل تقوی خواند هو اهل التقوی و اهل
المغفرة و موحدان را اهل کلمه تقوی یک نکته ازین دفتر گفتیم و
همین باشد و اما بشارت آنست که بعد ازین فرمود و کانوا احق
بها و اهلها چون اثبات کرد که موحدان سزاوارترین خلق اند
باین کلمه و کریم حق از مستحق باز نستاند لاجرم ایمان از مؤمن
انتزاع نفرماید وجه دوم درین تسمیه آنکه این کلمه واقی و
نگه دارنده بدنست از شمشیر و مال از استغنام و ذمت از جزیه
و اولاد از بردگی و دل از کفر و جوارح از معاصی اسم دهم
کلمه باقیه بسیاری از مفسران گفته اند در تفسیر آیت و جعلها
کلمة باقیة فی عقبه که آن قول لا اله الا الله است بدلیل صدر
آیه چه مقدمه آیت اینست که و اذ قال ابرهیم لابیه و قومه
انتنی برآء مما تعبدون این اشارت بلا اله است الا الذی
فطرنی فانه سیهدین اشارت به الا الله و باز معین ایست که
توحید زائل نمی شود بسبب معصیت پس باقی باشد بروایت
کند جابر بن عبد الله رضی الله عنهما از رسول صلی الله علیه و آله
و سلم از جبرئیل علیه السلام که حق تعالی فرماید در روز قیامت

مالی اری فلانا فی صفوف اهل النار من گویم یا رب ما او را
هیچ حسنه و نیکی نیافتیم حق تعالی گوید من شنیدم از وی که در دنیا
میگفت یا حنان یا منان برو و سؤال کن از وی جبرئیل
بیاید و او را در زاویه اندر و اما او گوشهای دوزخ یابد
بلکه یا حنان یا منان مشغول جبرئیل او را ازین کلمه سؤال
کند در جواب گوید که هیچ حنان و منان غیر از خدا هست
یعنی نیست جبرئیل گوید لا و دست او بگیرد و از صفوف
اهل دوزخ بصفوف اهل بهشت آورد اگرم هیچ نباشد
بزدینی مر بعقبی چو تو دارم همه دارم مکرم هیچ نباید اسم
یازدهم کلمة الله العلیا و کلمة الله هی العلیا و سبب در علو
این کلمه وجوه است اول آنکه چون نور این کلمه در دل تجلی
کند دل را قوتی الهی بر تابی بدید آید که احوال دنیوی را حقیر شمارد
بلکه عظماء ملوک و سلاطین را فقیر انگارد و التفات بهیچ چیز
از طیبات دنیا نکند و بهیچ چیز از بلیات دنیا متاثر نشود
نبینی که سحره فرعون را چون نور این کلمه ظاهر شد التفات
ننمودند بدست و پا بریدن و حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم
چون مستغرق شد درین نور نظر ملکوت نکرد ما زاغ البصر

وباطنی نقلست که ابرهیم خواص رحمة الله علیه در بادیه بود و حالی
ازین کلمه بر وظهور کرد پهلو بر زمین نهاد و در دیه بیابان بیامد
و گرد او حلقه زدند و او بیاک از ایشان نداشت و رفیق او
بترسید و بر درختی رفت و همانجا ترسان بماند تا صباح تا
دیگر که آن حال زایل شد بشر نیش بر دست او فرو برد متالم
شد و اظهار جزع و نالم کرد آن رفیق گفت دوش از سباع
اندیشه نداشتی و امشب از بشر متالم شدی گفت دوش سلطانی
در دل من فرود آمده بود که با وجود او فکر از ملک و ملکوت
نداشتم و اکنون آن سلطان نهضت فرمود لاجرم ضعیف و
عجز پیدا شد وجه دوم استعلاء این کلمه در دنیا بر سائر ادیان
بدلیل لیظهره علی الدین کله وجه سوم آنکه عالی و غالبست
بر جمیع ذنوب و تمام عیوب کما اشیر الیه اسم دوازدهم
مثل اعلی قتاده گوید و لله المثل الاعلی معناه لا اله الا
الله و مراد از و لله المثل الاعلی همانست که و کلمة الله هی
العلیا چه مثل بمعنی صفت است اینجا مثلا مثل الجنة التی
وعد المتقون یعنی صفتها اسم سیزدهم کلمه سواء قل یا اهل
الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ابو العالیه گوید

ShivaDoc.com

هی کلمه لا اله الا الله بآن دلیل که بعد ازین فرمود الا نعبد الا
الله ولا نشرک به شیئا و معنی این و مراد از لا اله الا الله یکیست
و اگر عقل هر کس را بفطرت اصلی باز گذارند معترف بصحت این
کلمه شود پس همه در معرفت این کلمه مساوی اند مع بقاء تمام
علی حالها کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه و
ینصرانه و یمجسانه علی قائله افاضل المسلمین و اکامل التجاة
اسم چهاردهم کلمه النجاة بدلیل قرآن و حدیث اما قرآن ان الله
لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و چه
آیه صریحست در آنکه نجاة موقوف توحید صحیح است و آیتی
دیگر و یا قوم ما لی ادعوکم الی النجاة و اما حدیث روایتست
از ابو هریره رضی الله عنه که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود که ندا داده در میان مردمان که هر که گواهی دهد که
لا اله الا الله واجب شود او را بهشت ابوذر گفت که اگر
چه زنا و دزدی کرده باشد آنحضرت فرمود که اگر چه زنا و
دزدی کرده باشد و در نوبت سوم فرمود و ان رغم انف
ابی ذر اسم پانزدهم ابن عباس رضی الله عنهما گفته در
آیه لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا که

ابوذر را رضی الله عنه

عهد

عهد

عهد لا اله الا الله است و مؤید و مقوی قول ابن عباس است
این که جماعتی از مفسران گفته اند در تفسیر و اوفوا بعهدی اوف
بعهدکم که آن عهد ایمانست بدلیل آنکه در عقب این میفرماید
و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم و باز اول عهدی که واقع
شد عهد الست بود و آن فی الحقیقه قول لا اله الا الله است
اسم شانزدهم کلمه الاستقامة قال الله تعالی ان الذین قالوا
ربنا الله ثم استقاموا ابن مسعود رضی الله عنه گوید مراد
از استقاموا قول لا اله الا الله است چه اول کلمه ربنا الله
است اقرار بوجود رب بعد از آن نفی شرکا و اضداد و
مطلب اول مشترکست میان عامه خلق الا ما شاء الله
و ثانی مخصوص اهل استقامت اسم هفدهم مقالید
السموات والارض بقول ابن عباس رضی الله عنهما از
چند وجه اول آنکه اگر بر فرض محال دو خدا بودی فساد
در عالم حاصل شدی لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا
پس شرک سبب فساد عالمست و توحید سبب صلاح آن
لاجرم مقالید السموات والارض قول لا اله الا الله باشد
وجه دوم آنکه بیان کردیم که شرک سبب خرابی عالمست

و توحید سبب عمارت آن سوم آنکه درهای آسمان گشوده
نمیشود تا دعا الا بکلمه لا اله الا الله و ما دعاء الکافرین
الا فی ضلال و درهای بهشت گشاده نمیگردد الا باین قول
و درهای آتش بسته نمی ماند الا بهمین کلمه و در دلها هم
نمیشود الا باین کلمه لا اله الا الله اسم هجدهم قول سدید
یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا در تفسیر این
آیت گفته اند فعیل بمعنی فاعل باشد چون سمیع بمعنی سامع
و بمعنی مفعول نیز آید چون قتیل بمعنی مقتول چون حمل شود
بر معنی فاعل کنند مراد آن باشد که این کلمه سد میکند و می
بندد بر صاحب خود درهای دوزخ و چون حمل بر معنی
مفعول کنند معنی آن باشد که این قول سد و دست و راه
او بسته اند از آنکه چیزی از گناه مضر او تواند بود و الحق
چنانست سد ذو القرنین دافع یاجوج و ماجوجست این
کلمه سد و مانع شیاطین انس و جن است اسم نوزدهم بر
لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر
من آمن بالله و اشارت در آیت آنست که لیس البر ان تولوا
وجوهکم قبل المشرق و المغرب اشارتست بکثرت و تولی بشرکا

و لکن البر من آمن بالله اشارتست بتوحید و نفی انداد و این
مجموع قول لا اله الا الله است اسم بیستم دین قال تعالی الا
لله الدین الخالص و دین انقیاد و خضوعست یعنی خضوع
و خشوع خاص خدای را سزد و شاید که غیر او را تضرع و
استکانت نمایند و پرستش و بندگی کنند و این وقتی باشد که
وحدت حق ثابت شود چه با وجود تعدد آلهه این معنی
ممکن نیست پس حصر در آیت دلالت کند بر حقیقت قول لا اله
الا الله و لا رب سواه اسم بیست و یکم صراط مستقیم اهدنا
الصراط المستقیم ای ارشدنا الی التوحید او ثبتنا علی التوحید
و هو قول لا اله الا الله اسم بیست و دوم کلمه الحق بدلیل و لا
یملک الذین یدعون من دونه الشفاعة الا من شهد بالحق یعنی
لا اله الا الله اسم بیست و سوم عروه وثقی بعد از آیة الکرسی
که مشتمل بر توحیدست میفرماید که لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد
من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک
بالعروة الوثقی پس معلوم شد که توحید حق و کفر بطاغوت
و ایمان بمالک ملک و ملکوت که عبارت از لا اله الا الله است
عروه وثقی است اسم بیست و چهارم کلمه الصدق قال الله تعالی

ShivaDoc.com

والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون واز این آیت
وجه تسمیه بکلمة التقوی نیز موجه شد والله یقول الحق وهو
یهدی السبیل وحسبنا الله ونعم الوکیل تمت جهت تحقیق
خلاصی مصروع وبیمار بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
بدان ایدک الله که از عزالی منقولست که هرگاه که خواهند که حالت
مصروع وبیمار را تحقیق کنند وبدانند که از چه قبیله او را صرع حادث
شده قاعده آنست که بر هر ناخنی از ناخنهای دست راست شخص
آنچه مذکور میشود بنویسند وکف دست او را بر زمین نهند وعزیمتی
که مذکور خواهد شد بخوانند تا کیفیت حال او معلوم شود ونوشته
ناخنها اینست ابهام فر فر سبابه بر بر وسطی ظفر بنصر کفر خنصر
مر مر وعزیمتی که باید خواند اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا حب
الشریفین شرفی علیک بحق عهد سلیمان وبالاسم الذی ارسلکم
به الی بلقیس وکتب الیها انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم
ان لا تعلوا علی واتونی مسلمین واین عزیمت هفت بار باید خواند
وعزمت علیکم یا معاشر الطروش ویا بنی نطوش ویا بنی
دهش ویا بنی ذوبد ویا عبد الرحمن اعزمت علی قبائلکم
کلها الصامت منکم والناطق ان تسیروا ای کفر هذا المریض اگر

مرد باشد او المریضة اگر زن باشد باید گفت ان کان به سحرا ای تعویذ
کتبه وان کان به دخیلا او صرعا فاضربوا بکفه الارض وان کان
به عینا من بنی آدم او بنات حوا فعوجوا یده بحق آهیا شراهیا
ادونی اصباوث آل شدای وبقیه عزیمت که نوشته شد هفت
نوبت باید خواند وبخورش حصا البانست پس چون این عزیمت
باین عبارت که گذشت خوانده شد البته علامت ظاهر خواهد شد
چنانچه اگر سحر است دستش مرتعش میشود واگر جن او را
گرفته است یا صرع دارد دست را از زمین برمیدارد وبر زمین
میزند واگر چشم زخم است یا سحری که زنان بمردان کنند زبان
او جاج میشود واگر احیانا دستش بجای خود ساکن است علامت
سوداست وبطبیب میباید رفت والله اعلم پس چون حال معلوم
شد اگر سحر است دفع سحرش باید کرد چنانکه فاتحة الکتاب را
معکوس بنویسد ودر جامی از چینی یا آبگینه که مدتی باشد بنویسد
ودر وسط آن آیه جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان
زهوقا تکیه بکند وسحر را بیاشامند سه روز یا هفت روز
که خلاص شود وبعضی گفته اند یک نوبت کافی است واگر مصروع
باشد یا جن گرفته باشد باید دانست که آن بر چهار نوع است

ابی وخاکی وبادی وآتشی وعلامت هر یک علاحده نوشته
وعلاج آن مذکور خواهد شد اولا آنچه خاکیست علامت او فریاد
مصروع است وبیرون دویدن وبی آرامی کردن وعلاجش
آنست که اسم مصروع را واسم مادرش را بحساب جمل جمع کرده
۱۲۱۲ از آن ساقط کند وطالعش را از آن معلوم کند وبآن برج
که برسد طالع شخص است اسم صاحب طالع بنویسد چنانچه
مثلا اگر بمیزان رسد طالع اسم زهره باید نوشت واسماء اعظم
از آن استخراج باید نمود وجن را قسم باید داد تا مصروع را
بگذارد ودیگر باره مزاحم نشود واسم جن خاکی نقطش است
ومثال عمل اینست مثلا گفتیم که طالع مصروع میزانست وصاحب
طالعش زهره است پس اسم زهره را بسط کردیم بدین طریق زهره
زس بسع هه ح خ م س ه ر م ا ت ی ن ه ح خ م س ه پس اسماء
اعظم از این حروف استخراج باید نمود بدین طریق مثلا زکی سلام
بدیع علیم هو هادی خبیر مجید مبدی هادم راحم مرید اله
تواب یا اول نور هو خالق محسن سمیع هادی وبخور از سیاه
دانه باید کرد پیش دماغ مصروع وسیر را بمصروع باید بویانیدن
وعزیمت باید خواند که بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت علیک

یا فقطش

یا فقطش بحق هذه الاسماء الاعظم یا زکی یا بدیع یا علیم الی
آخره انطق من جوف هذا المریض ولا تعارض علیه ابدا واگر
خواهند که عمل نافذ باشد بر جلی اخرج انطق باید گفت ویا خود
اطلع باید گفت وعزیمت را سه نوبت یا هفت نوبت باید خواند که
فقطش بحرف میاید واو را قسم باید داد وعهد باید گرفت که دیگر
مزاحم شخص نشود واگر بسخن نیاید تکرار عزیمت باید کرد وباید
گفت که انطق فقد نطق الشجر انطق فقد نطق المدر انطق فقد
نطق الجبال انطق فقد نطق السموات والارضون بحق یا زکی
الی آخره واگر مصروع ابی باشد اسم او ابیض است وعلامت مریضش
تمام علامت موت است وکف بدهان آوردن ودست بر لب کشیدن
علاجش آنست که طالع وقت را ملاحظه کنند ودر همان ساعت که
چه طالعست مثلا فرض کردیم که شخص را صرع گرفت در وقتی که طالع
وقت برج اسد بود پس اسم اسد نوشتیم بدین طریق اسد وبسط کردیم
بدین وجه الف سین دال ت ی ن دال ر ب ع ه پس از این حروف
اسما استخراج کردیم بهمان نوع که در عمل پیشین گذشت چنانچه در
این عمل این اسما باشد الله احد دیان سلام شید تواب بنیل
نور دایم اول بدیع علیم هادی وعزیمت باید خواند که بسم الله

ShivaDoc.com

الرحمن الرحیم اقسمت علیک یا ابیض بحق الله احد الی آخره او بحق یا
الله یا احد الی آخره و همان عبارت انطق باید گفت و اگر بحرف نیاید
همان عبارت که در عمل اول گفته شد تکرار باید نمود تا محلی که ابیض
بحرف آید و عهد کند که مزاحم مریض نشود و اسمای مذکوره را
باید نوشت در ظرف چینی که مریض بیاشامد یا بشربت یا بآب اما اگر
صرع بادی باشد اسم او زوبعه است و علامت این مصروع بسیار
گفتن هذیانست و علاجش آنست که اسم مصروع را بنویسند و بسط
کنند و اسمای آن استخراج کنند و عزیمت کنند زوبعه را بر اسمائی
که استخراج کرده باشند مثلا اسم مصروع احمد است و بسطش بدین
قاعده است آ ح م د ح ش م ا ن ه م ا ر ب ع ی ن د ا ر ب ع ه
و اسمائی که مستخرج میشود اینست الله احد حی دائم حق ثابت
مجید اله نور بر هادی ماجد ازلی رحیم بدیع علیم بقا
نافع ابدی رؤف باری عالی هو و عزیمت این عمل اینست که اقسمت
علیک یا زوبعه بحق یا الله یا احد یا حی الی آخره و بهمان عبارت
که در اول عمل گفته شد باید خواند تا زوبعه مسخر شود و حرف
کند و عهد کند که دیگر باره مزاحم نشود و اسما را بر ظرفی بنویسند
تا مریض بیاشامد یا بشربت یا بآب و بخورد همه اعمال سیه دانه است

و مریض را

و مریض را که بیهوش باشد در وقت صرع و اگر صرع ناری باشد اسم او
مذهب است و علامت او رعشه است که مصروع مرتعش باشد
و این علت در شخص در اول ماه یا آخر ماه واقع میشود و اکثر در
وقت عصر وقوع مییابد و مصروع درین امر ساکت و زبان
بیرون میآورد از دهان و گردنش بیک طرف میل میکند و
علاجش آنست که در ساعتی که شخص متاثر شود صاحب آن ساعت را
اسم بسط باید کرد و استخراج اسماء الهی باید نمود مثلا شخصی در
روز دوشنبه مصروع شد باید دید که از صبح این روز ساعت آن
وقت که شخص را صرع گرفته است چند ساعت گذشته باشد اما
در ساعت اول روز است یا دوم یا سیوم الی آخر الیوم مثلا
در ساعت پنجم این روز بیمار شده و ساعت پنجم این روز
متعلق است بشمس که آفتابست پس اسم آفتاب را بسط باید نمود
و عمل بران باید کرد مثلا ش ش ا ن ه ا ی ه م ا ر ب ع ی ن
س ر ی ن و اسما اینست شهید ثابت لطیف آلتواب مجید
احد هادی مکرم ازلی رؤف باقی عالم تمام نور سید سلام تواب
کریم نافع و قسم این عمل اسم مذهب است که بسم الله الرحمن الرحیم
اقسمت علیک یا مذهب بحق یا شهید یا ثابت یا لطیف الی آخره و همان

عبارت انطق باید خواند تا وقتی که مذهب بحرف آید و عهد کند
و تعویذ از اسماء مستخرجه جهت مصروع باید نوشت که با خود دارد
و تواند بود که همان تعویذ را بیمار بدهند بی آنکه دعوت بکند
و قسم بدهد که بحرف آید و عهد کند باذن الله تعالی والله
اعلم نوع دیگر پری چون در تن شخصی نشیند و یا دیوی تنش
مسکن گزیند معزم شخص را در خط نشاند چهل بار این
عزیمت را بخواند ز کل جوبش زند محکم بر سیداد که جن آید
برون مجنون شود شاد و عزیمت اینست بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیک یا جنی الفاسق الفاجر الحامی اخرج من نفس
فلان بن فلان بحق مجنون عیطلل سعواء بطمعتر غیتح
بیتطون دیمن بحق ابومرة و بحق عزرائیل و امراة الجان
ابن طیتا بیجوج تلقا عوج طلعلمهون غیماء دیلعو رکف
بحر مرآهیا شراهیا ادونای اسما و فی آل شدای تم اگر خواهند
که بر کسی صرع مستولی شود در روز سه شنبه در ساعت اول
یکهزار الف کتابت باید کرد و چهل میم که جن و مفتاح مریخ است
و یک حرف از اول اسم شخص که مدعا باشد هم بعدد خودش
باید نوشت چنانچه اگر اسم جمال باشد سه عدد جیم باید نوشت

و این قسم باید خواند اقسمت علیک یا احمر بحق المریخ و بحق الالف
و ما فیها من الحرارة و الیبوسة ان تصرع فلان بن فلان و هفت
نوبت باید خواند فصل در خواص حروف الجان و آن سه حرفست
که اکثر حروف جان گویند بجهت آنکه عمل از آن حروف ترکیب
باید کرد که آن اسما بر ناصیه بعضی از جنیان مکتوبست و آن بعد
اسقاط مکررات اینست د ذ ض ظ ف ق ک ل م و
و این حروف عشره در وقت ترکیب اسما و اربعه سه حرفست
که مکرر میشود د سه بار ل سه بار یکبار و آن اسما اینست
دلذل دوم ضلضل سیوم قفلک چهارم نود پس هر که
این اسماء حروف با خود نگاه دارد از مضرت جن و علت
صرع و جنون و امثال آن محفوظ گردد و اگر بر طفلی بندند
که در خواب ترسد آن ترس از و زایل شود و اگر در دل کسی
قلق باشد چون این حروف با خود نگاه دارد تسکین و اطمینان
بهم رساند من غایة المراد بدانکه کلامی و اعمالی چنانکه بر انبیا
علیهم السلام نازل شده که حضرت حق را بدان استدعا نموده اند
و دعا مستجاب میشد همانست چنانکه در صحف ابرهیم ع
اسم اعظم اینست ایلو اول هیم ملکی امریزا و باصطلاح یعقوب

ShivaDoc.com

اسم اعظم اینست ایل شدای صابح ایلاهیم و در توریت موسی ع
اسم اعظم اینست آهیا شراهیا آذونی اصباوث و در زبور داود ع
اسم اعظم اینست طاب طابت حمزیا باغفر آذونی و اخواه
انجیل عیسی ع اسم اعظم اینست هیلادیقیشا اینعثا و در قرآن
مجید اسم اعظم اینست الله لا اله الا هو الحی القیوم عبارتنا
شئی و حسناک واحد ع رمزی خفی بدانکه این رمزیست که در کتب
قدما و متاخرین نیست و در بعضی جاها که واقع شده بر نحویست که جز
بالهام یا باشاره عالیه اهل فن معلوم نمیتوان نمود و این مخلص بی ورد
پوشش او را بمباشقان صادق مینماید اما از نهار که از نا اهل مشهور
و مخفی دارند و آن چنانست که از مه ساعات سال و دقایق بی
عمری که در باب یکبیر معروض شد استخراج باید نمود و چون
استخراج ساعات باب یکبیر نمود هشت زمام علم را فرا گرفته استخراج
حروف مجتمعه در کلمه تخلیه مطلع نموده زمام وضع نمایند تا محلی که
خواهد که عمل کند میسر شود و از جهت توضیح مثال بیان نمائیم
اراده لنزول کج ش ر ب ف ق ت ح ج ع س م ط ی
ع ح د ه ل ز و ع کج ش ر ط ف ق ت ح ج س م د ا
ع ا ن د ه ل ز و ع کج ش ر ط ف ق ت ح ج س م د ا

باسمه سبحانه و تعالی الله رحمن رحیم کریم مقیم عظیم
قدیم علیم حلیم حکیم حنان منان دیان برهان
سلطان رضوان غفران سبحان مستعان مانع دافع رافع
صانع نافع سامع جامع شافع واسع موسع جلیل
جمیل وکیل کفیل دلیل قبیل مدیل منیل مقیل محیل
مؤمن مهیمن ملکوت ملیک متین مهیمن ممکن مزین
معلن مقسم علی وفی غنی ملی حفی رضی زکی
بدی قوی ولی مصور مقدر مدبر مطهر منور منیر
مبشر منذر مقدم مؤخر عاصم قائم دائم راحم سالم حاکم
عالم قاسم قابض باسط احد واحد شاهد ماجد حامد
راشد باعث وارث صانع نافع کافی شافی وافی معافی
هادی داعی قاضی راضی عالی باقی غافر ساتر قادر
قاهر قاطر کاسر جابر ذاکر ناظر ناصر حبیب طبیب
قریب رقیب حسیب منیب مثیب مجیب خبیر بصیر
مسهل مفضل مبدل منزل منزل منول مفضل مجزل
مجل رب عفو غفور صبور شکور رؤف عطوف
سؤد ودود سبوح قدوس خالق رازق ناطق صادق

فالق فارق فائق رائق سابق سائق نشار غفار قهار
جبار جبار ستار مختار فتاح نفاح مرتاح سمیع شفیع رفیع
منیع مریع بدیع کبیر قدیر خبیر مجیر شفیق رفیق حفیظ
محیط مقیت معیث معز عزیز مبدی معید معین امین
متین متین مکین رشید حمید مجید شدید شهید فاعل
جاعل قابل کامل فاضل فاضل عادل غالب طالب واهب
اول آخر باطن ظاهر برحق فردوس صمد سرمد حافظ
باری خالق بارئ فاتح فلاح کاشف ضامن امین ناهی مکرم
معظم منعم معطی معنی مغنی محیی محیی مرضی مبقی
مسبب مرغب مقلب معقب مرتب مخوف محیی مرمنکر
مسخی مغیث عزیز در ضبط اول این اسباع که در هفته یک
ختم قرآن باید نمود این حروف ترکیب کرده اند که فنی بشوق
فا عبارت از فاتحه است و نون از نساء و از یونس و بالا
بنی اسرائیل و ش از شعرا و واو از والصافات و قاف از قد
القرآن الخ در تحفة المسترشدین آورده که ترتیب قرائت در ایام
هفته برین وجه سنت است و خلاف این بدعت از شیخ محیی الدین
اعرابی منقولست عدد حروف نام خود بحساب جمل بگیرد و هم

جمع کند و ببیند که از اسماء الله کدام اسم است که عدد حروف آن
بحساب جمل موافق اسم اوست آن اسم بر نسبت او اسم اعظمست
پس چون فاتحه والم نشرح را هر یک بآن عدد بخواند بعد از آن اسم را
بهمان عدد بخواند و بعد از آن طلب حاجت کند مقصود بحصول
انجامد و اگر اسماء الله را اسمی موافق نام خود نیابد و اسم یا اسم
یا چهار اسم را جمع کند با هم تا موافق اسم او پیدا شود والله اعلم قاعده
آزموده برای دفع دردی که در اعضا پیدا شود و آن چنان باشد که
هر که را عضوی درد کند باید که معلوم کند که نام آن عضو بعربی چه
چیز است و حرف اول آن عضو بر دارد و یازده حرف است که این
یازده حرف با آن حرف اول آن عضو ترکیب کند و بنویسد و
بر صاحب آن درد بندد شفا یابد و دیگر یازده حرف خواص
بسیار است و یازده حرف اینست ا ب ت ث ط ظ ف ک ل ا ی
و کیفیت ترکیب کردن آن چنانست که اول حرف یازدهگانه بنویسی
و بعد از آن حرف اول آن عضو بنویسی و دیگر حرف دویم از یازده
گانه بنویسی و اول حرف عضو همچنین تا آخر چون تمام شود صاحب
درد شفا یابد انشاء الله تعالی و مثال این چنین باشد که مثلا برای
دفع درد چشم چون خواهی که بنویسی چشم را بعربی عین خوانند

ShivaDoc.com

اول حرفش عین است عین را بر دارد و نخست حرف اول یازده
کاف بنویسید بعد از آن عین را بنویسید همچنین شود که اع و دیگر
حروف بدیم یازده کاف بنویسید پس ع بنویسید و همچنین تا آخر
حروف یازده کاف پس ترکیب اینچنین شود اعبع تعشع تطظع
فقع لعلا عبع والله اعلم مثال دیگر برای درد سر را بعربی
راس خوانند حرف اول این را بست بر دارند و با حروف یازده
کاف ترکیب کنند بدین صفت شود که ازبر تر تر ظر ظر فر گر لر
لا ریز و اگر برای درد پشت نویسند پشت را بعربی ظهر خوانند
حرف اول او ظاء باشد با حروف یازده کاف ترکیب کنند چنین شود
اظ بظ تظ ثظ جظ حظ خظ فظ کظ لظ لا ظیظ باقی برین قیاس میکند
و درین حروف سرهاست که هر کس فهم آن نکند و هو العلیم الخبیر
لا یعلم الغیب الا الله ۱۲ هو الله العلیم در بیان مداخل و مخارج
حروف و کلمات مدخل عبارتست از اعداد جملی و مخارج از حروف
که مطابق عدد و مدخل باشد و مداخل دو قسم است یکی در بسط و یکی
در ترکیب و هر یکی را ازین دو قسم سه مرتبه است صغیر و وسیط
و کبیر مثلا مدخل کبیر در ترکیب ۱۰ آخرج ق و بسط آخرج ی
صغیر آخرج آی این ثلاثه را اضافه حروف بسط باید کرد که ق ی است

هر اسمی که باشد مثال اینست که مذکور شد و بر علما هر کرا مهمی پیش
آید باید که ده بار سورهٔ تبارک الذی بید الملک از برای ارواح ده
احمد جهم الله بخواند آن مهم کفایت شود و نیز مثال بنا و ده
که مجموع است الاسماء هذا احمد احمد احمد احمد احمد احمد
مختار علی العلم کبیر حام حرب
احمد احمد احمد احمد احمد احمد احمد قد سر الله ارواحهم
اسحق عباس حوران ارقم ستی روزی
بدانکه تعبیر خواب علم شریفست حکما هر دو مبالغه اس ذو القرنین این
جدول را استخراج کرده اند با ثربیست و هشت حرف ابجد نهاده اند
چنانکه هر که فیل را بخواب بیند اول حرف ف است و با الف باید
حرف اول الفست علی هذا القیاس و تعبیر اینها درین جدول
نهاده شد والله اعلم ا دلیل یافتن مراد باشد ب دلیل بر بلا
و رنج باشد ج دلیل بر شادی و فرح باشد د دلیل بر بزرگی
و سعادت باشد ه دلیل بر حصول کامها باشد و دلیل بر یافتن
مطلوب باشد ز دلیل بر تنگی احوال بود ح دلیل بر دشواری
کارها بود ط دلیل بر ظفر و راحت باشد ی دلیل بر جمعیت
خاطر باشد ک راست آمدن کارها باشد ل دلیل اخبار
ناخوش باشد م دلیل بیرون آمدن از غم باشد ن دلیل
بر ضعف احوال بود س دلیل بر شرف و بلندی بود ع

دلیل بر سعادت و دلخوشی بود ف دلیل بر پشیمانی و ندم باشد
ص دلیل بر تنگی احوال بود ق دلیل بر خوف امان بود ر
دلیل بر شادی و خرمی بود ش دلیل بر راستی امانت بود ت
دلیل بر یافتن مال از دست بود ث دلیل بود که تکدل شود
از کسی خ دلیل بود بر عزت و مال ذ دلیل بود بر قوت
و دولت ض دلیل بود بر زیادتی منصب ظ دلیل بود بر تباهی
احوال غ دلیل بود بر خیرات و امانت ه اما بعد بدانکه این
عزیز که حضرت حق سبحانه و تعالی این نسخه را روزی کرد بیانکه
دولت دنیا و آخرت ترا داده است اگر بدین هفت عمل کنی این دعوی
بلا شک و ریب در هر مرادی و این هدیه ایست از حضرت حق سبحانه
در خواص نود و نه نام که این فقیر حقیر حاجی حسن ابو قوی از
مردم روحانیه تعلم یافته اگر کسی تجربه کند بداند که یقین است
و این خواص مجملست در نود و نه نام و این فقیر بکرات تجربه کرده
اما بشرط اول خلوت دو رکعت آواز نزدیم دویم بخور مناسب سیم
طهارت چهارم دو رکعت نماز گذاردن در رکعت اول الحمد یکبار
و سه بار آیة الکرسی بخواند چون سلام باز دهد روی بقبله بنشیند
و صد و یکبار نود و نه نام بخواند و اگر از برای دوستی و الفت خواند در

بگوید ای فلان بن فلان و القیت علیک محبة منی و لتصنع علی عینی
الی آخر الآیه و بگوید اللهم یا رب هذا الاسماء العظام الذی محقق
فی قلب ۲۲ و اگر فراق میان دو دشمن یا دو حریف خواهد در
آخر بگوید یعنی در آخر بگوید یعنی در آخر صد و یک غریب که نود و نه
نام خوانده باشد بگوید و القینا بینکم العداوة و البغضاء الی یوم
القیمة و بگوید اللهم فرق بین ۲۲ و بین ۲۲ کما فرقت بین
الارض و السماء و کما فرقت بین الثلج و النار و کما فرقت بین
المشرق و المغرب حقا لا یجتمعون ابدا بحق هذه الاسماء العظام
و اگر بجهت دست تنگی و بستگی امور خواهد بگوید ربنا افتح
بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین و سوره اذا جاء نصر الله
بخواند و قدرت حق تعالی مشاهده کند که در همان روز گشایش فتح
پیدا شود و اگر بخت دختری بسته باشد یا کسی را بستگی باشد
بر کشته عود خواند و در زیر دامن آنکس بیوزاند که گشاده
یابد و اگر کسی بستگی باشد بهمین نوع عمل کند که فتح شود و در
هر امری شرط دعوت صد و یک بار است و بخور بوی خوش
در هر حال و اگر جهت دفع دشمن باشد در آخر دعوت سوره
الم ترکیف بخواند و بگوید اللهم یا رب کما صرفت شر اصحاب الفیل

ShivaDoc.com

عن فاصرف شر هذه العدوّ عنّی واگر جمعی باشند هذه الاعداء
عنّی بگویند و ابتدا خواندن نود و نه نام خدای تعالی بهر مراد که دارند بخوانند
یا من هو انت الذی لا اله الا هو انت الله الذی لا اله الا هو انت
الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن الی آخره العزیز
الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اگر کسی مرضی داشته
باشد که بهیچ نوع علاج پذیر نباشد نود و نه نام را بر صحن چینی
یا قلمی نویسند بمشک و زعفران و گلاب و آب بشویند و بعسل
شیرین کنند و بآتش گرم کنند و بخورد آن بیمار دهند البته البته
شفا یابد و اگر آن آب بر کفن مرده ریزند چون او را در قبر نهند از
عذاب قبر و تنگی لحد حضرت حق تعالی او را محفوظ دارد بفضل و
عنایت بی نهایت و اگر سوره فاتحة الکتاب با وی داخل کند بهتر
کمال بود و اگر میان دو تن موافقت نباشد از این آب ایشان را بخورانند
البته صلاح آیند و بر هر چه خوانند و ایشان را دهند تا بخورند البته
مراد یابند نود و نه نام باری تعالی اه فاتحة الکتاب ۱۴۳ در خواص
سوره فاتحة الکتاب در نسخه دیگر که شرح احمد در آنست یاد کردیم

الحکم حافظ حمید حیّ حق حسیب حکیم حلیم حنان حامد
۶۸ ۴۶ ۹۹ ۹۰۹ ۶۲ ۱۹ ۱۰۸ ۸۰ ۸۸ ۱۷۸ ۱۰۹ ۵۳

باسم سبحانه و تعالی بصیر الحکم حاکم عدل عادل لطیف
۳۰۲ ۶۸ ۶۹ ۱۴ ۱۲۵ ۱۲۹
خبیر حلیم العظیم اعظم شکور شاکر العلی عالی اعلی حفیظ
۱۱۲ ۸۸ ۱۰۲ ۱۰۱۱ ۵۲ ۵۳۱ ۱۰ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹۹۸
مقیت حسیب جلیل اجل جمیل کریم اکرم الرقیب مجیب
۵۵ ۸۰ ۷۳ ۱۳۴ ۱۳ ۲۷ ۲۶۱ ۳۱۲ ۵۵
الواسع الحکیم الودود المجید المجید باعث شهید حق وکیل
۱۳۷ ۷۸ ۲۰ ۵۷ ۴۱ ۵۷۳ ۳۱۹ ۱۰۸ ۶۶
قوی متین ولی حمید محصی مبدی معید محیی ممیت
۵۰۰ ۴۶ ۶۲ ۱۴۸ ۵۶ ۱۲۴ ۶۸ ۴۹۰
حی قیوم واجد ماجد احد واحد احد صمد قادر
۱۸ ۱۵ ۱۴ ۴۸ ۴۸ ۱۹ ۱۳ ۱۳۴ ۳۵
مقتدر قدیر مقدم مؤخر اول آخر ظاهر باطن والی
۳۱۴ ۷۴۴ ۱۸۴ ۸۴۶ ۳۷ ۸۰۰۱ ۱۱۰۶ ۶۲ ۴۷
متعالی بر تواب منتقم عفو رؤف مالک ذوالجلال
۵۵۱ ۳۲ ۴۹ ۳۰۶ ۱۵۶ ۳۸۶ ۹۱ ۸۳
ذوالاکرام ذوالکمال مقسط جامع غنی مغنی معطی
۷۹۹ ۶۲۹ ۲۰۹ ۱۰۶ ۱۱۴ ۱۱۰۰ ۱۳۹
مانع ضار نافع نور هادی مهدی مضل بدیع باقی
۱۰۰۱ ۳۰۱ ۲۵۶ ۳۰ ۵۹ ۸۷۰ ۸۶ ۱۱۳
وارث شهید صبور صابر سبحان سلطان حنان
۷۰۷ ۳۱۹ ۲۹۸ ۳۹۳ ۱۲۱ ۱۵۰ ۱۰۹
منان دیان برهان غفران رؤف ذوالمن ذوالاحسان
۱۴۱ ۶۵ ۲۵۸ ۱۳۳۱ ۱۲۸ ۸۸۸
محسن موجود معبود مقصود مسجود شافی کافی
۹۵۸ ۵۹۰ ۲۴۰ ۱۲۳ ۱۱۴ ۳۹۱ ۱۱۱
وافی معافی مولی قدیم لله له ملک والملکوت
۹۷ ۲۱ ۸۶ ۱۵۴ ۵۸۶ ۳۵ ۹۰
بدان ای عزیز من که چون اسما و عدد اسما را در رقم آوردیم لازم آمد
که از برای دعوات اسما شرطی چند و قاعده چند در قلم آوریم
تا منتفع بگردد انشاء الله تعالی بدان اصل دعوت اسما دانستن

ترکیب اسماست و لیکن چون این قسم محصور بود بر دعوات اسما
ما نیز از جای دیگر در اینجا چیزی نیاوردیم تا مطالعه کننده را
موجب توهمان نگردد و این قسم بر سه نوعست نوع اول دعوت
صغیر است نوع دوم دعوت متوسطست نوع سیم دعوت
کبیر چون معلوم شد که دعوت بر سه نوعست نوع اول را
بیان کنیم فرض کنیم که اگر شخصی از شخصی یاد در نسخه یافت
که هر که این اسم را از برای فلان مهم یکبار بخواند یا بیشتر از
یکبار مهم او بر آید آن شخص اگر هزار نوبت بخواند که آن
مهم بر نمی آید و اگر نیز بر می آید دیر بر می آید و از آن
میباشد که مهم خواندن آن اسم بر نمی آید در اعتقاد وی
خللی واقع میشود و چون در اسما خلل واقع می شود در
اهل دعوت اسما هم اثر میکند و چون در اهل دعوت اثر
کرد در بارهٔ کامل مکمل که عبارت از قطبست و صاحب
دعوت بحق اوست انکار پیدا کند و تواجد کرده در دنیا
و آخرت و بر بودی وی در آن باشد که آن اسم را نمی خواند
و نمی داند که علت چه بوده باشد علت آنکه که مقلد محقق
نباشد و ملقد بانواع حجب محجوبست و نفسش آلوده باشد

و زبانش بلغو گفتن و حشو معتاد باشد و چشمش بفواحش
دیدن خو کرده گوشش از اصوات مزامیر ملو و مشامش بروایح
قبایح مسوق و در دستش از حرام بعبا و دستش بخیانت مهی
صد هزار بار هر اسمی را که خواهد بخواند که از بیش عبور ندارد
و گناه عظیمش آنست که از برای فسق و فجور ملازمت اسما
غفور کند پس لاجرم حاجت ناپاک باسم پاک بر نیاید بلکه وبال
جان او گردد و هر چه خواهد عکس آن آید یا بد چون چنانست
پرهیز از واجباتست و هر عفو برابر هیزی هست و هر
اسمی بشرحی موصوفست و لکن یک یک را بیان کنیم کاغذ ساز
و مرکب ساز و کاروان و اسطه و اهل کتابت درین معنی مقصر
و معترف گردند اما رمزی خواهیم گفتن تا مذهن باندازه
دریافت از اینجا چیزی اخذ کند و علم وی گردد و بدان
عمل کند تا از عالمان عامل باشد والله الموفق اکنون در پرهیز
سخنی چند خواهیم گفتن تا هر نایافته که جویند با تمام دریابند
پرهیز اعظم این قسم آنست که هر چه خورد حلال خورد و کم خورد
اما پرهیز بر سه قسم است قسم اول از برای دفع دهم است
و آن بکم خوردن و ترک حیوان کردن بیشتر میشود قسم دوم

ShivaDoc.com

از برای دفع شهوتست و آن بروزه و بحیوانی و بکرخوردن
میسر میشود قسم سیم از برای شناخت حاصل کردنست و آن
بحلال خوردن و در تحت تصرف صاحب دعوت بودنست
والله اعلم آمدیم و در بیان دعوت گفته شد که بر سه قسم است
قسم اول صغیر است اقلش و اکثرش نه بار و بدعوتی صغیر
وقتی کار میسر میشود که دعوت متوسط را بجای آورده باشد
و دعوت متوسط آنست که بعدد حروف اسما دعوت کند که اگر
اسم ده حرف باشد و یا کمتر یا بیشتر روز نیز بعدد حروف
می باید که باشد و قراءت نیز کمتر و بدعوتی متوسط وقتی
کار میسر میشود که دعوت کبیر را بجای آورده باشد و دعوت
کبیر چنانست که بعدد حروف ایام بود و بعدد حروف بحساب
جمل قراءت باشد و هر کس که دعوت کبیر و متوسط و صغیر بجای
آورده باشد هر چه خواهد بدعوت ورد صغیر میسر شود انشاء
الله تعالی و پنهان داشتن عدد از واجباتست والله اعلم الرابع

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

دعوت ایات القرآن بدان ابن طالب فواید که اولیتر و بهتر که حرفی
زواید کنی و عبارت از زواید آنست ایات متبرک را و اسما را از
برای مهمات دنیه نکنی بلکه چنان می باید که جز بکار آخرت ورد

نسازی

نسازی و چون از معاش لابد است باید در آن کوشی که مضرت
خود را از خلق باز داری و مضرت از خلق خود را و خدا را موفق
و مسبب دانی و اسما و ایات را و دعوات را نوشتنی و خواندن
سبب دانی و از اینجا قیاس کنی که بعضی خلایق و جهال در
پناه بعضی از محتشمان و حاکمان می گریزند و اگرچه ایشان از
سبب و مسبب بسیار خبر ندارند اما مهم ایشان بر می آید اگرچه
باهانت بسیار و بزجر روزگار و بآلودگی هر چه تمامتر و بهمرزنگ
بودن با آنچنان کسان و اگر محتاج هر زنگ محتاج الیه بوجهی از
وجوه یا من جمیع الوجوه نگردد و ممکن نیست که حاجت او روا شود
و هر گاه محتاج هر زنگ محتاج الیه شود و بنقد مشترک گردد و
اگر محتاج الیه را سبب نداند کافر گردد پس چون چنین است
و اولیتر آنست که محتاج هر زنگ اسما و آیات و دعوات گردد و هر
مهمی و اراده که دارد بر بی نیاز عرض نیاز کند و اسما و آیات
متبرکه را و دعوات را شفیع خود سازد تا آنچه مطلوب اوست
بعزت هر چه تمامتر و اسانتر یابد که طلب از عزیز عزیزتر است
و اگرچه دیر بر آید بذلت تری عزتست و از آن سبب ورد خواندن
اسما و آیات ثواب حاصل میگردد انشاء الله تعالی و چون

ثواب مضاعف شد درجات گردد و از درجات بیک عنایت و توفیق
قرین قربت گردد و علامت آن بود که در نیت تغییر واقع شود و
چنانکه اگر در اول مطلوبش دنیوی بود اخروی گردد و اگر اخروی
بود خالص گردد و اینچنین بسیار واقع می شود والله الموفق و
آمدیم در بیان دعوات ایات بدانکه دعوات ایات را جز بپاکی
و راستی نتوان کردن و اما اسما را اگر چنانکه دعوت کننده را
جنابت واقع شود توان و ایات را نتوان خواندن و دعوت کننده
آیات و اسما را باید که پیشتر نماز مشغول شود و آن آیات را در
نماز بخواند و بعد از نماز مطلوب را قرین ایات کند و قایم مقام دعا
بخواند و هر چند که بعد از نماز بیشتر بخواند بهتر باشد و در آن
وقت که در جامه رود و سر بر بستر خواب نهد چندان بخواند که
در خواب رود و هر چند که بیدار گردد ورد بخواند چندانکه در
خواب رود و چون وقت صبح شود بر خیزد و ایات را مناسب
حاجت بخواند یعنی اگر حاجتش مناسب شفع بود جفت خواند
و اگر مناسب وتر بود طاق خواند و چون نماز صبح گذارد تا
آفتاب بر آمدن ورد را بخواند تا حاجت وی بر آید و اگر حاجت
وی اخروی بود ورد کند شام و یا مراد بدین نوع که گفتیم

ورد

و در نمازهای فرایض و سنن و نوافل و تطوع و در نماز حاجت
و روز جمعه بیشتر والله اعلم بالصواب آنچه بخاطر شکسته این
بیمقدار زاویه خمول و بی اعتباری حسین بن عقیلی بر سمتدای
خطور کرده و موافق مقاصد و مطالب اهل کمالست و کلمات فیض
آثار کرامت دثار الشیخ السعید سعد الدین الحموی دلالت بر آن دارد
اسم اعظم بزبان رموز و ایما لفظ مرکب از حرف حلق و ایر و حرف
شفویست که در هر نفس و تضرع تکلم بان از لوازم ذاتیه و از خواص
طبیعت است والحق تقدیم حرف بر حرف سنتهای مخارج بر وضع
طبیعی است و اشرفی تراکیب متصوره درین وضع ثانیست و
عکس آن ترکیب بر عکس آن چه ترکیب اول موجب نجات و
فرح و سرور دارین است و ترکیب ثانی مستلزم نکبات و جزع
و مصایب و بر صاحبان رموز مخفی نیست که بیّنات حروفی اند
که بتکلم در می آید اما مکتوب نمیشود و زبر آنست که مکتوب و
ملفوظ می شود مثل آنکه در لفظ هود زبر هو و آو دا است
و بیّنات این آ و آل و هیچ دغدغه نیست که از علم غیب و معنی
حروف بنزله مجرد اند و ختم آن دایره حرف قوسی میشود
که اعظم و اشرف مراتبست و بنابرین اهل کشف گفته اند که آن حرف

ShivaDoc.com

خاتم ولایتست و از جمله خصوصیات حرف قوسی آنکه بینهٔ او حرفیست
که عدد او واحد است و اول دایره و اول مرتبهٔ عالم حرفیست و هرگاه
زبر و بینات حرف قوسی بر ترتیب طبیعی باشد مقصود از و
نداست و اگر منقلب سازند نیز چنین است چنانکه گویی یا زید
ای زید و اما حرف اول اسم اعظم حرفیست که در هر دم و در هر
آن چنانکه ایامی بآن شد بر لسان هر حیوان جاری میشود
و ابتدا و انتهاء نفس زدن بصورت او مخلوق شده و از حروف
آتشست در مرتبهٔ دوم و بینهٔ اول و بواسطهٔ اعتدال او در حرارت
تقدیم او بر حروف اول آتشی فرمودند و اکثر قوی مدد که وجود
بصورت او واقع شده و گاه باشد که در رسم الخط صورت اصلی
او که دایره تامه است که اشرف و ابسط استکمالست بدو دایره
موسوم سازند اشارة بآنکه در مرتبهٔ دویم است در نارست دوم
آنکه در هر نفس زدن و فرو رفتن و بیرون آمدن تکلم باو
ضروریست و آنکه در مرتبهٔ تعدد و اثنینیت ظهور او کمال دارد
اما حرف ثانی اسم اعظم حرفیست که در اکثر خواص موافق حرف
اولست و چون مخرج او انتهای مخارجست در مرتبهٔ ثانی واقع
شده و از دایره حروف حرف دوم بادیست و بعد از آتش

واو

واو عکس و قلب نداده چه قلب او بینهٔ اوست و مجموع عدد بینات
وز بر او سیزده است اشارت بسیزده نفر است از صاحبان
ولایت یعنی نبی و دوازده امام صلوات الله علیهم اجمعین بر
صاحبان کشف و حال مستور نماند که سر و لغز آنکه اسم اعظم مرکب
از حروف آتش و باد است غیر آن نیست که درین مرتبه متکلم بکلمه
حرف را غیر از مرتبهٔ عشق حقیقی و سوز و گداز و بی تابی و
جنون عرفی مرتبهٔ دیگر حاصل نشود و از آنجهتست که خواص و
عارفان و عاشقان باین لفظ مداومت نمایند و متشرعان و
ظاهر بینان بلفظ کریمهٔ الله چه در لفظ الله بصورت دو
حرف آتشی بود و حرف خاکیست و موانست عوام ناس بلفظ
الله از جهت مناسبت خاکیتست و از اینجاست که در عرف علم
در میان اسماء الله مدار اسلام بآن کلمه است و درین کلمه نفع عام
ظاهر گردد اما نفعش بطور حاصل شود چنانچه رتبهٔ خاکیست
و در اسم اعظم که فی الحقیقه او علم ذاتست و توحید بعرفان
بآن حاصل شود و بس نفعش عموم ندارد اما خواص باندک وقتی
سریعاً قریباً نفع کامل و حظ بافی یابند و چون نزد عرفا
اظهار امثال این امور از جمله عصیانست و از نا اهل اخفا

نمودن از جمله مفروضات حتمیه است در مقام توضیح و انکشاف
رموز تخییه این دو لفظ و سایر اسما واجبی تعالی شانه نشد
و بیش ازین خسارت نمودن ترک ادب و خلاف رسوم عرفا
بود و آنچه بزبان رمز و ایما اشاره شد بجهت الحاح و مبالغه
بعضی از خلص اخوان بود و اگر نه در بیان خواص حروف
و اسما بمجملات آن اکتفا بایست نمود چنانچه بعد ازین در همین
کتاب ریاض الابرار در بحث خواص اسماء الله و خواص
حروف بآن روش عمل نموده و از بیان مذکور اسرار بسیار
و نکات بیشمار که موجب سعادت دارین است بعد از ایقان
نظر معلوم شود مرد باید که بر تواند برد و ورنه عالم پر از نسیم صبا است

شرح سوره کریمه یس قال الامام العالم الفاضل الکامل
شیخ المشایخ قدوة المحققین عالم اسرار التنزیل شیخ سعد الحق
والملة والدین محمد الحموی رحمة الله علیه بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین والصلوة علی رسوله محمد وآله اجمعین
اما بعد این چند کلمه ایست در بیان قراءت سوره کریمهٔ
یس و بعضی از خواص آن که بعد از استجازت از ارواح ائمهٔ
هادین عم که مستمر جان علم جفر بر مرقوم رقم بنده ضعیف

سعد

سعد الدین محمد حموی گشته تا سالکان طریق الهی از اقدام آن
بمنتهای مرام خود واصل شوند والله الموفق والمعین بدانکه سورهٔ
یس را خواص بسیار است و حضرت رسول صلی الله علیه وآله او را
قلب القرآن خوانده و اکثر علماء جفر بر آنند که اسم اعظم درین
سوره است و مرویست که هر که بعد از نماز بامداد یس را بشرایط
بخواند کفاره هفتاد ساله گناه صغیره است و در آن روز بمیرد
و اگر بمیر توفیق خواندن نشود و شرط در خواندن این سوره
آنست که با طهارت روی بقبله در جای پاکیزه و لباس پاک و
بحضور دل بخواندن مشغول شود و بدانکه درین سوره سه موضع
محل اشارتست هر کس در آن مواضع مقصود خود در خاطر کند
بحصول پیوندد و این سه موضع را علماء این فن بنوشته اند
در کتب مگر بطریق رمز و ایما که اگر آن اسرار را فاش کنند و خلایق
بر آن اطلاع یابند کارهای عظیم کنند اشارت اول واقعست در
میان دو کلمهٔ که حروف مجموع هر دو بعدد ابواب بهشتست در
کلمهٔ اول دو حرفست که هر یک بعد از دیگری تکرار کرده و کلمهٔ
دوم چهار حرفست غیر مکرر اگرچه یک حرف دری در کلمهٔ اول تکرار
یافته است و حرف ثانی او ثانی حرف اول از کلمهٔ اولست در اعداد

ShivaDoc.com

وحرف ثالث با زاء حرف اول از کلمه اولی است در مراتب ثانیه از
اعداد جمل وحرف رابع مثل مجموع حرف اولی وثالث است والله اعلم
اشارت ثانی واقعست در سه کلمه که حروف این سه کلمه بعدد ابواب
نیز است وحرف اول وسابع متماثلند چنانچه ثانی وسادس
وثالث وخامس وحرف رابع مرکز است مر مجموع را وآن حرفیست
که باز بر وبینات مطابق حروف اسم اعظم است که اسم ذات عبارت
از وست وآن حرفیست که رتبه خاتم ولایت دارد ودایره حروف
بدان تمام میشود وانبیاء واحی باول می پیوندد ویک
علامت دیگر از وی آنست که آن عملی که از وی آید وقت انضمام
با کلمات از مطلوب روی همان آید بی زیاده ونقصان والله
اعلم اشارت ثالث واقعست در پنج کلمه که مجموع حروف تمام
آن کلمات بعدد تمام ابواب مذکور است ویکی زیاده وغیر مکرر
بعدد حروف اسم اعظم مذکور است وحروف کلمتین که موقع
اشارت اولست بعینه بر ترتیب کلمه اولی وثانیه غیر مرتب
درین کلمات مندرج است وعدد نقطه که درین کلماتست جمیع
جهاترا احاطه کرده نصفی فوقانی ونصفی تحتانی وظاهر است
که اسماء حسنی الهی یکی در اول ودو در آخر جلوه مینماید

تسلیم

تسلیم وی دو اسم باتفاق جمهور علما اندراج یافته که اسم اعظم
آنست واسامی دیگر از ایشان استنباط میتوان نمود که بعضی از آن
مثل والمؤمن والحلیم است وباقی علی هذا القیاس وزیاده
ازین درین فن افشای این راز نکرده اند وتجویز نفرموده
وازین روش تر تا غایت کسی بیان ننموده با وجود آنکه هنوز
از تصریح دور است وهم بر دل این بیچاره مستولیست ای عزیز
فرزند اگر نه غایت قابلیت تو باعث گشتی این راز قلم نپیوستی
باید که دلرا بصیقل اخلاص منور گردانی تا حال اسرار بر تو جلوه
نماید والله اعلم بعد از دانستن مواضع مذکوره هر چه خواهی
از منافع ومضار مشروعه بر حصول آن قدرت یابی انشاء الله
تعالی وان اکابر این فن مرویست که در وقت خواندن این
سوره سخن نگوید وباطهارت تمام روی بقبله بنشیند وبحواس
جمع در محل اشارة مطلوب بحق الحق گذارند وهمت بر تحصیل
آن کارد بیشک بمطلوب رسد انشاء الله تعالی که درین سوره
هفت بین است دور از حساب نگیرند وآن عدد بین و
خصیم بین است وپنج دیگر بختصر دست عدد است ابتدا کنند بهر
لفظ بین انگشتی بعقد کرده وبر ابهام ختم کند ودر گشودن

از ابهام بکشاید پس از خنصر پس از وسطی پس از بنصر وبر مسبحه
ختم نماید ودر حین گشودن فاتحه وآیة الکرسی وقل هو الله احد
بخواند وبعد از قراءت سوره یس این کلمات را بخواند که مربع
الاجابتست سبحان المفرج عن کل محزون سبحان المنفس
عن کل مدیون سبحان من جعل خزائن علمه وحکمته
بین الکاف والنون انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن
فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون
وسه بار بگوید یا مفرج الهم فرج همی برحمتک یا ارحم الراحمین
این وردیست بس شریف وکثیر الفواید واین حرزیست بغایت
در نهایت رصانت وحراست در دفع مکاره وبلوی وتحیت
خصما ومکنت دوسرا وآن معروف بحرز فاتحة الکتاب فی
تسخیر القلوب وتیسیر المطلوب موصوفست وآن منقولست
از حضرت امیر حسین اخلاطی المصری رحمه الله وخواندن آنرا
نتیجه وفایده تامه است وآن بترتیب خوانند که منافع کلیه دارد که
بیان قلم وبنان رقم از ادای عاجز وقاصر است وآن هفت بخش
در هر روزی یک آیه با دعا وملکی که بر آن آیه مرکبست وقوت
وی وتبع وی از آن در ترقیست وبعد از ختم هر ورد خواندن

آیة الکرسی خواند بر شش جهت خود این دعا را بعد از ختم آیة الکرسی
خواند که آیة الکرسی ترسی واعتصامی بالمهیمن وتوکلت
بالحی الذی لا یموت وکفی بالله حسیبا والورد هذا یوم
الاحد اجب بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
یا حی یا قیوم اجب یا روفائیل سبعا مطیعا بحق الحمد لله
رب العالمین الحی القیوم وبحق الملک الموکل بقائمة
العرش یوم الاثنین هو ربح الرحمن الرحیم یا رحمن
یا رحیم یا رؤف یا عطوف اجب یا غبائیل سبعا مطیعا بحق
الرحمن الرحیم الرؤف العطوف وبحق الملک الموکل
بقائمة العرش یوم الثلثا طیکل مالک یوم الدین
یا مقلب القلوب اجب یا میکائیل سبعا مطیعا بحق مالک
یوم الدین المقلب القلوب وبحق الملک الموکل بقائمة
العرش یوم الاربعا من سع ایاک نعبد وایاک
نستعین یا سریع یا قریب اجب یا جبرئیل سبعا مطیعا
بحق المعبود السریع القریب وبحق الملک الموکل بقائمة
العرش یوم الخمیس فصقس اهدنا الصراط
المستقیم یا قادر یا مقتدر اجب یا عزرائیل سبعا مطیعا

ShivaDoc.com

بحق الهادی الی صراط مستقیم القادر المقتدر بحق الملک
الموکل بقائمة العرش یوم الجمعة شنبه صراط
الذین انعمت علیهم یا حکیم یا علیم اجب یا صریفیائیل سیقا
مطیعا بحق المنعم الحکیم العلیم و بحق الملک الموکل بقائمة
العرش یوم السبت شنبه غیر المغضوب علیهم و لا
الضالین یا قاهر یا عزیز اجب یا شمشائیل سیقا مطیعا
بحق المغضب القاهر العزیز و بحق الملک الموکل بقائمة
العرش و چون ورد هر روز تمام شود خاتمه آن چنانست
که سوره متبرکه فاتحه را بخوانند تا مالک یوم الدین بعد از آن
سوره قل هو الله احد تا آخر سوره بخوانند بعد از آن این دعا
بخوانند که اللهم کما جمعت بین صفاتک ایاک نعبد و ایاک
نستعین تا آخر سوره ختم کنند این اعتماد است و اختتام این که یا
حافظ یا ناصر یا معین یا اول یا آخر یا مبین یا ظاهر یا باطن
یا متین یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
بسم الله ما شاء الله لا یسوق الخیر الا الله بسم الله ما
شاء الله لا یصرف السوء الا الله بسم الله ما شاء الله ما کان
من نعمة فمن الله بسم الله ما شاء الله لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
که در این حروف مخفی بسیار است و این علم علم شریفیست که مرکب
کوبان مغرب نقش شده است و جویندگان از آن کنند برگشته
و آمدیم بر مقدمات اگر خواهی که این علم را بعمل آری بیاور
گربه سیاه بی نشان و ببر بر سر قبر کسی که خون بسیار کرده
باشد و آن گربه را سر از بدن بردار و خون او را در سر آن قبر
بریز چنانکه خون گربه بمیان قبر رود و از آن قبر یک چوب
خاک بردار که آن گربه را در آنجا دفن کنی و آن خاک را بر داشته
در گنج خانه بنهد و هر دو چشم گربه را بیرون کند و در یک
چشم وی بنبه دانه بر کند و در چشم دیگر کتان بر کند و در آن
خاک دفن کند و بالای او را کهگیل بدهد و هفت روز آنرا
بی آب داشته بعد از آن که هفت روز گذشته باشد بخون آدم
آب دهد و هفت روز دگر بر او خود تر کند و آن سر بعد
از یکماه دگر تخم پیدا و درخت دگر بهم رسد و آن درخت
بار پیدا کند و بار او بعضی جفت باشد و بعضی طاق و بعد از آن
این تخمها را برگیرد و کاسه مسی برگیرد و پر آب کند و آن
تخمها را در آن آب اندازد که بعضی قبه آب برود و بعضی بر روی

آب ایستد و بعضی بر یکدیگر سوار گردند و بعضی رنگارنگ شوند
و بعضی بر روی آب چرخ زنند و بر یکجا نه ایستد و آنچه در ته
آب رود آنرا بردارد و در دهن بگیرد و سه بار این دعا بخواند
و بهر کجا که رود کسی او را نه بیند و این دعا مجرب است و عقد
العین من جمیع الخلائق صم بکم عمی فهم لا یرجعون مرموح
مرطوح یحوح مرمحموح انج انج مرماموح و آنچه بر روی
آب بایستد آنرا بگیرد و نرم بکوبد و یک پشم دامنی در بر گیرد و آن
تخم که کوفته بخور کند و بعد از آن هفت بار این دعا بخواند
و دست در میان پشم حلمن کند هر چه بخاطر گذرانی بدست
تو آید بفرمان خدای و دعا اینست ارنوخاج ارنوخاج نوخاج
مرماسرطح مرة مرمرح اکما اکوا اکما اکمو مرماموطر
انج آی ارغیش ارنیش مرجوح صی صی انب آه آه
آه آه آه و بعضی که هدیگر را از پی نماز بود آنرا بر دل
و نرم بکوبد و شب چهارشنبه بکشد و در میان دائره بنشیند
و از آن تخم اندکی بخور کند و هفت نوبت این دعا بخواند
و نام آنچه مطلوب بیند که بقدرت خدای تعالی آنچه مطلوب
برآید و دعا مجرب اینست احرقت قلب فلان بن فلان

لهم الله موتوا ثم احیاهم نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین
براءة من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین نوع دیگر
در اخفا اگر خواهد که هیچکس او را نه بیند پاشنه پای کسی که مطلوب
باشد برین و سرمه کرده در چشم کشد از نظر مردم نهان شود
و کسی دیگر او را نتواند دید دیگر جهت پیدا کردن دزدیده
گرشده این کلمات را بصفحه چوبین نویسد و سر میخ را بر آن
فرو کند و سوره یکتن بخواند تا بنام هر کس بگردش در آید او
بر دعا باشد اینست بسما بسماه و
یا بنی انها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة
او فی السموات او فی الارض یات بها الله ان الله لطیف خبیر
و میباید که در چهار جانب طبقچه اسم فرشته مقرب جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل نویسد والله اعلم باب اقاشس
الذین فرموده که هر کس هفت روز روزه بگیرد و حیوانی بخورد
و هر روز چهل بار این اسما بخواند اینست یا فرد یا خبیر
یا شهید یا ذکی یا لطیف یا تائب یا جبار یا متعال یا خلاق
روز هشتم این سورت در زیر سجاده بگذارد و هزار بار یا
متعال یا خلاق بخواند و سجاده را بردارد و ببیند که از عالم

ShivaDoc.com

غیب هفت اقچه در زیر سجاده او باشد و چهل بار یا مذهب
یا اسود یا فعال یا خلاق بخواند و هر روز علی الاستمرار باذن
الله تعالی بیاید و کم نشود اما هر هفت را در هر ماه صدقه کند
و از برای روح اقا شمس الدین صدقه بخواند بعضی از عزیزان
این عمل کرده اند صحیح آمده مهر اینست

بسم الله الرحمن الرحیم کتاب ده جمله
اینست این رساله در شرح اسمی چند
از اسماء الله که از کتاب قیس بن زرین
آورده اند تصنیف ابو العباس بونی رحمة الله علیه و این کتاب را
تمامات عشر میگویند ده جمله است هر جمله بر چند اسم چنانچه
ذکر میکنند و خاصیت این یک یک بیان میکنند و شرط عمل
برین اسما آنست که چون حاجتی داشته باشد درین جملها
نظر کند و هر جمله که تعلق بآن حاجت دارد یک ساعت
زمانی مداومت بران جمله نماید در خلوت و اعتقاد درست
و صفائیت که حق تعالی مراد او برآورد انشاء الله تعالی
جمله اول آن هشت اسم است هو الله الذی لا اله الا
هو الواحد القهار الاحد الفرد الوتر الصمد انت

آنت خاصیت این جمله آنست که چون مداومت کند بران اهل
غفلت را بیداری پیدا شود و طالبان مکاشفات را در کشف
بیفزاید و اگر بنویسد و بشوید و بیاشامد همین خاصیت
دارد بشرط مداومت جمله دویم و آن ده اسم است هو الله
الذی لا اله الا هو العالم العلیم علام الغیوب المتکلم
الحکیم الخبیر الحافظ الحفیظ الرقیب المهیمن الحافظ
الهادی خاصیت این جمله کشف علوم است و از بهر زیادتی
حفظ علوم و از بهر زیادتی ذکا و ذهن و عقل و از بهر
نشاندن سخن در خاطرها و حلاوت در سخن گفتن و هر کس
که برین جمله مداومت کند همیشه مقبول القول باشد و چون
خواهد که در خواب رفتن بجامه خواب رود و هر کس که
برین جمله مداومت کند از بلاها ایمن گردد جمله سیم و آن
هیجده اسم است هو الله الذی لا اله الا هو الجمیل
الرحمن الرحیم اللطیف الحلیم الرؤف العفو الغفور
المؤمن النصیر المجیب المغیث القریب البدیع الکریم
ذو الاکرام ذو الطول المنان خاصیت این جمله آنست
که خایفان را امنی حاصل شود و اهل وحشت و دهشت را

بغایت مفید باشد و اسیران و بندیان را خلاصی حاصل شود
و بفسها از خوف و تلف نگاه دارد و اجابت دعا کند و
مظلومان را نصرت دهد و بر دشمن ظفر یابد و چون برین
جمله مداومت کند مقبول الصوره و القول گردد و رزق
بآسانی برسد و برکت در چیزها بیاورد جمله چهارم و آن
بیست و سه اسم است هو الله الذی لا اله الا هو الملک
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن الکبیر العلی
المتعالی العظیم الجلیل ذو الجلال الحق المجید الرفیع
الغنی الملی الواجد الولی الوالی الحفیظ المقدم المعز
خاصیت این جمله هیبت است و دفع وسوسها و دفع غلبه
شهوت و هر گاه در حضور متکبران یاد کنند مهربان و مطیع
او گردند و از بهر حفظ و اذیتها بغایت مفید و مناسب
باشد خصوصا اسم حفیظ چون مداومت بران کنند و اسم را
تکسیر کنند و با خود دارند بدین صفت جمله پنجم و آن

ح	ف	ی	ظ	ظ	ی	ف	ح
ف	ح	ظ	ی	ی	ظ	ف	ح

سیزده اسم است
هو الله الذی
لا اله الا هو القدیر القادر المقتدر العزیز الجبار

المتکبر

المتکبر ذو الجلال القوی ذو القوة المتین الشدید الظاهر
القهار خاصیت این جمله قهر کردن دشمنانست و غالب شدن
بر ایشان و خوف در دلها انداختن و شکستن لشکرها و کوفته
این اسم نزد مردمان معزز و معظم باشد و این جمله تفرقها را
جمع کند و مجمع از لشکرهای بیگانه متفرق گردند و دفع ظالمان
بکند و دلهای سخت نرم کند و هر حقیری که برین جمله مداومت
نماید دفع القدر گردد و هر خواری که مداومت نماید عزیز
گردد و چون در شبهای تاریک در ساعت هفتم در خانه
تاریک شود روی بر زمین بی حایلی بنهد و بنیت ظالمی
بخواند و اسم الضار المؤخر المذل برین جمله اضافت
کند و در آخر دعا بگوید یا شدیدی یؤخذ لی حقی ممن
ظلمنی او بغی علی و نام آنکس ببرد که البته آن ظالم مقهور
گردد جمله ششم و آن چهارده اسم است هو الله الذی
لا اله الا هو العالم المرید المحیط الرب الشهید
الحکم العدل الرشید الفعال الخلاق الباری
خاصیت این جمله آنست که باسانی بر مقصود و مطلب برسد
و تسخیر قلوب بکند و از آلت وساوس بکند و فکرها و اندیشها

ShivaDoc.com

زایل کند ودفع غم وحزن بکند جمله هفتم وآن یازده اسم است
هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمُحِیطُ الْوَاسِعُ الْبَرُّ الصَّادِقُ
النُّورُ الْبَدِیعُ الْمُبْدِعُ الْفَاطِرُ الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْمُغِیثُ خاصیت
این جمله آنست که در جمله خواب پاک رود وذکر بکند در
خواب صورت آنچه خواهد ببیند واین جمله زبان را
دروغ وناشایستها گفتن نگاه دارد ودلها خلایق مهربان کرده
وتاریکی از دل ببرد جمله هشتم وآن چهارده اسم است
هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ الْقَیُّومُ
الْقَائِمُ النُّورُ اللَّطِیفُ الْوَدُودُ النَّصِیرُ الْبَاسِطُ الْوَهَّابُ
الْفَتَّاحُ السَّامِعُ خاصیت این جمله آنست که دفع غم وحزن بکند
وچون این جمله سحرگاه یاد کند خصوصا این جمله اسم یا حی
یا قیوم یا لا اله الا انت از بهر زیادتی رزق وجاه و
هیبت بغایت مؤثر باشد وهمچنین بعد از نماز صبح تا طلوع
آفتاب همین خاصیت دهد واسم اللطیف مرعدا جامه دارد
وازالت غم وکرب وسختیها جمله نهم وآن بیست اسم است
هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ
الْمُتَکَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ
الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِیمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ
الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ الْحَکَمُ الْعَدْلُ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ
الْحَلِیمُ الْعَظِیمُ الْغَفُورُ الشَّکُورُ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ الْحَفِیظُ
الْمُقِیتُ الْحَسِیبُ الْجَلِیلُ الْکَرِیمُ الرَّقِیبُ الْمُجِیبُ الْوَاسِعُ
الْحَکِیمُ الْوَدُودُ الْمَجِیدُ الْبَاعِثُ الشَّهِیدُ الْحَقُّ الْوَکِیلُ الْقَوِیُّ
الْمَتِینُ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ الْمُحْصِی الْمُبْدِئُ الْمُعِیدُ الْمُحْیِی
الْمُمِیتُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ
الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ
الْوَالِی الْمُتَعَالِی الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّءُوفُ
مُالِکُ الْمُلْکِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِیُّ
الْمُغْنِی الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِی الْبَدِیعُ الْبَاقِی
الْوَارِثُ الرَّشِیدُ الصَّبُورُ خاصیت این جمله آنست که چون مداومت
کند وطعام کم خورد در حالت قیام غلو همت از نفس خود مشاهده کند
واین جمله دفع غفلت بکند وایمان زیادت کند وتقویت یقین
بکند ومنع ظالمان وامن از خائنان بکند واز مرضها والمها
شفا یابد وموجب دوام نعمت گردد وبقاء احوال واولاد حاصل
کند واز بهر کرده بغایت مؤثر ومفیدست والحمد لله رب

الجواد الفتاح المعطی الوکیل الکافی الرزاق
المقیت خاصیت این جمله تیسیر ارزاقست وتسهیل شخواریها
وتسخیر هر کس که خواهد وبآن نیت باین جمله مداومت کند
البته حاجت او روا شود وکوینده این جمله چون تمنای چیزی
کند یا چیزی در خاطر او بگذرد حق تعالی آن روزی او من
حیث لا یحتسب بر آورده کند واین جمله دفع فقر بکند ودفع
المها بکند جمله دهم وآن بیست وسه اسم است هُوَ اللّٰهُ الَّذِی
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْمَلِکُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الدَّائِمُ الْبَاقِی الْمُهَیْمِنُ الْبَرُّ الْقَاضِی
الْمُعَافِی الْمُحْیِی الْمُمِیتُ الْقَابِضُ الْوَارِثُ الْجَامِعُ الْبَاعِثُ
الْمُحْصِی الْمُقْسِطُ الْحَسِیبُ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ
کُفُوًا اَحَدٌ خاصیت این جمله آنست که چون مداومت کند وطعام
کم خورد در حالت قیام غلو همت از نفس خود مشاهده کند
واین جمله دفع غفلت بکند وایمان زیادت کند وتقویت یقین
بکند ومنع ظالمان وامن از خائنان بکند واز مرضها والمها
شفا یابد وموجب دوام نعمت گردد وبقاء احوال واولاد حاصل
کند واز بهر کرده بغایت مؤثر ومفیدست والحمد لله رب

العالمین اولا وآخرا وصلی الله علی خیر خلقه ومظهر حقه محمد
وآله واصحابه اجمعین وسلم تسلیما بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله رب العالمین والصلوة علی صاحب المعجزات محمد وآله
اجمعین اما بعد فهذا العمل لطیفة ربانیة من الحضرة الرحمانیة
متشبثة بهامطالب الانسانیة وهو ان تضع اسم الطالب اولا وتاخذ
مجموع عدد الجملی وتضع تحت اسم الطالب ثلثة مداخل بهذه
الکیفیة مدخل الکبیر مدخل الوسیط مدخل الصغیر وتضع
العدد الماخوذ من اسم الطالب تحت المدخل الکبیر واکتب تحت
هذا العدد الحروف المطابقة له ثم ترد عشرات اسم الطالب
مائة والوفر الی الاحاد فاحصل ضعفها تحت الوسیط وتحت الحروف
المطابقة له ثم ترد عشرات العدد الموضوع تحت الکبیر والوسیط
کلا علی حدة الی الاحاد وتضع حاصله تحت الصغیر مع حروفه
فی الشرط ان یکون العدد المرعود الیه من الکبیر والوسیط
متحدا فان اختلفا فهو دلیل علی الخطاء فی الحساب فیرجع الی
الحساب حتی یتحد ثم ابسط الحروف اسم الطالب مثل ان تاخذ
من اسم احمد من اول الالف واللام والفاء هکذا الف ومن
الثانیة الحاء والالف هکذا ح او من الثالثة المیم والیاء والمیم

هکذا

هکذا مي م ومن رابعة الدال والالف واللام هکذا دال فتضم
الی الحروف المبسوطة الحروف الموضوعة تحت المداخل الثلثة
علی الولاء ثم تضع تحته ثلثة مداخل علی نهج السابق ثم تاخذ الحروف
الحاصلة من الطالب والمطلوب بتبدیل بحروف الطالب وتسقط
التکرار وتجعله سطرا وتکسره تکسیر الصغیر حتی یظهر الرمل فکل
سطر من السطور المکسرة یکون فیه من هذه الالفاظ لفظة
کا اسم بسم اشم بشم فانظر فیها فان کانت علی الاستقامة
کما ذکرت فخذ سبعة احرف مما بعدها فانه الاسم الاعظم وان کانت
علی الانعکاس هکذا اکم س امس بسم ش ام ش ب م ش
ی فخذ سبعة احرف مما قبلها منعکسة وکل سطر یکون فیه لفظة
من الالفاظ العشرة وهی او عوطوثا ثوفی هاهو هی هاف فان کانت
مستقیمة فخذ اربعة احرف مما بعدها مستقیمة وان کانت منعکسة
فخذ اربعة احرف مما قبلها منعکسة وهذا الماخوذ هو اسم من
اسماء الاعوان فاجمع اسماء الاعوان المقبولة واترک المردودة
والمقبولة ما وافق حاصل عدده الجملی واحدا من الاعداد الموضوعة
تحت المداخل الاثنی عشر وههنا نکتة وهی ان کان الاسم الاعوان
مطابقا لواحد من الاعداد المداخلی فهو مقبول وان لم یکن

ShivaDoc.com

بمثل وزعفران وعود وعنبر وسادج هندی و زرعوخ و سنبل
وسندروس و بیه کو سفندارک و تخم ترنج و چون خواندن
آغاز کند هیچ روز فوت نکند و اگر از چهل و یکبار بخواند
و اگر بیشتر خواند باکی نبود و در حال خواندن از حیوانی و
مجامعت و حرام و دروغ و غیره اجتناب نماید و بعد از
تمامی نصاب چون این سوره تنجیم کند بخوبات مذکوره بسوزاند
و دم کرک در اندرون دایره بسوزاند ملوک اجنه حاضر آیند
چون میطرون و حاططرون و عبدالرحمن قرشیا و چهار
یک خلیفه اجابت کنند و طریق تنجیم آنست که بعد از تمامی نصاب
بصحرای خالی بیرون رود سه دایره کشد بدین صورت
و در میان دایره این نام بنویسد یا خنیثا یا برخیثا و بکار
فولاد درین دایره محکم کند و سوره قل اوحی هفده بار
بخواند هر حاضر آیند چون مراد حاصل شود در حل الیشان
لو انزلنا تا آخر سوره بخوانی که متفرق شوند و خاتم و تلک
حجتنا تا الی صراط مستقیم اخمار سوره اخلاص قهر و الصافات
صفا الی فاتبعه شهاب ثاقب عقد آیة الکرسی قسم آمن
الرسول عهد قل اللهم مالک الملک تا بغیر حساب از جمیع

تنجیم

تنجیمات این بهتر است زیرا که کلام الله است و خواندن حروف
و خطری نیست و هم جنیان مسلمان و ارواح حاضر میشوند
و هر بار که سوره را بخواند باید که با وی متصل بگوید اجیبونی
و اطیعونی و احضرونی یا معشر الجن تمت الکلام بعون الله
فایده بدانکه وضع حروف بر هفت جدول نهاده شده جدول
اول حروف آدم ع که آنرا سفر آدم گویند و حروف اینست ا ب ت
ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و
ه لای و آدم نام ملائکه آسمان اول را ازین حروف پیدا کرد و آورد
و پیدا کرد که هر یک ملائکه چه نام دارد و بر چه موکلند و چند
روح است در هر آسمانی و سفر را بر چهار فصل نهاده و هر
جدولی بجای خود یاد کرده شود و جدول دوم ادریس نهاده
و حروف او اینست ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع
ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ و وضع سیم سیث
هندی این را بطریقه ابقغ نهاد و بر اعداد و فق و آن در
سه فصل گفته شود و وضع چهارم امیر المؤمنین علی علیه الصلوة
والسلام نهاد و آنرا جفر جامع نام نهاد و ابتداء حروف هم
بر ا ب ت ث الخ کرده است که حروف سفر آدم بوده

فریضه اهم فنند

و بسط حروف هم بدان طور کرده الا وضع غامر بدین طریق
کرده وضع پنجم امام جعفر صادق علیه السلام کرد و آنرا
خانیه نام نهاد و الا اعتقاد بر اهطفنند کرده بسط آن بر ۲
باب نهاده یکی بلند علم کنند خوانند و یکی را تکسیر و ابتدا
وضع ششم رئیس الحکما ابن علی کرده و آنرا ابراج ه ب و ز د
ی ک س ح ل س ن ث ط م ف د ع ن ث ص ض ع ح
طق و آنرا ۲ فصل نهاده اند و وضع ۷ خواجه ابو شمس مغربی
رحمه الله نهاده و ابتدای آنهم بر اهطفنند کرده که آن حروف
ابجد است ۲ فایده بدانکه سفر آدم کتاب آدم است و سفر بلغت
قدیم کتاب است و بلغت عرب نوشته و این علم را سفر آدم
گویند یعنی کتاب منزل بآدم صفی ع و احتمال این معنی هم
دارد کتاب آدمیان جهت آنکه مقاصد بنی آدم از آن تحصیل
از خیر و شر ۲ فایده از نسخه معتبر مستفاد شد که اگر شخصی
معمول به مذکر است حرف اسم مذکر را بسط کند و اگر مؤنث است
مؤنث چنانچه حرف اند حد مذکر احد و مؤنث احدی
و علی هذا القیاس اما در مذکر ثلثین و در مؤنث ثلثین
بسط باید کرد ۲

۹۷

شخصی مواظبت نماید بر قراءة این اسم زایل شود از وی افکار فاسده و خیالات
تزویر و ما یخیلنا و جنون و هر که بترسد از سلطان یا غیر او بجهتی که شرف بر
هلاک شده باشد و باید که غسل کند و نماز ظهر بکند بود و بعد از آن قراءة کند
این اسم را پنجاه مرتبه و در بعضی از نسخ دیده شده که بعد از هر نمازی پنجاه مرتبه
بخواند بدرستی که هیچ احدی قادر نخواهد بود بر ایذای او و هموم و غموم و خوفش
زایل میشود ۲ فایده از خصایص او اینکه اگر کسی خواهد که در مرتبه خود ثابت و
مستقر باشد بدون عزل باید که روزه بگیرد دو سه روز و قراءة کند این اسم را هر
روز بعد از نماز سیصد مرتبه و سجده کند و ثبات او را از جناب احدیت بخواهد
و انکسار تمام مسئله نماید و اگر زیاد بر این چیزی دارد باید تمام کند انگشتری از نقره
و نقش کند بر وی این اسم را در شب بیست و هشتم ماه رمضان المبارک و در وقتی
که شمس در درجه شریفه باشد و روز شنبه بوده باشد بدرستی که خلل نرسد و در
نصب و مالش ۲ فایده از خصایص او اینکه اگر مخاصمه نماید با وی و جهت او را در فراق
داشته باشد بنویسد این اسم را بر ظرف چینی یا بر پنبه [illegible]
مطیع شود و اگر خواهد که باز ایذا احدی از خوردن [illegible]
باید که روزه بگیرد روز پنجشنبه و جمعه و شنبه و [illegible]

ShivaDoc.com

نماید در سر روز از حیوانی بدرستی که خدای عالمیان هدایت میکند او را و روزی
میفرماید از طاعات بلطف و کرمش دهم از خصلتها و اینکه اگر اراده عقد اللسان
احدی داشته باشد و بترسد از شر زبان او پس بیارد انگشتری از صاف سود و
بنویسد این اسم را از قلم حدید و در روی دیگر او اسماء مطلوبین را بنویسد و بگذارد
در شکم ماهی و دفن نماید در زمینی یا در نهری که من بعد در حوالی بدکی نشسته نمیشود
یازدهم از خصلتها و اینکه اگر کسی دین بسیاری داشته باشد و از اداء او عاجز باشد
روزه بگیرد و هفت روز در قراءة کند این اسم را هر روز هزار مرتبه بخوانند و همچنین
اگر خایف اینکه از سلطان یا اراده رجوع بمنصب خود داشته باشد همین عمل را نماید
دوازدهم از خصلتها و اینکه اگر سحر او را کرده باشند نقش کند این اسم را بر هفت
جوش و سحر او خود دارد سحر از و برطرف شود باذن خدای تعالی و همچنین برطرف شود
از و جزام و برص و هر گاه مواظبت نماید این اسم را زایل شود از و فقر سیزدهم
از خصلتها و اینکه اثر بسیار از مواظبت او حاصل میشود چهاردهم اینکه هر گاه احدی
را حاجتی باشد و قضا نشود بنویسد این اسم را در پوست آهو مشک و زعفران
دفن نماید در خانه کسی که اراده حاجت از و دارد روز دوم کعبه نماز بگذارد و قرار پوست
کند سوره الضحی را بعد از فاتحه سه مرتبه و سجده کند بعد از فارغ شدن از نماز

و بعد از فاتحه سه مرتبه و سجده کند بعد از فارغ شدن از نماز و حاجت خود را طلبد
از خدای تعالی و بعد از آن قراءة کند این اسم را پنجاه مرتبه بنیت خالص قضا میشود
حاجت او بعون الله و فراخ میشود بر او رزقش و اسان میشود کارهای او و صنع
میکند این اسم در همه مقاصد یازدهم از خواص او اینکه هر گاه شخصی بصید رود
بدرنداید و خلاصی از و ممکن نباشد بخواند این اسم را در یکشبانه روز ده هزار
مرتبه بنیت درست و یقین خالص که خلاصی یابد البته شانزدهم از خواص این
موضع کفایش ذکر ندارد و اگر روزه بگیرد احدی سه روز پیش از طعام کل حیوانی و
قراءة کند هر روز سیصد مرتبه و بعد از آن قراءة کند هزار مرتبه و صد بار در دو رکعت
نماز بگذارد بعد از آن قراءة این اسم را صد و بیست مرتبه آنگاه طلب مقصود خود نماید
که عطا فرماید خدای عالمیان بکرم خود و از برای قاری حاصل میشود که قادر بر
اکثر امور شود هفدهم از خواص او اینکه اگر شخصی را قرض بسیار باشد و از ادای
او عاجز باشد و در تنگی و مشقت باشد و مددکاری نباشد او را باید که مداومت
نماید بدین اسم که روزی فرماید خدای تعالی اموال بسیار و اگر قراءة نماید این
اسم را تو در روز هر روزی هفت هزار مرتبه مردی از رجال الغیب ایشان را تعلیم کیمیا
و بعد از آن محتاج نشود بهیچ احدی و مستغنی شود از مردمان و بسخای الدهر شود

بعد از خواص او اینکه اگر بنویسد این اسم را بر حریر سفید و بسیار و شخصی که با آن
دفن نماید حفظ کند خدای تعالی بر برکت این اسم مال او را که تغیر در و بهم نرسد و
دزد نبرد و اگر با میت دفن نماید متغیر نشود نوزدهم از خواص او اینکه اگر شخصی را
غایبی باشد و حال او را نداند و از و خبری نیاید باید که قراءة کند این اسم را در
چهارشنبه بنیت خالص بیست و پنج هزار مرتبه و بعضی گفته اند هفتاد مرتبه و در آن روز
روزه بگیرد و در رکعت نماز بگذارد بعد از حمد سوره اخلاص را ده مرتبه بخواند و آیة
الکرسی را ده مرتبه و آنگاه سجده کند و در سجده صلوات بفرستد و قراءة نماید این
اسم را هزار مرتبه و بنویسد این اسم را بر پوست آهو مشک و زعفران و در زیر سر نهد
و بخواید که ببیند او را در خواب و خواهد دانست جمیع احوال او را و اگر گریخته باشد
همین عمل را بکند آن گریخته زود فراچنگ نماید بستم از خواص او اینکه اگر شخصی را
دوست دارد و او را اصلا نظری بتو نباشد این اسم را بمشک و زعفران بر پوست
آهو بنویسد و بخود کند بعود و بپندارد باب کرم و قراءة کند این اسم را بر هزار
مرتبه و باید که در آن روز روزه باشی تا آنکه آن شخص مطیع تو شود بفرمان خدای تعالی
بیست و یکم هر که اراده کند که مشغول شود در خانه پادشاه یا مرد دکانی باید
که روز دوشنبه روزه قراءة کند این اسم را هر روز ده هزار و بیست و پنج مرتبه

بطهارت کامل و نیت صاف که میاید عز و شرف و دلالت و اگر مواظبت نماید
بر قراءة این اسم اشیاء عجیبه مشاهده کند بیست و دوم هر که مواظبت نماید بر قراءة
هر که مواظبت نماید برین اسم هر روز نود مرتبه منکشف گردد از برای علوم و تکلم نماید
در غیب و بدایع مکونات و لطایف مصنوعات و خواص اشیاء و منافعش اراده نماید
بیست و سیم هر که اراده کند که وزیر و صاحب حکم دیوان یا کاتب باشد ملازم
این باید باشد و مواظبت نماید که حاصل شود مرادش و دعوة این اسم است که
بخواند هزار و یکم مرتبه و در این خواص بسیار است از جمله تحصیل علم و مال بیست و چهارم
اگر شخصی اراده نماید که تصرف یابد بر اعدا و بهیبت باشد در چشم ایشان و معزز
موقر باشد نزد ایشان و عمره باید که قراءة این اسم مداومت نماید بیست و پنجم
اگر احدی تاجر باشد و اراده رج نماید در مالش باید که قراءة کند هر روز سیصد و بیست
مرتبه روزی بسیار یابد و مستغنی شود و عظیم و بلند شود شان او و مشهور شود
میان مردمان بیست و ششم هر که قراءة و مواظبت نماید دویست هزار مرتبه
دولت تمام محفوظ ماند بسبب آن از زیان و خواری و روزی رسد باو از دنیا که
مستغنی شود بیست و هفتم هر که قراءة کند و مواظبت برین اسم برسد بمرتبه عظیم
بحیثیتی که در میان مردم مشهور و گردد بیست و هشتم این اسم را خصوصیت

ShivaDoc.com

ویرکرا محبوبی باشد و ملتفت او نشود بنویسد این اسم را بمشک و زعفران و بخور
کند در وقت نوشتن بنام او و مادرش و بگذارد کاغذ را در شکاف دیوار در
پهلوی خانهٔ او و بعد از آن قراءة کند این اسم را مرد و بیست و پنجم تبه و بدمد بر
آنجا که اسم است اگر دور و اگر نزدیک که اطاعت کند او را **بیست و نهم** هرگاه دو
لشکر از برای تعالی در برابر هم آیند بخوانند این اسم را بنیاز و کرکار تصور آنجا
و هر طرف شود بشرط آنکه قراءة کند هایکر دکوشهای خود را که او از دشمن
نشنوند و اگر اراده هلاک دشمن دارند هفت روز بخوانند هر روز هزار تبه
که دشمن هلاک شود و اگر امانتی نزد شخصی باشد و ندهد باید که دو رکعت نماز کند
در رکعت اول فاتحه و سوره اذا زلزلت یکبار و در رکعت دوم الحمد و العصر یکبار
و بعد از سلام قراءة کند این اسم را صد و بیست و پنجم تبه و طلب کند حاجت خود را
از خدای تعالی که قضا شود البته انشاء الله تعالی و روزه دارد **سی ام** در تسخیر عطارد
سر عظیم دارد هرگاه قراءة نماید این اسم را سیصد مرتبه بشرط **سی و یکم**
در اوزان و خرد و جاه و ترقی و تعلی عظیم دارد اما بشرط **سی و دوم** هرگاه
رفعت و مرتبه علیه داشته باشد این اسم را هفت روز باشد و روز بخواند **سی و سوم**
هرگاه [illegible] این اسم را و بشوید و بخورد صداقش [illegible]

وصل

وصل

و درین اسم تسخیر جن و کشف اسرار نیز حاصل شود **سی و چهارم** هرگاه احدی را
ضعف باشد و اطبا در علاجش عاجز باشند و معلوم نشود که ضعف از چه جهت است
قراءة نماید داعی باسم و این اسم را بلا عدد روزی کند خدای تعالی او را صحت
و عافیت بکرم خود و هر کرا که معین شود از برای قتل شخصی نماید دعا کند در
خلاف هفت تبه قراءة نماید این اسم را هفتاد و هفت تبه خدای عالمیان
نجاة دهد او را از قتل و اگر احدی بدیده باشد قراءة نماید این اسم را بشصت
و پنج و شش هزار مرتبه که خلاصی میابد بعنایت خدای تعالی **سی و پنجم**
داخل نکرده **سی و ششم** در تسخیر حلت اما بشرطی **سی و هفتم** آنچه
طالب امری باید خواند و اگر کسی این اسم بر کف بنویسد آن مست مقید شود
و اگر کسی مواظبت نماید بر قراءت این اسم مشهور و معروف شود در میان
مردمان **سی و هشتم** هرکه اراده نماید حضور سلاطین و رؤسا و اکابر
دین را پس ملازمت نماید این اسم را و درین تسخیر مرتبه حاصل شود و سبب
مواظبت برین اسم ایمن از سلاطین و رؤسا رفعت مرتبه و علو منزلت و قبول
باشند جمیع و فرمان بردار او و اگر کسی جهت آمرزش گناه نزد خدای عالمیان
مواظبت این اسم نماید جذب رحم نماید او را و [illegible]

نماید برین اسم چهل روز و بعضی گفته اند نود و نه روز و قراءة کند هر روز ده
مرتبه پس هرگاه تمام شود این ایام حاصل شود قاری را از خواص هفت خاصیت
خاصیت که هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد و خطر نکرده باشد
در دل هیچ بشری و درین اسم عقد اللسان نیز هست باین نحو که دو زه بگیرند در
وجهد نماید در قراءة این اسم پس اخذ نماید رشته را و گره زند بر آن رشته هفت گره
و قراءة نماید بر هر گره این آیه را یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
و داخل نماید آن رشته را در شیشه و سر شیشه را مهر نموده دفن نماید مطلوب حاصل
اسم چهلم هرگاه اراده شخصی در دست ظالمی گرفتار شود که نظر هلاک بوده باشد
و عاجز شود از استخلاص باید ملازمت نمود برین اسم اعظم هر روز نود و نه مرتبه
تا خلاصی یابد این اسم بدعوة الغیاث هرکه قراءة نماید این اسم را چهل روز کشف
میشود از برای او ارواح و می بیند مکان خود را از زمین غیب قبل از موت و [illegible]
و باید در هم اینها شرایط مذکوره سابقه رعایت شود که در اجابت مدخلیت
تمام دارد و العهدة علی الراوی فی کل ذلک **فصل** در ذکر خواص [illegible]
از بزرگان دین طریق نادر علی و اعتقاد [illegible] بر توجه مذکور است [illegible]
و منه [illegible] نادعلی [illegible] العجایب [illegible]

التراب بکل هم و غم سیجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی یا اباالغیث
اغثنی و یا علی علیک ادرکنی بحرمة محمد و عترته الطاهرین **فصل** در ذکر
حرز استجاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و طریق قراءة کردن این حرز موافق
آنچه که از خط ثالث العلمین میر محمد باقر الداماد رحمه الله نقل شده اینست که هر روز
هر روز چهارده مرتبه بجهت مهمات کلیه و جزویه بخوانند چون تسخیر ملوک و دفع
دشمن و ذو شکامی و عزت پیش سلاطین و حکام و طلب فیوضات روحانی
یافتن مال دنیائی و کشف کنوز و هر نوع مهمی که پیش آید اثر و فواید آن ظاهر
شود و فواید این حرز بسیار است و بزرگان این حرز را سیفی گویند که چنان گفته اند
و هر نوبت که حرز را خواند بتقدیم الکامل رسد این اسم را بخاطر آورد که یا خالق
من فی السموات و الارض کل الیه معاده و بعد از آن مطلوب را قصد کند
و این دعا را بخواند که اللهم صل بفضلک یا وهاب و بگذرد وقت بلفظ
بسم الله و سبقه القائل اعذار را بخاطر آورد و این دعا را بخواند اللهم
شتت شملهم و فرق جمعهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و بدل احوالهم
[illegible] احالهم و اقطع ادراکهم و اشغلهم بابدانهم و انفسهم و خذهم اخذ
[illegible] مقتدر یا قهار [illegible]

ShivaDoc.com

دفع دشمن

که درین موضع بجهة دفع دشمن هفت مرتبه این آیه را بخواند کتب الله لاغلبن
ان الله قوی عزیز و چون باللهم یا غالبا سه مطلب را تصور کند و بگوید الهی
کفی علیک عن المقال و کفی اگر مانع عن السؤال حرز است بسم الله الرحمن الرحیم
احتجبت بنور وجه الله المقیم الکامل و تحصنت بحصن الله القوی
الشامل و رمیت من بغی علی بنبل الله و سیفه القاتل اللهم یا عاصما
علی امره و یا قائما فوق خلقه و یا حائلا بین المرء و قلبه حل بینی و
بین الشیاطین و بینه و بین ما لا طاقة لی به من احد من عبادک و
کف عنی ألسنتهم و اعلل ایدیهم و لا جلهم و اجعل بینی و بینهم سترا
من نور عظمتک و حجابا من قوتک و حدا من سلطانک انک حمید
مجید اللهم اغش عنی ابصار الناظرین حتی اردد الموارد و اغش عنی
ابصار الشیاطین و ابصار الظلمة حتی لا یرانی من ابصارهم بکلمة سنا
و تبدهب بالابصار بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص حمعسق کما انزل الیک
تنطق به بنات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح
هو الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم

بسم الله و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل ملک الموت و الکروبیون و حملة
العرش و اعتصمت بالله الذی اعتصم به الملائکة الذین حول العرش
یسبحون بحمد ربهم و یقدسون بعزة ملکوته و اعتصمت بالله الذی لا اله
الا هو الذی اعتصم به آدم و النبیون و الصدیقون و الشهداء و اعتصمت
بالله الذی لا اله الا هو الذی بیده ملکوت کل شیء و هو علی کل شیء و کل
و هو ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بما اعتصم به اولیاؤک و اهل
طاعتک اجمعین من اهل السموات و الارضین ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تمنحنی ایمانا و امانا و عافیة فی الدین و الدنیا و الآخرة و اصرف
عنی شر کل ذی شر یا واسع المغفرة و یا ارحم الراحمین و لا حول و لا قوة الا
بالله علیه توکلت و هو رب العرش العظیم حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی
و نعم النصیر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطاهرین بسم الله
الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام
اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی منتهی قرار الارضین السابعة دون
جلالک الکریم انت بک الا اله الا انت یا غیاث المستغیثین اغثنی
یا من یجیب من تحمله فاستجب لی یا جمیع خلقک یا ذا الجلال و الاکرام

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین بعد از آن شروع در [illegible]
بزرگان است که پیش از دعوة بیست و چهار فاتحه و چهل و یکبوته بگوید اللهم
ایاک نعبد و ایاک نستعین و صد بار بخواند و افوض امری الی الله ان
الله بصیر بالعباد و ده نوبه بگوید اللهم صل علی محمد و آله و سلم بعد از آن
بجهة دفع دشمن این حرز یمانی را بخواند احتسابا سی و یک بار در [illegible]
تحصنت نفسی بالحی القیوم و دفعت عنی السوء بلا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم این تسبیح را سه مرتبه بیاد ایستاده بخواند سبحان الله
القادر القاهر القوی العزیز الجبار المتکبر الحی القیوم بلا معین و لا
ظهیر این اختتام را سه مرتبه بخواند اللهم انک قلت ادعونی استجب لکم
انک لا تخلف المیعاد اللهم فرج همی و اکشف غمی و اهلک عدوی
و اقض حاجتی برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن سه مرتبه بگوید لا اله الا الله
محمد رسول الله محق وعد الله حقا بعد از آن نه بار بخواند اللهم تفضل
علی و احسن الی و کن لی انیسا و لا تکن علی اللهم یا لطیف اعنا
و ادرکنا بحق لطفک الخفی الهی کفی علمک عن المقال و کفی کرمک عن
السؤال یا اله العالمین و یا خیر الناصرین برحمتک استعین و علیک

بحق کل اللهم بحق سر هذه الاسماء و بحق کرمک الخفی و بحق اسمک
العظیم الاعظم ان تقضی حاجتی و تهلک عدوی و توصلنی الی مرادی
و تدفع عنی شر جمیع عبادک یا ارحم الراحمین بعد از آن بگوید اللهم صل علی
النبی الامی و آله و ازواج امهات المؤمنین و ذریته و اهل بیته
کما صلیت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید اللهم انزله المقعد
المقرب عندک یوم القیمة بعد از آن بگوید اللهم انی اسئلک ان تنجینی
الجن و الانس بما صلحائهم لیعینونی علی ما ارید منهم من حوائج الدنیا
و مناهج الآخرة برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی خیر خلقه و مظهر
لطفه محمد و آله و اولاده اجمعین الطیبین الطاهرین بجهة دفع اعدا این دعا
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم هتک الکتائب و هازم الاحزاب و سریع
الحساب اللهم شتت شمل اعدائی فلان و فلان و فرق جمعهم
و زلزل اقدامهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و خرب جانبهم
و اقطع ارزاقهم و قصر اعمارهم و اشغلهم بانفسهم و بغض اعینهم
و سود وجوههم و اخذ بلسانهم و اهلکهم کاهلاک شداد و عاد و
کاهلاک فرعون و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا رب انی مغلوب فانتصر

ShivaDoc.com

اللهم اني لا احسن شيئا من التدبير يا دليل الحائرين دل حيرتي يا الله
يا الله يا الله يا حليم يا عظيم يا عليم يا كريم يا حي يا قيوم يا ذا الجلال
والاكرام يا مالك يوم الدين يا ديان يوم الدين يا مالك الملك يا ذو الجلال
يا احسن التدبير وخلصني من جميع الامور برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
اجعلنا من عبادك الصالحين ومن خواص المقربين الهادين المهديين
انزلنا حظيرة قدسك مع اهل انسك من الانبياء والمرسلين واختم لنا
ولامتي محمد صلى الله عليه وآله وسلم بالخير آمين برحمتك يا ارحم الراحمين

اثبات دعا مذكور اول سه مرتبه بخواند سبحان الله الخادر القاهر تا على الله
حقها چاره قبل ازين دو شش دوم مرتبه بگوید اللهم انك قلت ادعوني يا اله
خلق العباد بسم اللهم تقبل دعائي في قضاء حاجتي بحق كل اسم هو
لك ظاهرا او باطنا او بحق اسمائك المكنون في القرآن وبحق اسمائك في
كل كتاب منزل من السماء اهيا شراهيا اذونيا صباوت يا ربي
عصمتك بالله بحرمة يا ربي بحرمة يا حي يا قيوم بحرمة والهكم اله
این دعا بخواند يا بديع السموات والارض لا اله الا انت وحدك لا
شريك لك بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص كفت بسم الله الرحمن الرحيم

وهو دعاء ادريس عليه السلام ادبهارنو الله مكانا عليا وفضلها الامجد ولا يستقصي خواص
لا لغة ولا تحصى لكن ينبغي للمتبغي فوائدها والناهل من موارد انه في مبتدا
الحال يتحلى بحصال اوله ان يعتقد ان الخواص المذكوره لهذه الا
سماء حق وما نذكره من فضايلها صدق ان لروحانيا تها القدره
على تحصيل مطالبه والحاح ما ربه لانهم متى اعتقدوا بتوهم عجز في حقهم لم يجيبوا
دعوته ولم

ShivaDoc.com

الاسم الاول سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شيء ووارثه
من قراه عند مقابلة السلطان سبع عشرة مرة وسبح بيده وجهه احبه
وقضى حاجته واذا قاله عشرين نهارا كل يوم مائة مرة وقت الصبح على الرزق
رزق تاليه ذهنا وقادا بحيث يفهم الامور الغامضة واذا صام الجمعة وقراه
مائة مرة وقت الصبح شفاه الله من كل سقم ومن قراه يوم الخميس مائة مرة بعد
صلوة ركعتين يقرا فيها مائة اية من القران قضى الله حاجته ومن واظب عليه نور الله
قلبه اسم الثاني يا اله الالهة الرفيع جلاله من قراه عشرين يوما
كل يوم خمسين مرة اغناه الله عمن سواه واحبه من راه ومن قراه على ماكول
واطعمه لمن احب احبه ومن جعل له وردا يقراه كل يوم حصل على كنز علم ادهم
اسم الثالث يا الله المحمود في كل فعاله من اغتسل يوم الجمعة ولبس احسن
ثيابه واطهرها وكان في موضع خال في الجامع وقراه بعد صلوة الجمعة بصدق
نية واخلاص مائة مرة قضيت حاجته مهما كانت ومن قراه قبل ان يفعل
فعلا عشرا ثم فعله جاء في غاية الجودة وان تلاه سقيم سبعة ايام على الرقي
برئ من مرضه اسم الرابع يا رحمن كل شيء وراحمه من كتبه على ورقة
حريرة بيضاء وكتب اسمه واسم امه ثم دفنه في مقام مائة حفظه الله
ومن صام ثلثا تباعا وقرا الاسم كل يوم خمسمائة مرة ثم يدخل الحمام في الرابع
فاذا اغتسل وخرج كتبه في كفه اليمنى ويطبقه ثم يفتحه عند مقابلة من يريد محبته
وصداقته يكون ذلك ان شاء الله وان مس بيده المكتوبة كان اوكد
اسم الخامس يا حيا حين لا حي في ديمومية ملكه وبقائه
للصحة وابلغ اسم الخامس يا حيا حين لا حي في ديمومية ملكه وبقائه
من كتب في انية صينية بمسك وزعفران وغسل ماء ورد وسكر ونبات وسقاه
لمريض عوفي ومن قراه ثلثمائة الف مرة لم يمرض ابدا وكذا من شربه على صحة
اسم السادس يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤوده من قراه اربعين
يوما

يوما كل يوم سبع وعشرين مرة قبل الصبح بنية خالصة زاد فهمه ولم
ينس شيئا حفظه ومن قراه وجوده على وجه يحيى الفرائة امن من
من اللص ومن قراه ليلة الاثنين والشمس في برج الجدي مائة وعشرين
دلك في منامه على الترقي السابع يا واحد الباقي اول
كل شيء واخره من اغتسل وقت الظهر ثم صلاها وقراه الاسم
خمسين مرة مرة امنه الله ممن يخافه ويعافيه الله من الوساوس
والافكار الردية اسم الثامن يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه
الاسم التاسع يا صمد من غير شبيه ولا شيء كمثله
الاسم العاشر يا باقي فلا شيء كفوه ولا مداني لوصفه
الاسم الحادي عشر يا كبير انت الذي لا تهتدي العقول لعظمته
الاسم الثاني عشر يا بادي المنشئ لا مثال خلا من غيره
الاسم الثالث عشر يا زاكي الطاهر من كل افة بقدسه
الاسم الرابع عشر يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله
الاسم الخامس عشر يا غني من كل جود لم يرضه ولم يخالطه فعاله
الاسم السادس عشر يا حنان انت الذي وسعت كل شيء رحمته
الاسم السابع عشر يا منان ذا الاحسان قد عم الخلايق منه
الاسم الثامن عشر يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا لرهبته
الاسم التاسع عشر يا خالق من في السموات والارضين وكل

الاسم العشرين يا رحمن كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه
الاسم الحادي والعشرين يا بار فلا الصف الالسن كل جلال ملكه وعزه
الاسم الثاني والعشرين يا مبدئ البدايا يا من لم يبغ في انشائها اعوانا
من خلقه الثالث والعشرين يا علام الغيوب فلا يؤوده من
شيء حفظه الرابع والعشرين يا معيد الما افناه اذا
برز الخلائق لدعوته من مخافته الخامس والعشرون
يا حليم ذا الاناة فلا شيء يعاجله من خلقه
السادس والعشرين يا محمود الفعال ذا المن على خلقه
بلطفه السابع والعشرين يا عزيز المنيع الغالب على امره
فلا شيء يعدله من اراد كسر عدده فليقراه وهو مقابل احدى و
سبعين مرة ويتفل على عدوه فان اعداءه ينهزمون ويقول عند قراءته
اللهم عطل حراستهم حتى لا يقدروا على شيء الثامن والعشرين
يا قاهر ذا البطش الشديد انت الذي لا يطاق انتقامه
قيل هذا الاسم مكتوب على جبهة عزرائيل وله ستة وستون خصية وسرجه
طويد ومن كتب في صحن صيني بمسك وزعفران وزعفران وسقاه لمعقود حمل
واذا قرئ على عسكر العدو ثلثمائة وسبعين مرة وتفل على عدوه فانه
ينهزمون ويقول اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي
برحمتك يا ارحم الراحمين ومن صور صورة من شمع احمر
على اسم عدوه وقرا الاسم سبعة ايام كل يوم الف مرة اهلك الله

عدوه واذا اراد تمريضه فليكن الشمع اصفر ويقرا عليه الاسم كما
قلناه على الشمع الاحمر التاسع والعشرون يا متعالي
القريب في علو ارتفاع دنوه الثلثون يا جبار المذلل
كل شيء بقهر عزيز سلطانه الحادي والثلثون
يا نور كل شيء انت الذي فلق الظلمات نوره الثاني
والثلثون يا قدوس الطاهر من كل سوء ولا شيء يعدله
الثالث والثلثون يا قريب المجيب المتداني دون كل
شيء قربه الرابع والثلثون يا عالي الشامخ في السماء
فوق كل شيء علو ارتفاعه الخامس والثلثون يا بديع
البدايع ومعيدها بعد فنائها بقدرته السادس والثلثون
يا جليل المتكبر على كل شيء فالعدل امره والصدق
وعده السابع والثلثون يا مجيد فلا يبلغ الاوهام
كل ثنائه ومجده الثامن والثلثون يا كريم العفو و
العدل انت الذي ملاء كل شيء عدله التاسع والثلثون
يا عظيم لذا الثناء الفاخر والعز والكبرياء فلا يذل
عزه الاربعون يا عجيب فلا تنطق الالسن بكل
الائه وثنائه

ShivaDoc.com

۷۸ ج ر

۷۸ ج گ

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تأسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی

ShivaDoc.com